

فارکس پیشرفته



استراتژی جان مورفی**MAP THE TREND 1**

باید نقشه روند قیمت در دوره‌های بلند مدت را زیر نظر داشت مثلا معامله گرانی که در بلند مدت کار میکنند باید نقشه چند ساله و روندهای آن را در نظر بگیرند و کسانی که کوتاه مدت کار میکنند برای جلوگیری از ضرر باید روند های ماهانه و هفتگی و روزانه را مد نظر داشته باشند باید روی یک روند متمرکز شویم و آن را دنبال کنیم زیرا روند ها مقیاس گوناگونی دارند مثلا کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت.

ابتدا باید خود را بشناسیم و بدانیم که از چه معامله گرانی هستیم و در چه زمانی قصد ورود و خروج داریم و براساس آن روند را انتخاب کنیم و سپس مطمئن شویم که در روند صحیح قرار داریم در این حالت میبایست نقاط خرید و فروش برای ما کاملا مشخص باشد

در روندهای صعودی باید در مواقع dip و خرید کرد و در روندهای نزولی در rally بفروشیم اگر معامله گر روزانه هستیم باید نمودار های روزانه و ساعتی را زیر نظر داشته باشیم در این راه با نگاه به روندهای طولانیتر زمان ورود و خروج را بر اساس روند های کوتاه تر انتخاب میکنیم

FIND THE LOW AND HIGH OF IT 3

در این راستا باید خطوط حمایت و مقاومت را یافت بهترین زمان خرید در نزدیکی خط حمایت و فروش نزدیک خط مقاومت میباشد

خطوط حمایت همیشه کمترین قیمت قبلی است و خطوط مقاومت بیشترین قیمت های قبلی میباشد پس از شکسته شدن خطوط فوق مثل فنر عمل میکنند و خط مقاومت تبدیل به خط حمایت میگردد و بالاترین قیمت قبلی تبدیل به کمترین قیمت فعلی میگردد پس از شکسته شدن خط حمایت این خط تبدیل به خط مقاومت میگردد و پایین ترین قیمت قبلی تبدیل به بالاترین قیمت فعلی میگردد

KNOW HOW FAR TO BACKTRACK 4

برای این امر میبایست بتوان میزان تصحیحات و جبرانات را تشخیص داد براساس اصول فیبوناچی والیوت و یو یک قیمت در پروسه صعود و یا نزول وقتی به انتهای مسیر میرسد باید مقداری از حرکت خود را جبران کنی جبران میتواند 38% یا 50% یا 62% باشد

38% یعنی یک سوم مسیر را باز گردد
50% یعنی نیم مسیر را باز گردد
62% یعنی دو سوم مسیر را باز گردد

با تشخیص این مقادیر میتوان جهت حرکت سهم را مطالعه کرد بنا براین بهترین زمان خرید در محدوده دوره جبرانی 33% تا 38% فیبوناچی میباشد

DRAW THE LINE 5

رسم خطوط روند یکی از ساده ترین و مهمترین کارهای تکنیکی است برای رسم روند صعودی نیاز به دو نقطه پی در پی قیمت پایین داریم و در روند نزولی نیاز به دو نقطه پی در پی بالا داریم قیمت در میان روند ها بالا و پایین میرود و وقتی خطوط را بشکند یعنی روند پایان یافته است و یک روند دیگر آغاز شده است

FOLLOW THE AVERAGE 6

میانگین های متحرک بصورت واقعی نشان دهند نقاط خرید و فروش هستند آنها به ما میگویند آیا یک روند هنوز ادامه دارد یا خیر البته میانگین ها بصورت پیشرفته نقاط را معرفی نمیکنند ولی میتوان تغییرات را درک کرد

ترکیب نمودار با دو میانگین متحرک مثلا 4 و 9 روزه و یا 9 و 18 روزه و 15 و 30 روزه میتواند نقاط خرید و فروش را روشن نماید هر وقت میانگین کوتاهتر میانگین بلند تر را قطع کند به سمت بالا نشان خرید و هر وقت به سمت پایین قطع کند نشانه فروش است

LEARN THE TURNS 7

نوسان نگارها به ما کمک مینند تا بفهمیم بازار در چه شرایطی است و میتوانند با کمک میانگین متحرک به ما بگویند که یک روند آغاز شده یا به انتها رسیده است دو نوسان نگار عمده آر اس ای و استوکاستیک میباشد که هر دوی آنها در رنج 0 تا 100 میباشند برای آر اس ای دوره 14 روزه کار میکنیم و زیر 30 منطقه فروش زیاد و شرایط خرید و بالای 70 که منطقه خرید زیاد و وقت فروش است. برای استوکاستیک دوره 4 تا 9 روزه و زیر 20 منطقه فروش زیاد و بالای 80 منطقه خرید زیاد است. و اگرایی های نوسان نگارها از علایم اصلی در خرید و فروش است سیگنال های هفتگی برای معامله گران روزانه مفید است و سیگنال های روزانه برای معامله گران لحظه ای مفید است.

KNOW THE WARNING SIGNS 8

استفاده از MACD و سیگنالهای صادره از آن «تشخیص نقاط خرید و فروش بعنوان نوسان نگار سیگنال خرید وقتی که خط سریع به بالای خط آهسته میرود و هر دوی آنها در زیر خط صفر هستند سیگنال فروش وقتی که خط سریع به زیر خط آهسته می رود و هر دو آنها در بالای خط صفر هستند توسط MACD هیستوگرام میتوان با سرعت بالاتری این سیگنال ها را دریافت کرد

TREND OR NOT A TREND 9

برای این کار از A D X استفاده میکنیم که آیا بازار در شرایط معامله است یا خیر

صعود adx نشانه قوت یک روند است و سقوط آن نشانه ضعف روند وقتی adx بالا میرود باید از میانگین متحرک استفاده کرد و وقتی پایین میآید از نوسان نگارها با در نظر گرفتن مسیر adx در میابیم که از چه اندیکاتوری استفاده نماییم

KNOW TO COFORMING SIGNS 10

علامت تایید کننده شامل حجم معاملات و میزان علاقه مندی بازار است و باید توسط اندیکاتورها محاسبه گردد حجم مقدم بر قیمت است یعنی باید اول حجم افزایش یابد تا قیمتها کاهش یابند بدین معنی که زیاد شدن حجم نشانه گسترش و انتشار معاملات است افزایش علاقه مندی با ورود پول های جدید و حمایت آنها صورت میگیرد و کاهش علاقه مندی یک زنگ خطر برای پایان یافتن روند است

کلیات و مفاهیم بازار آتی ها

تاریخچه شروع معاملات آتی (اوراق مشتقه)

در سال 1848 در شیکاگو تولیدکنندگان گندم برای فروش محصولات خود نیاز به بازاری داشتند تا معاملات نقدی را انجام دهند یعنی گندم بدهند و پول آنرا ستانند.

به تدریج کشاورزان (فروشنندگان) و دلانان (خریداران) شروع به نوعی تعهد جهت دریافت وجه نقد خود در آینده گرفتند و زمینه معاملات آتی (Futures) را پایه ریزی کردند بدین معنی که: تولیدکننده موافقت نماید که محصول خود را به خریدار در تاریخ آینده (تاریخ تحویل کالا) با قیمت توافق شده بفروشد. در این راستا کشاورز از قبل می داند که وجه خود را دریافت می نماید و دلال نیز از قیمت کالا با خبر می شود و این معامله برای هر دو طرف معامله سودمند است این نوع قراردادها به سرعت رایج گردید و قراردادها را قبل از تاریخ تحویل دست به دست چرخاند. اگر دلالی احساس می کرد نیازی به گندم ندارد، قرارداد خود را به فردی که گندم را نیاز داشت

می فروخت، مشابه آن نیز، تولیدکننده که قصد عدم تحویل گندم را داشت مسئولیت تحویل واقعی گندم را به دیگری منتقل می کرد. قیمت قرارداد وابستگی به وضعیت و حرکت قیمت گندم و سیستم عرضه و تقاضا در بازار داشت.

این قراردادها با اندکی تغییرات به سرعت تبدیل به ابزاری حمایتی برای طرفین معامله که بازار بر خلاف نظر آن ها حرکت می کرد، تبدیل شد مثلاً در شرایط بد آب و هوا، افرادی که قرارداد فروش گندم منعقد کرده اند، علاقمند هستند، قراردادهای ارزشمند خود را بدلیل کاهش عرضه گندم، نگه دارند، برخلاف آن، چنانچه تولید مازاد بر تقاضا باشد، ارزش قراردادهای فروش نیز کاهش می یابد بعلاوه، این وضعیت معامله گرانی را که

قصد خرید و فروش گندم را نداشته و صرفاً بعنوان پذیرش ریسک قیمت گندم و تحصیل سود وارد معامله شده اند را نیز ترغیب می کند. نتیجتاً معامله در قراردادهای آتی حالتی بسیار سودمند در سرمایه گذاری داشته و باعث ورود کالاهای دیگر به بازار آتی می شود و زمینه ای را ایجاد می نماید که شکل قراردادهای آتی منظم و قانونمند می شوند و بدنبال آن بورس CBOT در سال 1848 در امریکا شکل می گیرد. بنابراین بطور اساسی و زیربنایی محلی عمومی برای خریداران و فروشندگان ایجاد می گردد تا برای قراردادهای سلف و آینده خود مذاکره نمایند. شهرت قراردادهای آتی و موفقیت بورس CBOT در شیکاگو باعث رونق بازارهای محلی دیگر گردید تا کالاهای معینی را بر اساس ساختار بومی کشورها پایه ریزی و معامله قراردادهای آتی را تسهیل نماید. در اوایل قرن بیستم همانطور که سیستم حمل و نقل و ارتباطات رونق بیشتری یافت، انبارهای مرکزی نیز در بازارهای اصلی برای توزیع کالاها بصورتی مقرون بصرافه و اقتصادی ساخته شدند. کالاهای کشاورزی بطور وسیع تری مورد معامله قرار گرفتند ولی مادامیکه بازار آتی برای هر کالایی خریداران و فروشندگان زیادی داشته باشد، قابل توجه می باشد.

اوراق مشتقه (Derivatives):

به آن نوع قراردادهای مالی اطلاق می شود که ارزش خود را از کالای فیزیکی (دارایی پایه) می گیرند. دارایی پایه می تواند به شکل سهام، کالا، بورسهای خارجی، نرخهای بهره، صنعت ساخت و ساز یا هر نوع دارایی دیگر باشد.

بطور مشروح امروزه چهار نوع اوراق مشتقه اصلی مورد معامله قرار می گیرد:

- قراردادهای سلف (Forwards) ، مختصراً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

- قراردادهای آتی (Futures) ، بطور مشروح بحث خواهد شد.

- قراردادهای اختیار معامله (Options) ، بطور مختصر به آن اشاره خواهد شد.

- قراردادهای معاوضه (Swaps) ، فعلاً مورد بحث ما نمی باشد.

قراردادهای مشتقه فوق هم در بورس و هم خارج از بورس نیز قابل معامله هستند.

بورس :

بعنوان مکانی مرکزی برای خریداران و فروشندگان است.

قراردادها در بورس به شکل استاندارد بوده و قیمت‌های مربوطه برای تمام کسانی که وارد بازار می شوند یکسان است. قیمت‌های بورس به شکل سیستم حراج مستمر توسط کارگزارانی که از طرف مشتریان خود، شرکتها یا خودشان فعالیت می کنند، تعیین می گردد. این سیستم حراج منجر به ایجاد و پذیرش وسیع قیمت مرجع در خصوص کالای مورد معامله گردیده و به کشف قیمت معروف است. تمام شرکت کنندگان در قرارداد آتی با مشخصات کیفی، کمی و شرایط تحویل یکسان کالا روبرو هستند.

وظیفه بورس کالا

بورس برای خود موقعیت معاملاتی تعیین نمی کند و به افراد نیز به داشتن موقعیت معاملاتی توصیه خاصی نمی کند. مسئولیت بورس این است که بازار معاملات آتی را سالم و نظام یافته نماید. تمام بورسها دارای قوانین منظم و مدون می باشند و از هویت و موقعیت معاملاتی افراد باخبر هستند اعضایی که قوانین بورس را بهم بریزند، متحمل جریمه یا مشمول مجازاتهای دیگر خواهند شد.

معاملات فرا بورسی (OTC)

معامله فرابورسی نوعی از معامله جایگزین است که به شبکه معامله گرانی که بطور حضوری با یکدیگر ملاقات نمی کنند اطلاق می شود و از طریق تلفن، امپووتر با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند. معاملات مذکور اغلب بین مؤسسات مالی انجام شده و نیز می تواند بعنوان ابزارهای رایج میان بازارسازان تلقی گردد. تمام سخنان معامله گران پشت تلفن ضبط می شود تا چنانچه اختلافی بین معامله گران رخ دهد به آن استناد شود. خریدار و فروشنده می توانند نحوه قراردادهای معامله شده در بازارهای فرا بورسی (OTC) را بدخواه خود در آورند، لذا نیازی نیست شرایط قرارداد عیناً مشابه آنچه در بورس عمل می شود، تعیین گردد.

انواع بازارهای فرا بورسی (OTC)

در دنیا سه نوع بازار فرا بورسی وجود دارد:

1- بازار معاملاتی سنتی :

در این بازار معامله گران بعنوان بازار ساز، قیمت خرید و فروش خود را اعلام می کنند. معامله گران قیمت‌های خود را پیشنهاد داده و قیمت قابل اجرا از طریق تلفن مذاکره شده و یا برخی اوقات از طریق سایت‌های مخابراتی اعلام می شود. این گونه معاملات بنام معامله دو طرفه خوانده شده زیرا دو طرف معامله از قیمتی که در یک مقطع زمانی توسط تلفن ارائه میشود، مطلع می گردند.

2- بازار معاملاتی الکترونیکی :

این بازار تقریباً شبیه معاملات الکترونیکی در بورس است ولی به این دلیل بازارهای فرابورسی خوانده می شود که از استاندارد کمتری برخوردار و فاقد قرارداد طراحی شده و فاقد معاملات مشتقه شفاف می باشد.

3- بازار معاملاتی بهینه :

بازار معاملاتی اخیر ترکیبی از دو بازار پیشین بوده و معامله گر بر اساس آنها به معاملات الکترونیکی می پردازد. معامله گر قیمت خرید و فروش خود را انحصاراً به اطلاع فعالان بازار می رساند. معامله گر در این شکل معامله بعنوان طرف معامله در هر قرارداد عمل کرده لذا نصف ریسک اعتباری در بازار به او برمیگردد.

تعریف قرارداد سلف، قرارداد آتی، اختیار معامله

قرارداد سلف :

قرارداد سلف، توافقی است بین دو طرف که خارج از بورس منعقد می شود و به منظور خرید یا فروش یک

دارایی در تاریخ آینده با قیمت مورد توافق دو طرف هنگام امضاء قرارداد تعیین می گردد و جزء قدیمی ترین و ابتدایی ترین قراردادهای مشتقه تلقی می شود.

قرارداد آتی:

قرارداد آتی توافقی است بین دو طرف که در بورس منعقد می شود و به منظور خرید یا فروش مقداری معین و با کیفیتی مشخص از یک دارایی در زمان مشخصی در آینده با قیمت مورد توافق هنگام امضاء قرارداد تعیین می گردد.

قرارداد اختیار معامله:

این قرارداد دو طرف دارد:

1- خریدار اختیار معامله و قرارداد آن عبارتست از:

قراردادی است که به دارنده آن حقی را جهت خرید یا فروش یک دارایی پایه (کالا) در زمانی مشخص و قیمتی معین در آینده بدون اینکه اجباری در معامله داشته باشد را می دهد.

2- فروشنده اختیار معامله و قرارداد آن عبارتست از:

قراردادی است که چنانچه خریدار تقاضای اجرای تعهد فروشنده را بنماید، فروشنده موظف به اجرای تعهد و فروش دارایی (کالا) به خریدار می باشد.

فروشنده اختیار مبلغی را بعنوان پشتوانه قیمت معامله بنام حق بیمه (Premium) از خریدار دریافت می کند.

تفاوت بین بازارهای نقدی و آتی:

کالاها در دو بازار نقدی و آتی مورد معامله قرار می گیرند، گرچه دو بازار فوق از یکدیگر مجزا هستند ولی بهرحال به شکلی با هم مرتبط هستند. کالاها بصورت نقدی و بر اساس مذاکره در بازار نقدی که عموماً بازار واقعی است، خرید و فروش می شوند. نوعاً قراردادهای نیاز به تحویل واقعی کالای مورد معامله واقع شده را مطرح می کنند، بعلاوه ممکن است در بحث تحویل، اشاره به تحویل فوری و یا در آینده زمان مشخصی تعیین گردد. بهرحال بازار آتی ها، خرید و فروش دارایی پایه را بر اساس توافق نامه ای که به قراردادی استاندارد تبدیل شده، تسهیل نموده و به کالایی مشخص اشاره گردیده و بدین معنی نیست که قطعاً کالای فیزیکی رد و بدل شود. مبنای قرارداد آتی در ارتباط با کیفیت کالا، کمیت کالای قابل تحویل و تاریخ تحویل بسیار مشخص است. مع الوصف بازار آتی خود را درگیر انتقال مالکیت فوری کالایی نمی کند مگر اینکه نتیجه قرارداد به تحویل کالا ختم گردد. بنابراین در بازارهای آتی بدون در نظر گرفتن اینکه فردی صاحب کالای تحت تملک خود باشد یا نباشد قراردادهای قابل خرید و فروش می باشند. نحوه پرداخت وجه در بازارهای کالایی که معاملات در آنها بصورت نقدی یا سلف انجام می شود در هر کشوری فرق دارد مثلاً در هندوستان پرداخت

وجه کالا تا 11 روز و تحویل کالا نیز 11 روز طول می کشد و اینگونه پرداختها توافق بین خریدار و فروشنده است. چنانچه عوامل پیش بینی نشده ای اتفاق افتد و منجر به عدم تحویل کالا گردد، خریدار و فروشنده بطور توافقی موضوع را فیصله داده و با یکدیگر تسویه نقدی می کنند. در بازار معاملات آتی مبتنی بر تسویه مالی که یکی از هدفهای آن خرید و فروش کالا برای آینده است، بر خلاف بازاری که پشتوانه تحویل کالا در آن است، معامله روی قرارداد آتی بر اساس و هدف "مدیریت ریسک" که شامل هج کردن (پوشش ریسک) استوار گردیده، انجام می شود. لذا اکثراً چنین قراردادهایی پیش از تاریخ سررسید قرارداد تسویه مالی شده و خیلی بندرت به تحویل کالا منجر می گردند.

سرمایه گذاران و سوداگران ریسک پذیر (Speculators) که بازیگران کلیدی بازارهای آتی بوده، بدنبال شکار اینگونه قراردادها هستند تا از حرکت قیمتها سود ببرند و چندان علاقه ای به تحویل گرفتن یا تحویل دادن کالای مورد معامله ندارند.

اصطلاح پایه و مبنا (Basis) به تفاوت در قیمت‌های یک کالا در معاملات نقدی در مقایسه با معاملات آتی مربوط می شود.

قیمت نقدی یعنی قیمت واقعی یک کالای حقیقی موجود در بازار در حالیکه قیمت آتی اشاره به قیمت قراردادی دارد که در بازار آتی ها معامله می شود.

گرچه بطور اساسی قیمت‌های نقد و آتی ها متفاوت هستند ولی به علت وابستگی آنها به یکدیگر تمایل به حرکت موازی نزدیک به هم دارند و بدون توجه به شرایط بازار بدلیل اهداف این قراردادها قیمت معاملات آتی و نقدی تمایل به یکسان شدن در تاریخ سررسید دارند. در راستای نزدیک و نزدیکتر شدن قیمت آتی ها با قیمت نقدی هر دو مدل قیمتها تمایل به نشان دادن کمتر شدن تفاوت با یکدیگر را نشان می دهند و این فرایند تشابه قیمت آتی ها با قیمت نقد بنام تلاقی یا یکسویی قیمتها (Convergence) معروف است به گونه ای که هر قدر قرارداد

آتی ها به تاریخ انقضاء نزدیک می شود، در واقع قیمت قرارداد نقد را نمایان می سازد.

تفاوت بین قرارداد آتی ها و سلف در جهان

خواننده گرامی التفات فرماید که مباحث مطرح شده به شرح زیر نوعاً در بورسهای جهانی مورد نظر است و با آنچه در بورسهای کالایی کشور ما جریان دارد، از همسویی کامل برخوردار نیست:

1- مکان معامله:

عمده ترین تفاوت بین دو قرارداد آتی و سلف این است که قرارداد آتی ها در بورس ها معامله شده ولی قرارداد سلف (Forward) در بورسها معامله نمی شوند، بنابراین قرارداد سلف بنام قرارداد فرا بورسی اطلاق می گردد.

2- اندازه و حجم قرارداد:

قرارداد آتی ها از نظر حجم و مقدار توسط بورس شکل استاندارد پیدا نموده، در حالیکه قرارداد سلف طبق شرایط دلخواه خریدار و فروشنده تعیین می شوند.

3- شفافیت قیمت:

در قرارداد آتی ها بعلت اینکه در بورس عرضه می شوند قیمت از شفافیت کامل برخوردار است، در حالیکه در قرارداد سلف بعلت عدم معامله در بورس و عدم اعلام قیمت در حضور عموم معامله گران از شفافیت برخوردار نیست.

4- هزینه معاملات:

در قرارداد آتی هزینه های مستقیم بالاست و هزینه های غیر مستقیم پایین است ولی در قراردادهای سلف موضوع برعکس است.

5- ارزش موقعیت باز و نیاز به سپرده:

در قرارداد آتی ها موقعیت باز معاملاتی افراد بطور روزانه پس از اختتام معاملات محاسبه شده و معروف به روز آمد کردن حساب مشتری (Mark To Market) است ولی در قرارداد سلف بحثی از تعیین موقعیت معاملاتی روزانه افراد و به روز رساندن حساب مشتری بعمل نمی آید.

6- فراوانی و روانی داد و ستد (Liquidity)

قرارداد آتی ها بعلت اینکه در بورسها معامله می شوند به سهولت دست به دست چرخیده و قابل معامله مکرر هستند، در حالیکه قراردادهای سلف ماهیت خاصی داشته و به سختی قابلیت چرخش معاملاتی دارند.

7- عامل جایگزین در هنگام ریسک:

بدلیل امنیت و سلامت در تمام قراردادهای آتی، اتاق پایاپای نقش و عامل تسهیل کننده و جایگزین (Novation) را ایفاء می نماید، در حالیکه در قراردادهای سلف چنانچه نزاعی میان خریدار و فروشنده بوجود آید، هیچگونه

جایگزینی برای حل مشکل وجود نداشته و اگر چنین شرایطی پیش آید، هزینه آن بسیار بالاست.

8- قوانین و مقررات:

معاملات آتی ها در بورس دارای برخورداری از نظم و مقررات هستند در حالیکه قرارداد سلف بعلت عدم عرضه در بورس از نظم و مقررات عاری هستند.

9- پرداخت و تسویه:

در قرارداد آتی ها، گرچه تحویل کالا در صورت نیاز از الزامات است ولی معاملات عموماً در سررسید تسویه نقدی شده و طرفین معامله غالباً در پی دریافت سود هستند تا تحویل کالا، برعکس در قراردادهای سلف افراد عموماً بدنبال تحویل گرفتن کالا هستند.

10- نوع تحویل

در قرارداد آتی ها چنانچه قرارداد منجر به تحویل کالا گردد، استاندارد تحویل کالا شامل رعایت کیفیت، کمیت باید کاملاً مطابق با شرایط بورس انجام گردد، در حالیکه در قرارداد سلف موضوع فوق منتفی بوده و بصورت توافق دو طرفه و عاری از پشتوانه های استاندارد اجرایی بورس اجرا می شود.

هجینگ (پوشش ریسک)

مفهوم هجینگ

منظور از هجینگ داشتن یک موقعیت معاملاتی در بازار آتی ها برخلاف موقعیت معامله گر در بازار نقدی است و هدف حضور او در بازار آتی ها کاهش یا محدود نمودن ریسکهایی است که ناشی از تغییرات قیمت بوجود می آید.

عمل هجینگ یک فرایند دو پایه ای است یعنی اینکه :

1) اگر یک هج کننده قصد خرید کالایی را در بازار نقدی به تاریخ آینده داشته باشد او با ورود خود در قرارداد آتی ها ریسک قیمت خرید خود را کاهش داده یا محدود می نماید.

2) اگر شخص هج کننده قصد فروش کالایی را در بازار نقدی برای آینده داشته باشد او هم اکنون قرارداد آتی را می فروشد و در این هنگام با فروش قرارداد آتی ها ریسک قیمت فروش خود را کاهش داده یا محدود نموده است.

هدف از استراتژی بکار گیری هجینگ چیست؟

1) جلوگیری و مصونیت در مقابل رشد هزینه مواد اولیه

2) جایگزین نمودن موجودی انبار با قیمت کمتر

3) حمایت از فروش محصولات تولیدی بدون پشتوانه در آینده

لذا عمل هجینگ به منظور ایستادن و مقاومت در برابر افزایش قیمت در بازار نقدی یک کالایی که اخیراً به یک قیمت مشخصی فروخته شده ولی هنوز مانند آن کالا خریداری نشده است. فروش یک کالا به صورت قیمت توافقی فعلی بین صادر کنندگان و وارد کنندگان و تحویل آن در آینده عملی رایج است. اگر کالایی را هنوز در اختیار نداشته باشیم تحویل آن کالا در آینده بصورت عادی ضمانت اجرایی ندارد. ولی همین عمل می تواند در بورس اتفاق افتاده و تجار و واسطه ها تعهد رسمی مبنی بر تحویل مواد اولیه یا کالای ساخته شده برای تاریخ آینده با قیمت توافقی امروز را به طرف معامله خود بدهند حتی اگر کالایی را در حال حاضر در اختیار نداشته باشند. برای مثال کارخانه فولاد مبارکه تصمیم به فروش ورق گرم برای تحویل چندماه بعد دارد ولی فعلاً مواد اولیه به اندازه کافی برای تولید ورق گرم ندارد و نیز نمی داند قیمت مواد اولیه برای او در آینده چقدر تمام خواهد شد.

فولاد مبارکه برای اطمینان و رهایی از افزایش قیمت می تواند به بورس فلزات مراجعه نموده و به میزانی که نیاز دارد قراردادهای آتی خریداری نموده و قیمت فروش ورق گرم آینده خود را به قیمت مورد نظرش تضمین نماید. هم اکنون فولاد مبارکه قیمت مواد اولیه را می داند و با افزودن هزینه های تولید و غیره قیمت

ورق گرم را می تواند محاسبه نماید. چنانچه فولاد مبارکه بدون خرید قراردادهای آتی در بورس به دنبال خرید مواد اولیه برود بخاطر افزایش قیمت مواد اولیه آسیب پذیر خواهد شد ولی با معامله قرارداد آتی ها به میزان نیاز خود در بورس در واقع اثر افزایش قیمت مواد اولیه و هزینه های خرید را کاهش می دهد.

یک مثال فرضی برای هجینگ

در این روش معامله، هم در بازار نقدی و هم آتی ها قیمتتها رو به کاهش هستند. فرض کنید در فروردین 1386 یک شرکت واسطه فروش کابل بعنوان واسطه گر در صدد فروش 2000 کیلو مس به قیمت هر کیلو 5700 تومان در بازار نقدی وارد شده است. کابل فروش در نظر دارد بمنظور جلوگیری و نجات از افزایش قیمت مس در ماه بعد یعنی اردیبهشت هم اکنون خرید را انجام دهد، لذا کابل فروش وارد بازار آتی می شود و دو قرارداد آتی مس (هر کدام هزار کیلو) برای ماه خرداد به قیمت هر کیلو 5800 تومان بر خلاف قیمت نقدی 5700 تومان خریداری می کند. کابل فروش در اردیبهشت ماه 85 دو قرارداد به قیمت بالاتر هر کیلو 5800 تومان در بازار نقدی خریداری می کند و در حقیقت موقعیت باز خود را که خرید قرارداد آتی در بورس در خرداد ماه به قیمت 5900 تومان می باشد را خنثی می کند. معامله مذکور سودی معادل 100 تومان برای هر کیلو در معامله آتی های خرداد ماه برای معامله گر در برداشته است و از طرفی هر کیلو 100 تومان ضرر در معامله نقدی برای او داشته است. بنابراین با عمل هجینگ توانست قیمت مواد اولیه را با هر کیلو 5700 تومان تثبیت کند .

فروش آتی ها از جایگاه هجینگ

فروش به طریقه هجینگ به معنی فروش قرارداد آتی وقتی مورد استفاده قرار می گیرد که معامله گری بخواهد

موقعیت نقدی خود را در بازار تثبیت نماید.

افراد زیر استراتژی فروش از جایگاه هجینگ را مورد استفاده قرار می دهند تا در بازار نقدی کالا موقعیت معکوس از نظر قیمت برای خود کسب نمایند :

(1) معامله گران

(2) مصرف کنندگان

(3) واسطه های تولیدی

اهداف آنان نیز به قرار زیر است :

(1) از قیمت محصولات و تولیدات ساخته شده پشتیبانی و حمایت نمایند.

(2) حمایت از موجود انبار در مقابل نابسامانی قیمت در آینده

(3) حمایت از قیمت های تولیدات احتمالی محصولات ساخته شده در آینده

فروشنندگان در قالب هجرها (Hedgers)

تجار و واحدهای تولیدی مانند کارخانه مس شهید باهنر که به کالاهای نیمه ساخته نیز اشتغال دارند، می

توانند موجودی انبارهای کالاهای بازار نقدی را گرفته و به همان میزان یا کمتر از آنرا در بازار آتی ها به فروش رسانند و به چنین کاری خرید در بازار معاملات نقدی و فروش در بازار معاملات آتی ها گفته می شود.

فرض کنید یک تاجر مس مقداری موجودی فروخته نشده در انبار مس دارد و یا اینکه آنها را برای تاریخ تحویل آینده فروخته است با نگهداری موجودی انبار هم تاجر و هم کارخانه مس شهید باهنر هر دو می توانند خریدهای خود را در بهترین زمان و فرصت ممکن انجام داده و هزینه های معاملاتی خود را با معاملات کمتر پایین بیاورند. سود و منافع دیگری که برای مس شهید باهنر در رابطه با نگهداری موجودی انبار متصور است این است که از ورود و انجام بی مورد در تولید دوری می کند. از طرفی چون تاجر دارنده کالا است، از اینکه قیمت کالا کاهش یابد نگران خواهد شد و او با معامله فروش در بازار آتی ها بصورت هجینگ به میزان کالایی که دارد مشکل خود را حل می کند. نتیجه این خواهد شد که اگر قیمت کالا در بازار نقدی کاهش یابد تاجر در این بازار ضرر می کند ولی در قرارداد آتی ها معادل همان ضرر، سود خواهد برد. وقتی تاجر موجودی انبار خود را با قیمت کمتری در بازار نقدی به فروش می رساند، همزمان با خرید مجدد یک قرارداد در بازار آتی ها به قیمت ارزانتر جلوی ضرر خود را می گیرد و سود حاصله تاجر در قرارداد آتی ها تقریباً معادل ضرری است که در بازار نقدی برای او اتفاق افتاده است.

مثال فرضی

فروش به روش هجینگ وقتی که قیمت نقد و آتی هر دو کاهشی هستند

کارخانه سیم و لاکه فارس در فروردین ماه 1385 مقدار 2000 کیلو مس در بازار نقدی به قیمت هر کیلو 5700 تومان بعنوان مواد اولیه تولید کابل برق خریداری می کند. کارخانه سیم و لاکه فارس در نظر دارد از کاهش قیمت مس تا هنگامی که آنرا برای تولید کابل آماده فروش در سال 1385 سازد جلوگیری کند، لذا کارخانه سیم و لاکه فارس مقدار 2000 کیلو مس بصورت قرارداد آتی ها برای تحویل خرداد 1385 به قیمت هر کیلو 5800 تومان می فروشد در مقابل او قیمت نقدی مس در بازار هر کیلو 5700 تومان است. کارخانه سیم و لاکه فارس در اردیبهشت ماه 2000 کیلو کابل مسی آماده را به قیمت پایین هر کیلو 5600 تومان در بازار نقدی می فروشد و قرارداد خرید مس خود را در بازار آتی ها که هر کیلو 5700 تومان بود خنثی می نماید. در نتیجه معامله فوق سودی معادل هر کیلو 100 تومان در قرارداد آتی ها برای او داشته و نیز ضرری معادل هر کیلو 100 تومان در معامله نقدی برای او اتفاق افتاده است ولی بنحوی از قیمت محصول تمام شده او (هر کیلو 5700) حمایت گردیده است.

فروش هجینگ به حالت ریسک مبنا (Basis)

وقتی قیمت آتی ها بیش از قیمت نقد بخاطر بزرگی Basis افزایش می یابد افراد هج کننده در هنگام موقعیت فروش آتی ها با ضرر بیشتری روبرو می شوند و در معامله نقدی نیز سود کمتری می برند و از طرفی بخاطر Basis کم، قیمت نقدی بیش از قیمت آتی ها افزایش می یابد و شخص هج کننده در موقعیت معاملاتی

آتی های خود با ضرر کمتری روبرو شده و در ارتباط با موقعیت معاملاتی نقدی سود بیشتری می برد.
کسب سود هج کننده با جابجایی قراردادهای آتی ها:

چنانچه دوره زمانی مورد درخواست یک شخص هج کننده بیشتر از تاریخ انقضای قرارداد آتی ها باشد شخص هج کننده می تواند موقعیت فعلی را با یک موقعیت جدید دیگر جابجا نماید بدین معنی که موقعیت فعلی را مختومه نموده و همزمان یک قرارداد آتی جدید را با تاریخ انقضای بیشتری تعویض نماید.
اگر شخصی بخواهد ریسک معاملاتی خود را بخاطر سقوط قیمت‌های محصول ساخته شده ای که 6 ماه آینده باید فروخته شود و نیز چنانچه قراردادهای آتی ها تا دو ماه دیگر سیال و روان می شوند را کاهش داده یا محدود نماید در این حالت می تواند موقعیت معاملاتی فروش خود را تا تاریخ مورد نظر که فروش واقعی کالا اتفاق می افتد را 3 بار عوض نماید. هر بار که موقعیت معاملاتی شخص هج کننده قابل تغییر می شود، امکان ریسک مبنا وجود داشته ولی هر بار نیز ریسک قیمت او محدود یا کاهش داده می شود.

مثال: در فروردین ماه 1385 یک شرکت کابل سازی 10000 کیلو مس بعنوان مواد اولیه برای ساخت محصول از بازار نقدی به قیمت هر کیلو 5700 تومان خریداری می کند.

شرکت کابل سازی تصمیم دارد خود را در مقابل کاهش قیمت مواد اولیه تا هنگام آماده نمودن محصول برای فروش در مهرماه سال جاری مصون نماید. بنابراین شرکت کابل سازی در همان فروردین ماه 10000 کیلو کابل مسی بصورت قرارداد آتی ها به تاریخ خرداد ماه به قیمت 5725 تومان می فروشد و قبل از تاریخ انقضای قرارداد به این فکر می افتد که موقعیت و پرونده های معاملاتی خود را به قیمت هر کیلو 5675 تومان یعنی با سودی معادل هر کیلو 50 تومان ببندد. در خردادماه شرکت کابل سازی تصمیم می گیرد که برای تاریخ مرداد ماه 10000 کیلو کابل مسی به صورت قراردادهای آتی ها به قیمت هر کیلو 5650 تومان را بفروشد و او پرونده مرداد ماه را نیز قبل از تاریخ انقضا با یک معامله معکوس به قیمت 5740 تومان خریده و آنرا می بندد (با ضرری هر کیلو 90 تومان) شرکت کابل سازی در مرداد ماه 10000 کیلو کابل مسی را برای تحویل در تاریخ مهرماه به قیمت هر کیلو 5750 تومان بصورت قرارداد آتی ها می فروشد و این قرارداد را نیز قبل از تاریخ سررسید (مهرماه) به قیمت هر کیلو 5650 تومان می خرد (با سودی هر کیلو 100 تومان) در معامله آتی های فوق شرکت کابل سازی سودی معادل 60 تومان در هرکیلو بدست آورده است و چنانچه این شرکت کابل مسی را هر کیلو 5625 تومان در بازار نقدی بفروشد بنابراین هر کیلو 75 تومان متضرر شده است.

بنابراین شرکت کابل سازی ترتیبی اتخاذ نمود تا ضرر خالص را با عمل جابجایی موقعیت هجینگ در معاملات طی 6 ماه هر کیلو به 15 تومان کاهش یابد.

تحلیل معکوس

تحلیل معکوس 1

مبانی حرکت

کال مارجین، طمع، ترس، تصمیم عجولانه، تحلیل اشتباه، استاپ لاس و
این کلمات برای شما تداعی کننده چه چیزی هست ؟

همه ما زمانهایی را که با تحلیل اشتباه و تصمیم نادرست باعث ضرر خود شده ایم را به خاطر میاوریم
مواقعی که پس از اشتباه در ذهن خود با سوالات گوناگون مواجه شده ایم و از خود پرسیده ایم ایراد
کجاست ؟ چه کاری کامل انجام نشده است ؟ و مشکل چیست ؟ و پس از این سوالات با تحریک شدن آستانه
تحریک ذهن، بوسیله مطالعه، تجربه و سوال های گوناگون سعی در برطرف کردن مشکل گرفته ایم ولی باز
هم در همان ورطه مشکلات بالا و ضررهای مکرر گرفتار شده ایم. در چنین سیکل اشتباهی یا اونقدر پوست
کلفت میشیم که دوباره سراغ یک راه اشتباه دیگه میریم و یا با هرچی بورس بازی خداحافظی میکنیم و میگیم
که این کاره نیستیم !!!

به راستی راه حل چیست ؟ برای پیدا کردن جواب هر سوالی نیاز هست که ابتدا صورت مسئله خوب تحلیل و
تفهم بشه... آیا ما صورت مساله را درست درک کرده ایم ؟

اغلب معامله گران با تاریخچه و سیر تکاملی فارکس آشنا هستند. دوره هایی که ارزش گذاری ارزها بر
اساس پوند بود، سپس دلار، پشتوانه سازی دلار به طلا و سپس از سال 1971 شناورسازی ارزها نسبت به
یکدیگر... خود این دوره آخر به دو قسمت از لحاظ ماهیت تقسیم میشه که کمتر جایی از این تقسیم بندی
صحبت شده .

فصل اول ما بین سالهای 1971 بعد از قرار داد Smithsonian Agreement تا قرارداد حدود سال 1991
و قرارداد Maastricht Agreement و دوره دوم از سال 91 تا به حال. بعد از قرارداد Smithsonian
Agreement و ایجاد شناوری ارزها مقابل یکدیگر در اغلب کشورهای با اقتصاد آزاد در ابتدا حرکات بازار
بسیار نشاءت گرفته از دوران قبل خود بود، ارزها در مقابل یکدیگر معمولاً به سنگینی حرکت می کردند و اگر
دلیل اقتصادی یا سیاسی در یکی از کشورهای ارزی اصلی به وجود می آمد حرکت جهت دار با روند آرام
و پیوسته دنبال می شد. با این که در این دوره بازار بازیگران کوچک بسیار کمی داشت (صرافان بین
المللی، بازرگانان فعال در معاملات ارز و در کل معامله گران غیر بانکی) اما همین تعداد کم با استفاده از ماهیت
به نسبه آسان بازار برای پیشبینی روند آینده به سودهای بسیار زیادی دست یافتند مخصوصاً معامله گران
کشورهای تازه استقلال یافته دهه 90 میلادی. (به شخصه کسی رو میشناسم که در همین دوران به سودی
بیش از 40 میلیون مارک از فارکس دست یافته)

اما با روی کار آمدن دولت کلینتون در سال 92 و نقطه نظر تمرکز حزب وی بر روی مسائل مالی، بانکی و اوضاع داخلی ایالات متحده، با اتخاذ سیاست های جدید و متفاوت کم کم ماهیت تبادلات ارزی رو به دگرگونی نهاد و با مداخله بانک های آمریکایی دیگر شاهد بازاری یکسو، آسان، و قابل پیش بینی نبودیم. با این که این دخالت در ابتدا تنها به بازه های زمانی Intraday بسنده می کرد اما بعد از سال 96 این تغییر ماهیت به بازه های بزرگ تر نیز کشیده شد و نه تنها دیگر ارزهایی که یک طرف آنها دلار بود بلکه اغلب جفت ارزهای اصلی نیز با پیروی از این رویه باعث شناوری نامتجانس کلیه ارزها شدند. از سال 96 بازار فارکس و در راس آن ارزهای اصلی با پیروی از سه فاکتور کلی ماهیت جدیدی از خود به نمایش گذاشتند:

1. حرکت بر اساس مبانی و عوامل اقتصادی و سیاسی دو کشور جفت ارز مربوطه
2. تلاش برای منتفع نشدن آسان سوداگران و جریان کلی سرمایه به سوی قدرتمندان بازار
3. ایجاد حرکات متعادل برای بازه های زمانی گوناگون

با این که بیشتر مباحث مطرح شده در فارکس تنها مربوط به فاکتور اول (به علاوه تکنیکال) می باشد در این سری مقالات سعی در کمک بیشتر به درک فکتورهای 2 و 3 هست تا شاید با دیدی متفاوت ذره ای از ضرر های دوستان ایرانی در این بازار کم شود

تحلیل معکوس 2

جنگ منافع

آن چیزی که تا به حال در بسیاری از کتابها، سایتها، فروم ها و منابع اطلاعاتی در ذهن ما ایجاد کرده اند این هست که هر بازاری 100% بر اساس عرضه و تقاضا تغییرات قیمتی میابد و تعیین کننده عرضه و تقاضا نیاز به کالا، ماده یا سهام مربوطه می باشد در حالی که در بازار های OTC (Over the counter) این ماهیت معنای خود را از دست داده و تغییرات قیمتی تنها بر مبنای منافع بازیگران بازار تعریف می شود. معمولاً بازارهای (بورسهای CFD (Contract for difference (برای اغلامی که عرضه و تقاضای زیادی دارند به وجود می آیند تا از ایجاد حباب قیمتی به علت تقاضای زیاد در برهه های خاص جلوگیری شود و از سوی دیگر با بازار سازی در مواقع بحرانی از سقوط شدید قیمت جلوگیری شود اما همین ماهیت بازارهای OTC تحت لوای CFD میتواند در مواقع بحرانی خطرناک باشد و به همین علت برای این بازارها به صورت ناملموس بازارسازها و سوداگرانی نادیده پیش بینی می گردد تا در مواقع بحرانی این جریان های قدرت مانند سوپاپ اطمینان از ایجاد مشکلات و عوامل پیش بینی نشده تاثیر گذار بر قیمت جلوگیری کنند. پس معلوم شدن علت وجودی این سوداگران (بالانسرها) پیش از آغاز به کار هر نوع بازار CFD، این سوال پیش می آید که منافع این سوداگران در چیست و آنان که در مواقع بحرانی مجبور به تقبل هزینهء بحران در بازار هستند چه چیزی باعث پایداری و ماندگاری آنان می شود؟ بعد از بحران های بورسی بزرگ در سالهای

دهه 1930 این ایده که وجود چنین وزنه های تعادلی برای هر بازار قابل اعتنایی واجب است باعث شد قدرت نانوخته ای از سوی سیاست گذاران به این مراکز اعطا شود و پیرو این قدرت ناملموس اعطا شده به ایشان در مقابل جریانهای عام، آنها هم بازارهای هدف را در مقابل بحران ها، مشکلات و تغییرات شدید قیمت به نوعی بیمه می کردند در عین حال این اجازه را می یافتند تا در مواقع مورد نیاز با ایجاد عرضه و تقاضای کاذب بازار را به سمت دلخواه خود سوق دهند. برای آنان فرقی وجود ندارد که عامه مردم (بازیگران کوچک و زیاد بازار) چه نظری بر روی بازارهای هدف (بورسی) دارند بلکه تنها وظیفه ایشان ایجاد عرضه و تقاضا بوسیله کارشناسان خودشان می باشد نه دید عامه مردم. به عقیده آنان احتمال این که عامه مردم در مواقع بحرانی به خاطر منافع شخصی اشتباه تصمیم بگیرند بسیار زیاد هست بنابراین از قبل باید برای چنین مواقعی فکر میشد و این سوداگران دقیقا حکم نوعی بیمه را برای این مواقع بحرانی بازار داشتند و دارند. با این که این فرضیه سالهاست در آمریکا و دیگر نقاط جهان بارها اعلام شده ولی با شدت تمام از سوی مراکز قدرت و تصمیم گیرندگان اصلی بازارهای هدف مردود اعلام شده تا مبادا مردم و سرمایه گزاران نسبت به بورسهای غیر متمرکز بدبین شوند. و مردم عادی نیز به علت تمایل شدید به شرکت در این بازار ها دید خود رو بر روی حقایق این چنینی بسته اند.

تحلیل معکوس 3

حقایق تلخ

طبق تحقیقی که در سال 2004 توسط مجله علمی دانشگاه اقتصاد پنسیلوانیا بر روی تغییرات قیمتی تمام بورس ها (Commodity، سهام Stock، اوراق قرضه Bond، تبادلات ارز (Forex) انجام شده نشان داده شده که در میان انواع بورس ها، بازار فارکس دارای مشوش ترین و فرار ترین قیمتها می باشد در تحقیقی مشابه (منبع تحقیق ذکر نشده بود) معاملگری در بازارهای ارزی جزو 5 شغل اولیه فهرست مشاغل سخت و مشکل در جهان آورده شده بود. نمونه های این نوع تحقیقات پیرامون فارکس بسیار زیاد هست اما آیا واقعا کاری که تنها با زحمت یک فشار انگشت (کلیک) قابلیت تصمیم گیری دارد باید این چنین مشکل باشد؟ بازاری که ارزشهای اصلی آن به طور متوسط 17000 بار در طول شبانه روز بازی میکنند و میانگین حرکتی هر روزش حدود 100 پوینت (پیپ) هست، چرا باید این همه سخت باشه؟ مگر این بازار تنها دو جهت ندارد؟ آیا نمیتوان روشی یافت که بتواند تنها 10 پوینت با اطمینان بدهد؟

ابتدا ببینیم اگر در هر معامله میشد قبل از سررسید ضرر، تنها 10 پوینت سود گرفت با قدرت لوریجی که بروکرها می دهند ببینیم برای یک حساب 500 دلاری بعد از 70 معامله چه اتفاقی میوفتاد و سپس به سوال های قبلی خود بازگردیم. شکل های Excel زیر این اتفاق رو برای یک حساب 500 دلاری تشریح میکنه

ستون A سرمایه اولیه، ستون B درگیرکردن 80 درصد سرمایه در بازار، ستون C ارزش هر پوینت بر مبنای سرمایه در گردش، ستون D ده پوینت سود تضمینی در هر معامله!!! ستون E سود خالص هر معامله

و ستون F سود خالص 10 پوینت به علاوه سرمایه اولیه هست. قابل ذکر هست که ما مبنا را بر حداقل ها گذاشتیم. حداقل شروع 500 دلار، حداقل سود با اطمینان 10 پوینت و 80% سرمایه درگیر که قابلیت استاپ لاس 25 پوینتی را داشته باشد

پس چرا با وجود تمام این حداقل ها باز 95% افراد در فارکس ضرر می کنند!؟

جواب این سوال در مبانی حرکتی و جنگ منافع بزرگان بازار قابل تعریف می باشد، در عین حال که در مواقع بحرانی این سوداگران بزرگ جلوی حرکات بازیگران کوچک را می گیرند و با آشوب در بازار اجازه بیش از حد بزرگ شدن این بازیگران کوچک را نمی دهند در جنگ منافع درونی، بزرگان بازار از قابلیت تعریف قیمت بر مبنای گذشته به قابلیت تعریفی جدید مبنی بر پیشبینی قیمت برای آینده را سرلوحه تصمیم های خود قرار می دهند به همین علت می باشد که هیچ روشی تضمینی با قابلیت معنی گرفتن از گذشته تکنیکال برای پیشبینی آینده وجود ندارد و تنها راه سود گرفتن از این بازار آشفته همسو شدن با بازار (قدرتمندان بازار) هست و داشتن تحلیل مشابه آنها به معنی گرفتن سود از بازار می باشد

تحلیل معکوس 4

طرف های جنگ

زمانی که یک معامله گر کوچک (تریدر تحت لوای بروکر) پوزیشنی در بازار باز میکند چه اتفاقی برای معامله اش در بازار می افتد؟

1. یا به صورت مستقیم توسط بروکر به بانک های طرف قرارداد منتقل می شود **STP یا Straight**

Through Processing

2. نسبت به معاملات دیگر مشتریان در ارزها و جهات مختلف پوشش داده می شود

3. به تدریج به صورت یک معامله کلی در بازار قرار میگیرد (منبع بروکر AC-M)

حال زمانی که را که یک معامله گر بزرگ (غیر از سوداگران و بالانسرها) تمایل به ایجاد یک پوزیشن با حجم بالا داشته باشند را فرض کنید، در این زمان چه اتفاقی برای معاملشان می افتد؟

یا به وسیله بانک های همدست و حجم های معاملاتی بزرگ در بازار نقد میشود، یا این که آنها نیز با آگاهی به حرکت بازار در جهت مورد معامله از ارائه قیمت مناسب سر باز میزنند و به همین علت قیمت ارز مربوطه در مقابل جفت ارز متقابل خود آنقدر بالا یا پایین میرود تا حجم مورد نیاز معماه گر بزرگ اول تامین شود.

زمانی که معاملاتی بزرگ در بازار قرار میگیرد، **Market Maker** به وسیله قرارداد معاملات به صورت مستقیم پیش حجم های بالا دست از متضرر شدن خود جلوگیری می کند در نتیجه در انتهای این پروسه در صورتی که بازار در دل خود توانایی پاسخگویی به حجمی بالا را در برهه زمانی خاص نداشته باشد یا برای جلوگیری از ضرر خود از این کار سر باز زند این معامله به صورت دست به دست در انتها نزد بانک های

مرکزی یا بالانس‌های کشورهای جفت ارز مربوطه بسته می شود به همین علت در صورتی که برای بازیگران انتهایی این پروسه قوی یا ضعیف شدن ارز مربوطه اشان دارای بازده ای (سودی) غیر بازار تبادلات ارز نداشته باشد تا سر حد امکان بازار را در خلاف جهت آن بازیگران بزرگ میبرند تا از ضرر آنها، خود منتفع شوند. نمونه بدیهی و بزرگ این اتفاق رو در یازده سپتامبر ایالات متحده و هفت جولای لندن به خاطر داریم، با اینکه بعد از این اتفاق ها دلار و پوند نسبت به سایر ارزهای اصلی در ابتدا موقتا ضعیف شدن اما در ادامه و طی روزهای آینده پس از این اتفاق ها نه تنها به روند تضعیف خود ادامه ندادند بلکه با سرعتی باور نکردنی شروع به قوی شدن گذاشتن !!! اینجاست که سوداگرانی که در بالا از آنها یاد کردیم در جنگ با معاملهگران کوچک و بزرگ دیگر نظر خود رو بر بازار تحمیل می کنند و با این کار هم وظیفه بالانس بازار رو انجام می دهند و هم سود کلانی برای خود کسب می کنند .

این مثال ها نمونه های ملموس و قابل مشاهده این قبیل دخالت ها بوده در حالی که در مواقع بسیاری شاهد این قبیل دلایل و مثال ها در بازار هستیم اما به خاطر این که از چشم معامله گران عامه پنهان میماند با ارائه دلایلی که تنها برای خالی نبودن عریضه ارائه میشود دلیل حرکات شدید بازار عنوان میشود به طور کلی با توجه به منافع بازیگران هر بازاری، ایشان در وهله اول خواهان منفعت و سود در بازار هستند حال این امر در مواقعی بر پایه دلایل اقتصادی کشورشان و برای تعادل نظم اقتصاد جهانی میباشد و

زمانهایی نیز برای منتفع شدن از متضررهای بازار !!! حتی اگر بر پایه دلایل و عوامل اقتصادی قرار باشد بازار حرکتی در جهتی خاص رو انجام دهد. یا در زمانهایی این کار را انجام میدهد که کمترین تعداد معاملهگران برای کسب سود در بازار وجود داشته باشند و یا انقدر با قیمت بازی میکنند که معاملهگران را از لحاظ روانی فریب دهند و بعد به حرکت خود ادامه دهند

با این تفاسیر این ذهنیت پیش می آید که آیا کلا راهی برای سود گرفتن متوالی و مداوم از فارکس وجود دارد؟ جواب این سوال به دو قسمت تقسیم میشه 1. سود گرفتن از میزان ضرر اکثریتی که در خلاف جهت بازار معامله باز دارند 2. همسو شدن با قوانین و پارامترهای حرکتی سوداگران بزرگ

تمام روشهایی که قابلیت تبدیل به اکسپرت را دارا باشند و مبنای تعریف آنان از گذشته بازار و هوش مصنوعی باشد جزو روشهایی هستند که تنها از میزان ضرر عده ای دیگر برآمده هستند و به همین علت بازار پس از مدتی عکس العمل خود نسبت به آنان را از دست میدهد و در نتیجه با این که شاید برای مدتی بسیار خوب جواب دهند اما در بلند مدت محکوم به شکست هستند بر همین مبنا دو راه حل برای سود های بلند مدت متوالی از بازار وجود دارد (الف) روشهایی که بر مبنای تحلیل درست در مکانهایی که بازار به علت عوامل و پارامترهای عینی مجبور به حرکت در جهت خاصی هست (ب) روشهایی که بر اساس سود گرفتن از تحلیلی معکوس در زمانهایی خاص و کوتاه باشد، قابل ذکر است که این مورد تنها پس از تجربه زیاد، آشنایی با روند حرکات بازار و آمادگی روانی قابل ملاحظه قابلیت سودده بودن رو داراست

یک راهنمای کاربردی برای بازارهای جهانی ارز

مقدمه

این جزوه قصد دارد که یک درک منسجم در مورد بازار جهانی ارز ایجاد کند . با شرح وقایع اتفاق افتاده در طول تاریخ این بازار که منجر به پیدایش نظریات مختلفی درباره اقتصاد و مسائل مالی بین الملل و ایجاد مدارس کلاسیک تحلیل تکنیکی و کمی بازار شد . اگر چه حجم زیادی از مطالب تئوریک درباره مسائل مالی بین الملل ، تحلیل تکنیکی و بررسی نمودارها وجود دارد ولی کمبود مواد آموزشی که موارد کاربردی را با موضوعاتی که باعث حرکت بازار می شوند از قبیل اعلام نرخ بهره ، رویدادهای سیاسی یا هر اتفاق دیگری که در بازار مؤثر باشد ترکیب کند ، محسوس است .

مبحث دیگری که تا حد زیادی از دید کتاب های راهنمای مسائل ارزی پنهان مانده و نادیده گرفته شده ، ترکیب تحلیل بنیادی و تکنیکی در فرایند تصمیم گیری است . متمایز بودن این دو نوع خط مشی ، بسیاری افراد را از کاربرد توأم آنها باز داشته است . اما فهمیدن چگونگی ترکیب آنها می تواند در تحلیل روند و زمان یابی حرکات ارزها بسیار مفید باشد .

این جزوه توجه خود را روی این موضوع متمرکز کرده که به شما بیاموزد چگونه برای درک مسائل بازارهای جهانی ارز از فکر خود استفاده کنید . به جای وابسته شدن به سیستم های معاملاتی از پیش تنظیم شده ای که توصیه به تصمیم گیری هایی می کند بدون این که دید مشخصی در مورد چگونگی تصمیم گیری های درست و غلط به شخص بدهد و به جای تکرار مکررات نظریات کلاسیک تحلیل رفتار ارزها . این کتاب راهنما یک خط مشی جدید و ابتکاری به سرمایه گذارها ، پژوهشگرها و دانشجویان ارائه خواهد کرد و نیز بیشترین درک و توانایی پیش بینی حرکات جفت ارزهای اصلی را به شما خواهد داد .

بخش اول

آشنایی با پس زمینه مبادلات ارزی (فارکس)

شرح وقایع مهم در حوزه مسائل مالی بین المللی

1861-1865 جنگ داخلی امریکا

خزانه داری ایالات متحده ، به عنوان تأمین بخشی از هزینه جنگ داخلی ، انتشار اسکناس را شروع کرد . اسکناس هایی که قابل تبدیل به نقره یا طلا نبود ولی پول رایج قانونی برای همه مصارف به جز پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و امور مربوط به امنیت ملی بود .

1870-1900 اغلب کشورها معیار نقره را رها کرده و معیار طلا را پذیرفتند

فراوانی نقره عرضه شده به بازارهای جهانی ، موجب کاهش ارزش نقره و نهایتاً خارج کردن آن از گردش شد . غرامت جنگی زیادی که آلمانی ها به دنبال جنگ فرانسه و آلمان ، به صورت طلا از فرانسه دریافت کردند ، آنها را قادر ساخت تا چندین تن نقره را به کشورهای همسایه بفرستند . این موضوع در راستای این

بود که به خاطر دریافت غرامت آلمانی ها به طلا ، ترس از تورم نقره [زیاد شدن بیش از حد نقره در بازار] وجود داشت . آلمان یک کشور واحد شد و مارک را به عنوان پول واحد خود بر پایه طلا برگزید .

1871 به جریان افتادن پول رایج ژاپنی ها

ژاپن معیار طلا را پذیرفت و سیستم دهی یین و سن و رین معرفی شد .

1873 - 1886 بحران شدید اقتصادی در بریتانیا

رکود اقتصادی بریتانیا نسبت به امریکا و آلمان باعث افزایش شک و تردیدها نسبت به توانایی معیار طلا شد

1913. سیستم بانک مرکزی ایالات متحده پایه گذاری شد

یک سیستم دربردارنده 12 بانک مرکزی منطقه ای بنا نهاده شد . این شامل تبدیل تمام بانک های ملی و ایالتی به شعبات بانک مرکزی حوزه جغرافیایی مربوطه بود .

1917 ورود ایالات متحده به جنگ جهانی اول

بدهی ملی ایالات متحده از حدود یک میلیون دلار در سال 1916 به بالغ بر 25 میلیون دلار در سال 1920 افزایش یافت . وقوع جنگ روند تجارت و گردش آزاد طلا [نوسانات قیمت طلا] را مختل کرد و موجب ازبین رفتن استاندارد مبادلات طلا و ارز شد .

1928 - 1929 رونق و ترقی سریع بازار سهام در ایالات متحده

بانک مرکزی هیچ اقدامی برای توقف رشد سریع و خارج از کنترل بازار سهام انجام نداد . به جز هشدار به بانک ها در مورد وام دادن به بورس بازان بازار سهام که کاملاً نادیده گرفته شده بودند .

1929 سقوط بزرگ بازار سهام

بازار سهام نیویورک در 24 اکتبر سقوط کرد و در سه روز پس از آن بیشترین فروش سهام انجام گرفت . بسیاری از سرمایه گذارهای کوچک که به قدر 90% از بهای سهامی که خریده بودند وام گرفته بودند ، دیدند که سهام آنها به کمتر از حد دارایی شان نزول کرد و میزان ضررشان از حد مجاز آن فراتر رفت . بانک مرکزی ایالات متحده تصمیم به بستن اعتبار تشدید کنندگان سقوط سهام و رکود اقتصادی گرفت .

1929 - 1930 رکود شدید اقتصادی

موج عظیم ورشکستگی بانک ها و وام های سنگین باعث عدم توانایی بانک ها در تأمین اعتبارات تعهد شده گردید . تولید خالص ملی ایالات متحده به کمتر از نصف کاهش یافت .

1931 ایالات متحده و فرانسه 75% از موجودی طلای جهان را به خود اختصاص دادند

این رقم در ماه سپتامبر حاصل شد . طی شش هفته قبل از آن ، به اندازه چند صد میلیون دلار طلا از خارج شده بود .

1931 بریتانیا معیار طلا را رها کرد

یک سری ورشکستگی های بانکی در آلمان که بر اثر تغییرات عمده در ارزش های بین المللی رخ داد ، باعث شد که بریتانیا تصمیم خود مبنی بر رها کردن معیار طلا را به انجام برساند .

1934 خزانة طلای ایالات متحده راه اندازی شد

در نخستین سال ریاست جمهوری روزولت و در راستای سیاست های جدید* ، ارزش دلار در برابر طلا از 20.67 دلار برای هر اونس به 35 دلار برای هر اونس کاهش داده شد . بدین گونه حق مالکیت سکه ها و شمش طلا برای یک نسل ، از شهروندان گرفته شد .

New Deal* برنامه توسعه اقتصادی فرانکلین روزولت پس از سال های بحران شدید اقتصادی امریکا که در آن کمک به کشاورزی ، بازنشستگی ، بیمه بیکاری و ... گنجانده شده بود .

1939 - 1945 جنگ جهانی دوم

بریتانیا برای تأمین هزینه های مالی جنگ فوق العاده مقروض شده و به خاطر پیروی از خط مشی و نظریات اقتصادی ماینرد کینس* تبدیل به یک بدهکار بزرگ شده بود . بدهی ملی امریکا هم به خاطر استقراض برای مخارج جنگ با یک رشد تقریباً 15 برابر طی سال های 46 - 1930 به حدود 269 میلیارد دلار رسید .

1944 - 1971 موافقت نامه برتون وودز

این موافقت نامه یک نظام ارزهای قابل تبدیل به هم ، نرخ های تبدیل ثابت و تجارت آزاد را به راه انداخت که به موجب آن کشورها توافق کردند که تلاش کنند تا نرخ برابری ارزشان نسبت به دلار امریکا را در یک محدوده مشخص ، ثابت نگه دارند و همچنین در صورت نیاز یک نرخ برابری مشابه را نسبت به طلا حفظ کنند . همچنین برپایی یک صندوق ذخیره بین المللی و یک بانک بین المللی برای نوسازی و توسعه و پیشرفت که به نام بانک جهانی شناخته می شود .

1947 ایالات متحده طرح مارشال را برای اروپا مطرح کرد**

ایالات متحده برنامه کمک مارشال برای بازسازی خرابی های جنگ در اروپا را به اجرا در آورد . این برنامه باعث گسترش فوق العاده تجارت بین الملل در دهه 1950 گردید که خود ایجاد کننده گردش حجم عظیم سرمایه بود .

1950 - 1953 جنگ کره

اقتصاد ژاپن به خاطر نقشی که این کشور به عنوان تنها پایگاه آسیایی تأمین و تدارک نیروهای سازمان ملل در کره ایفا می کرد پیشرفت زیادی نمود .

1957 جامعه اقتصادی اروپا به موجب قرارداد رم بنا نهاده شد

گروه تشکیل دهنده ابتدایی اتحادیه شامل کشورهای بلژیک ، هلند ، لوکزامبورگ ، فرانسه ، آلمان و ایتالیا بود .

1971 موافقت نامه برتون وودز ملغی شد

ذخیره طلای امریکا کاهش یافته بود در حالی که مطالبات خارجی که به دلار محاسبه می شدند افزایش پیدا کرده بود و حفظ برابری دلار در مقابل طلا که 35 دلار در هر اونس بود دیگر امکان پذیر نبود . این موضوع با افزایش

مبالغی که برای مخارج بازسازی های بعد از جنگ به وسیله کشورهای دیگر از امریکا دریافت می گردید ، تشدید می شد . پرزیدنت نیکسون نرخ تبدیل دلار و طلا را به صورت شناور درآورد .

1973 ایالات متحده معیار طلا را رها کرد

پس از کاهش ارزش دلار امریکا برای دومین بار ، قیمت ثابت طلا دیگر کارایی خود را از دست داد . قیمت طلا از 35 دلار در هر اونس به 42.22 دلار در اونس افزایش یافت و ارزهای دیگر هم محدوده تعیین شده شناوری خود نسبت به دلار امریکا را رها کردند .

1974 اولین شوک اوپک در قیمت نفت

چهار برابر شدن قیمت نفت در نتیجه اعمال تحریم های اوپک باعث کاهش شدید رشد اقتصادی در سطح جهان شد . اگرچه اقتصاد کشورهای غربی ضربه بدی خورد ، اما وضعیت کشورهای توسعه نیافته وخیم تر از همه بود .

1978 - 1980 دومین شوک اوپک

دو برابر شدن قیمت نفت بر اثر جنگ ایران و عراق ، باعث کمبود سوخت و کاهش نرخ های بهره شد . اقتصادهای صنعتی دچار رکود شدید شدند . بانک های امریکا که از ورود دلارهای نفتی محروم شده بودند ، در وصول مطالبات خود از وام گیرنده های امریکای لاتین هم ناموفق بودند . این موضوع باعث ایجاد بحران بدهی های امریکای لاتین در دهه 1980 و 1990 شد و نیز باعث فرار حجم عظیم سرمایه ها از قاره امریکا گردید .

1979 نظام پولی اروپایی ایجاد شد

جامعه اقتصادی اروپا یک ساز و کار مبادلات ارزی را پایه گذاری کرد که اجازه می داد ارزها در یک محدوده مشخص ، حول یک نرخ مرکزی توافق شده نوسان کنند . پول واحد اروپایی یا اکو بر مبنای میانگین وزنی 10 ارز مختلف اروپایی ایجاد شد .

1982 بحران بدهی مکزیک

اعلان استمهال مکزیک برای بازپرداخت بدهی هایش باعث فرار سرمایه کلانی از کشورهای آرژانتین ، برزیل و ونزوئلا شد .

1990 اتحاد و یکپارچگی دوباره آلمان

پول آلمان شرقی از نرخ تبدیل قبلی خود که 1 : 4 بود ، به نرخ مارک آلمان تبدیل شد . این موضوع باعث ورود سرمایه عظیمی از شرق به غرب شد چون اهالی آلمان شرقی تقاضای زیادی برای خرید کالاهای غربی داشتند . در تلاش برای جلوگیری از افزایش تورم ، بانک مرکزی آلمان نرخ بهره را افزایش داد و در نتیجه بر بحران اقتصادی اوایل دهه 1990 غلبه کرد .

* Maynard Keynes

Marshall Plan * * طرح مارشال ، طرح کمک امریکا برای توسعه اقتصادی کشورهای اروپای غربی بود که در سال های پس از جنگ جهانی دوم برای جلوگیری از کمونیسم در این کشورها اجرا گردید

استمهال : درخواست مهلت قانونی جهت بازپرداخت بدهی
1992 لندن برتری خود در بازارهای ارزی را حفظ کرد

حجم معاملات روزانه در بازار مبادلات ارزی لندن به 300 میلیارد دلار رسید ، در مقایسه با 192 میلیارد دلار در بازار نیویورک و 128 میلیارد دلار در بازار توکیو . به خاطر موج پرداخت های الکترونیکی ، نقد شوندگی بازار ارز و نقل و انتقال سرمایه ، حجم تجارت جهانی به میزان 20 برابر افزایش یافت .

1992 پیمان ماستریخت راه اتحادیه اروپایی را هموار کرد

سال 1999 به عنوان تاریخ به جریان افتادن پول واحد اروپایی تعیین شد و معیارهای اقتصادی کلان برای وفق دادن شرایط کشورها با این ارز واحد پی ریزی شد .

1992 پوند بریتانیا از نظام مبادلات ارزی اروپایی حذف شد

از آنجا که بریتانیا در کنترل نرخ های بالای بهره ناموفق بود ، بورس بازی های ارزی ناگزیر پوند را از محدوده معین نرخ تبادلات ارزی ERM خارج کرد .

1997 بحران ارزهای آسیایی

بورس بازی ارزهای آسیای شرقی را هم تحت تأثیر قرار داد و باعث تردید بازار نسبت به قابلیت تحمل اقتصادهای منطقه ، افزایش بدهی های بازپرداخت نشده ، افزایش کسری درآمد تجاری و کاهش شدید ذخایر ارزی شد . این موضوع ، بانک های مرکزی منطقه را وادار به افزایش نرخ بهره نمود تا از ارزش ارزهایشان حمایت کنند که این خود باعث رکود اقتصادی منطقه شد .

1998 بحران روسیه ، سقوط ناگهانی LTCM و کاهش شدید نقدینگی

کاهش ارزش روبل توسط دولت روسیه ، عدم پرداخت بدهی های ملی و اعلام یک مهلت قانونی (اجازه دیرکرد پرداخت) برای بازپرداخت مطالبات بستانکارهای خارجی ، باعث ترس سرمایه گذارها و فرار سرمایه ها از روسیه گردید . هنگ کنگ بیش از 15 میلیارد دلار صرف سرمایه گذاری در بورس نمود تا بورس بازها را دفع کرده و از ارزش پول خود حمایت کند . بحران آسیا به امریکای لاتین هم سرایت کرد و باعث تشدید روند کاهش ارزش پول در برزیل و ونزوئلا شد . ایالات متحده در راستای مدیریت سرمایه بلند مدت ، سرمایه هایی را که به خاطر بحران روسیه به بازار سرازیر شده و بالغ بر 100 میلیارد دلار بود را ضمانت کرد . بانک مرکزی ایالات متحده ، برای افزایش نقد شوندگی و ایجاد اعتماد مجدد در بازارهای جهانی ، نرخ بهره را طی سه ماه ، سه بار کاهش داد .

1999 پول واحد اروپایی ایجاد شد

یورو به عنوان پول رایج در بازار 11 عضو از 15 عضو اتحادیه اروپایی پذیرفته شد (بلژیک ، آلمان ،

اسپانیا ، فرانسه ، ایرلند ، ایتالیا ، لوکزامبورگ ، هلند ، اطریش ، پرتقال و فنلاند .)

2002 اسکناس و سکه های یورو به بازار ارائه شدند اسکناس ها و سکه های یورو وارد گردش پولی شده و به عنوان پول رایج و قانونی پذیرفته شدند

بازارهای مبادلات ارزی : زوج ارزهای قابل معامله ، نقدینگی ، بخش های مختلف بازار

بازار ارز بر اساس حجم معاملات روزانه یا حجم نقل و انتقال پول بین طرفین معاملات ، بزرگترین بازار مالی جهان است . با ورود تکنولوژی و گردش سرمایه های **Cross-border*** ، حجم معاملات روزانه بازار مبادلات ارزی از حدود روزانه 70 میلیارد دلار در دهه 1980 به روزانه 1.9 تریلیون دلار در سال 2004 رسید .

حجم معاملات روزانه بازار فارکس بین سال های 1998 تا 2001 از 1.5 تریلیون دلار به 1.2 تریلیون دلار کاهش یافت . این کاهش نتیجه عوامل متعددی بود . معرفی رسمی یورو ، موج ورود کارگزاران الکترونیک که نیاز به دلالت بازار ارز را کاهش داد و کاهش قدرت تحمل ریسک که نتیجه کاهش نقدینگی در بازارهای مالی ، در اثر رکود سال 1998 بود .

بعد از کاهشی که در سال های 2001 - 1998 در حجم معاملات پیش آمد ، در دوره 2000 - 2004 حجم معاملات بازار به رکورد تازه 1.9 تریلیون دلار در روز رسید . عوامل اصلی که موجب این رشد شدند عبارتند از - **1 تفاوت نرخ های بهره باعث رواج معاملات انتقالی شد . تفاوت سیاست های مالی بانک های مرکزی ، فرصت های مناسبی برای سرمایه گذاران به وجود آورد تا از ارزهای با نرخ بهره پایین تر وام گرفته و عایدات خود را در ارزهای دارای بهره بالاتر سرمایه گذاری کنند تا سود حاصل از افزایش بهای ارز و بهره بالاتر را به دست آورند . این روش باعث تقویت ارزش ارزهای با بهره بالاتر مثل دلار استرالیا و پوند بریتانیا شد .**

2- ظهور ناگهانی روندهای عمده و بزرگ و شناور بودن بازار . افزایش نوسانات و شناوری بازارهای ارز - که تا اندازه ای حاصل تغییرات سیاستهای مالی بود - منجر به افزایش نیاز بانک های مرکزی ، مدیران سرمایه ، سرمایه گذاران بازارهای سلف کالا ، شرکت های چند ملیتی ، وارد کنندگان و صادرکنندگان به روش های بازار بینی و روش قفل کردن سود و ضرر از طریق معاملات **Forward**** و **Option***** گردید . مخصوصاً استفاده این نهادها از بازارهای **Forward** برای قفل کردن میزان سود و ضرر ناشی از افزایش و کاهش قیمت ارزها ، طی سال های 4 - 2001 حجم معاملات روی اقلام **Forward** را بیش از 50% افزایش داد .

3- بازارهای مبادلات ارزی به عنوان نوع متمایزی از بازارهای سرمایه . تغییرات نرخ بهره و نوسانات قیمت ارزها و افزایش میزان تمایل به کسب سود از این بازار ، سرمایه گذاری در مبادلات ارزی و بازار بینی ارز را به عنوان یک کلاس متمایز در بازار سرمایه مطرح کرد . مخصوصاً در هنگامی که شاخص های بازار سهام و اوراق قرضه منفی شده یا مقادیر نسبتاً پایینی داشتند .

فصل دوم

ارزهای اصلی

راهنمایی هایی برای انجام معامله

این راهنمایی ها به عنوان یک مرجع عوامل ضروری ، مخصوصاً عوامل اصلی مؤثر بر جفت ارزهای اصلی به کار می رود . این راهنمایی ها با استفاده از معرفی اشخاص و چیزهای مهم و مؤثر در مورد هر یک از شش جفت ارز اصلی ، مراجع رسمی عالی رتبه ، گزارش های اقتصادی ، روابط تجاری و دیگر مسائل مرتبط با این جفت ارزهای مورد معامله را معرفی می کند . معامله گر ها و تحلیل گر های دارای تسلط کامل بر مبانی بنیادی بازارهای ارز ممکن است در درک روندهای کلی و معمول بازار ارز موفق باشند اما احتمالاً نمی توانند به همان خوبی ، نیروهایی که در پشت نوسانات کوتاه مدت تر بازارهای ارز وجود دارند و در تعیین جهت بازار و سرعت تغییرات مؤثر هستند را درک کنند .

چه عدم شناخت رابطه مستقیم بین نرخ EUR/USD و GBP/USD (cable) و چه نادیده گرفتن صورت جلسات کمیته سیاستگذاری مالی بانک مرکزی انگلستان ، تحلیل گر ها و معامله گر ها را با خطر حرکات بالقوه تهدیدآمیز بازار به کار می روند .

عوامل بنیادی مهم مؤثر بر دلار امریکا

بانک مرکزی ایالات متحده (Fed)

بانک مرکزی ایالات متحده در تنظیم سیاستهای مالی برای رسیدن به حداکثر رشد اقتصادی بدون ایجاد تورم ، استقلال کامل دارد . مهم ترین پارامترهای مد نظر بانک مرکزی عبارتند از : عملکرد و گردش کار بازار آزاد ، نرخ نزول بانکی و نرخ بهره .

کمیته فدرال بازار آزاد (FOMC)

FOMC مسؤل تصمیم گیری در مورد سیاست مالی شامل اعلام نرخ قطعی بهره حداقل 8 بار در سال است . 12 عضو کمیته تشکیل شده اند از : 7 عضو هیأت مدیره بانک مرکزی ، رییس بانک مرکزی ایالت نیویورک و چهار جایگاه باقی مانده ، به طور سالیانه و به صورت دوره ای ، به رؤسای 11 بانک مرکزی ایالتی دیگر اختصاص می یابد .

اعضای دارای حق رأی FOMC در سال 2004

آلن گرینسپن ، رییس هیأت مدیره بانک مرکزی

تیموتی گیتنر ، عضو هیأت مدیره بانک مرکزی از نیویورک

بن برنانک ، عضو هیأت مدیره

سوزان اشمیت بیز ، عضو هیأت مدیره

راجر فرگوسن ، عضو هیأت مدیره

ادوارد گراملیچ ، عضو هیأت مدیره
دونالد کوهن ، عضو هیأت مدیره
مارک دبلیو. اولسون ، عضو هیأت مدیره
آلفرد برادوس از ایالت ریچموند
مایکل مسکو از ایالت شیکاگو
جک گویان از ایالت آتلانتا
رابرت ت. پری از سانفرانسیسکو

اعضای علی البدل

ساندرا پیانالتو از کلیولند
توماس هوینگ از کانزاس سیتی
کتی مانیهن از بوستون
ویلیام پول از سنت لویز
آنتونی سانتومرو از فیلادلفیا
جیمی ب. استوارن ، جانشین ریاست بانک مرکزی ایالت نیویورک

ترجمه ده درس از الیوت ویو

درس اول

1.1 معرفی : مفهوم کلی

در حقیقت الیوت ویو یک پیش بینی است. هامیلتون بلتون این موضوع رو تشریح می کند .
اصل امواج توسط نلسون الیوت کشف گردید که حرکت و برگشت انرا تشخیص می دهد .
الیوت در اطلاعات بازار سهام کشف کرد که تغییرات قیمت در بازار با ساختار خاصی انجام می گیرد که در واکنشهای چرخشی یک اهنگ اصلی را دنبال می کند. از این کشف ، او سیستمهای منطقی بررسی بازار را توسعه داد. الیوت 13 نوع موج مجزا که در بازار سهام تکرار می شدند را ترسیم نمود. این امواج هیچ الزامی برای تکرار در زمان و یا دامنه خاصی ندارند. او مسیرها را تعریف ، ترسیم و نام نهاد. او توصیف کرد که چگونه این ساختارها به یکدیگر متصل می شوند، چگونه انها در یک الگوی قابل پیش بینی بزرگتر به یکدیگر متصل می شوند و همچنین در مورد الگوهای بزرگتر و بزرگتر .
بطور خلاصه اصل امواج یک مجموعه از مسیرهاست و یک تفسیر از این فرمها که شبیه همه مسیرهایست که تا بحال در حرکت بازار اتفاق افتاده. توصیف الیوت تشکیل شده از یک سری قاعده تجربی راهنما برای تغییرات بازار. الیوت پیشگوئی قیمت برای بازار را مطرح نمود که حالا بنام اصل امواج الیوت نامیده می شود.

- 1.2 تاریخچه کوتاه

هر چند این بهترین ابزار فورکست موجود است . اصل امواج نخستین ، یک ابزار فورکست نیست . ان یک توضیح جزئیات چگونگی رفتار بازار است . با اینحال ، ان توضیحات سهم بزرگی در رسیدن به تسلسل رفتار و سپس احتمال مسیره‌های بعدی داراست . مفاهیم اولیه از اصل امواج زمینه ساز مفهوم انالیز بازار بوده است . این مفهوم زمینه ساز نظم فکر و یک دورنمای کلی بازار می باشد ، بهر صورت دقت ان در شناخت و پیش بینی تغییرات مسیر تقریبا غیر قابل باور است . خیلی جاها و خیلی از مردم طبق اصل امواج عمل می نمایند . اما بازار سرمایه جایی است که بیشتر اینچنین عمل می کند .

براستی بازار سرمایه بسیار از این قاعده پیروی می کند . درجه تراکم قیمت بازار یک هدایت و مقدار نیست که مردم قابلیت برای ان قائلند . که این ارزیابی ایست که در حقیقت انقلابی در علوم اجتماعی بوجود آورده است بهر صورت این بحث برای وقتی دیگر است .

الیوت تئوری‌هایی دارد در خصوص مفهوم الگوهایی که کشف کرده ، ما می خواهیم معرفی و شرح به تفصیل این موضوع را در درسه‌های 16 تا 19 توضیح دهیم .

تا ان زمان به این بسنده می کنیم که الگوها را در درس 1 تا 15 توضیح دهیم .

اغلب اشخاص می خواهند چند بیان مختلف از موقعیت الیوت بازار بشنوند مخصوصا وقتی با عجله ، مطالعات کارشناسان را عجولانه در پایان روز جمع اوری می کنند .

بهر صورت بسیاری از بلا تکلیفی ها می تواند از داشتن چارتهای روی دو اندازه حسابی و نیمه لگاریتمی باشد . و مواظب پیروی از قاعده های خطوط راهنما چون laid down در این مبحث باشید .

- 1.3 اصول اصلی

در قوانین امواج ، هر تصمیم بازار بوسیله اطلاعات معنی دار تولید و تولید اطلاعات معنی دار می نماید . هر تراکنش (خرید یا فروش) در لحظه یک تاثیر بر بازار وارد می کند ، ارتباط اطلاعات تراکنشهای سرمایه گذاران زنجیروار باعث دیگر رفتارهای بازار می شوند . این حلقه بازخورد حاکم بر ماهیت کلی است و باینکه او این ماهیت را دارد الگوها را می سازد ، بطوریکه الگوها تکرار می گردند و دارای مقدارهای قابل پیش بینی هستند . بعضی اوقات نمودهای بازار بازتاب وضعیت و اتفاقات خارجیت اما در زمانهای دیگر کاملا جدا از آنچه که بیشتر مردم می پندارند به سبب وضعیت های بازار می باشد . دلیل انست که بازار قانون مخصوص خودش را دارد . این حرکت خطی نیست که هر شخص در زندگی روزمره تجربه کند یا بطوریکه بعضی تعریف می کنند بازار ماشین تولید نوسانات با اهنگ چرخشی نیست . با اینحال حرکتهای ان یک بازتاب با قاعده را می سازد .

این بازتابها در امواج اشکار می شوند . امواج الگوهایی از حرکت هدایت شده هستند بطور دقیقتر یک موج با هر الگویی که بطور طبیعی اتفاق بیافتد در قانون امواج وجود دارد ، این مبحث را در درسه‌های 1-9 توضیح خواهیم داد .

- پنج موج الگو

در بازارها حرکت نهایتاً از 5 موج قابل شناسائی تشکیل می شوند سه موج از این امواج 1، 3 و 5 نامیده می شوند آنها بوسیله 2 موج جبرانی بنامهای 2 و 4 از یکدیگر جدا می شوند در شکل 1-1 موج قطع کننده یا جبرنی که برای الگو هستند را می بینید.

ار.ان.الیوت الگوی 5 موج اصلی را تعیین نکرده بود اما این موضوعی انکار ناپذیر است. در هر زمانی بازار ممکن است در یک محلی از 5 موج اصلی در یک نگاه کلی تر از روند شناسائی شود چون الگوی 5 موج اصلی حرکت مهم بازار است و الگوهای دیگر در داخل آن تشکیل می شوند.

- 1.4 مد موج

در اینجا دو مد از توسعه امواج گفته می شود. حرکت و اصلاح کننده. امواج حرکت دارای 5 موج ساختاری می باشد در صورتیکه امواج اصلاحی دارای ساختار سه موجه می باشند. مد حرکت بوسیله 5 موج اصلی شکل 1-1 و حرکتی هم مسیر شکل می گیرد. بطور مثال موجهای 1، 3 و 5 این ساختار حرکت خوانده می شود چون آنها قدرت حرکت بازار هستند. مد اصلاح بوسیله جبران کننده ها معکوس شکل می گیرد که شامل موجهای 2 و 4 در شکل 1-1 هستند. این ساختار جبرانی نامیده می شود چون آنها بخشی از مسیر را بازگشت یا انتقالی را که موجهای حرکت ایجاد کرده را تصحیح می کنند. بدینسان دو گونه اساسی و مختلف در ساختار و صورت آنها در تمامی این درس وجود دارد.

در کتاب 1938 او اصل امواج و بار دگر در مقالات منتشر شده 1939 در مجله *Financial World*

ار.ان.الیوت اشاره می کند بازار سهام دارای یک حرکت اصلی یا الگوی 5 موجه رو به بالا و سه موج روبه پایین یک سیکل 8 موجه را می سازد الگوی 5 موجه رو به بالا و 3 موجه رو به پایین را در شکل 2-1 مشاهده می کنیم.

یک سیکل کامل شامل 8 موج می باشد که شامل دو مرحله اساسی است. مرحله حرکت (که 5 هم خوانده می شود) زیر موجهای آن با عدد مشخص می شوند و مرحله اصلاحی (که 3 هم خوانده می شود) که دارای زیر موجهای است که با حروف مشخص می گردند. بترتیب 1 2 3 4 5 برای موجهای حرکت و a b c برای موجهای اصلاحی در شکل 2-1.

در نهایت سیکل 8 موجه شکل 2-1 کامل می شود و سیکل دوم شبیه به سیکل اول با 5 موج روبه بالا (حرکت) و 3 موج رو به پایین (اصلاحی) دوم آغاز می گردد. سومین حرکت شامل 5 موج حرکت می باشد و 3 موج اصلاحی، که این سیکلها سه موج حرکت از یک ساختار موجی بزرگتر را کامل می کنند. این نتیجه را در شکل 3-1 با برچسب (5) می بینید

در بالاترین نقطه موج (5) حرکت نزولی آغاز می شود در ساختار بزرگتر یکی از سه موج، این سه موج بزرگ رو به پایین قرینه موجهای بزرگ رو به بالا هستند. نتیجه این سیکل در شکل 3-1 کامل شده اند. در شکل 3-1 توضیح داده شده که هر بخش از موج حرکت و هر سیکل کامل شامل بخشی از یک نسخه کوچکتر

از خودش می باشد.

این یک واقعیت است: شکل 1-3 یک تصویر بزرگتر از شکل 2-1 می باشد و این نیز همچین جزئی از یک سیکل بزرگتر. در شکل 2-1 هر موج به زیر موجهای که خود از یک سیکل تشکیل شده اند تقسیم شده و هر کدام از آن موجها...

هر زیر موج مانند 2 و 4 نقاط اصلاحی a b c را دارا هستند. موجهای (1) و (2) در شکل 3-1 اگر در زیر یک میکروسکوپ نگریسته شوند خود یک موج [1] و [2] هستند. همه این اشکال توضیح پدیده دائمی از یک تغییر با درجه متفاوت از بازار می باشند

5- طراحی ضروری

ساختمان ترکیبی بازار چنان است که در موج از یک درجه خاص به 8 موج از درجه کوچکتر تقسیم می شود و این 8 موج در حقیقت از 34 موج با سایز کوچکتر تشکیل شده است. اصل امواج بازتاب این واقعیت است که موجها از هر درجه در هر سری همیشه تقسیم و باز هم به درجه های کوچکتر تقسیم می شوند و همزمان همه این امواج، امواج بزرگتر را می سازند.

بهر حال ما می توانیم از ساختار شکل 3-1 بعنوان دو موج استفاده کنیم، هشت موج از 34 موج در اتصال با یکدیگر یک بزرگتر را که ما به آن اشاره می کنیم را می سازد.

حال مشاهده می کنیم که در داخل الگوی اصلاحی همچون موج [2] در شکل 3-1 موجهای a و c که رو به پایین هستند شامل 5 موج 1 2 3 4 5 همچون موج (b) که بسمت بالا شامل 3 موج a b و c می باشد. این یک واقعیت را آشکار می سازد که موجهای حرکت همیشه رو به بالا نیستند و موجهای اصلاحی همیشه رو به پایین حرکت نمی کنند. حالت یک موج یک مسیر مطلق نیست اما در کل مسیر خودش را دارد. بغیر از چهار استثنا که جای دیگر در این درس بحث خواهیم کرد امواج به مد حرکت (5موج) (وقتیکه روند در آن مسیر با موجهای بزرگتر بوده و مد اصلاح (3) موج یا تغییر مسیر (وقتیکه روند در مسیر مخالف می باشد) تقسیم می شود. موجهای a و c موجهای حرکت هستند در روند مسیر موج [2] موج (b) اصلاح کننده می باشد چون موج (a) را اصلاح می کند و مخالف موج [2] می باشد. بطور خلاصه اساس گرایش اصل امواج، حرکت در یک مسیر با یک روند بزرگ توسعه داده شده با 5 موج و واکنش مخالف آن با سه موج در همه اندازه های روند می باشد.

* نکته: برای این درس، همه امواج نرمال با اعداد و حروف داخل دایره و امواج اصلی با اعداد و حروف داخل براکت نمایش داده می شوند.

به شکل 4-1 نگاه کنید.

فرم مثالی اندازه مسیر حرکت و انتقال آن در یک مرحله بزرگتر را نشان می دهد. این مثال نتیجه شده از اصل امواج که در هر بازاری وجود دارد و موجها به زیر بخشهای کوچکتر تقسیم می شوند را نشان می دهد.

- 1.6 شمارهش امواج

تعداد امواج در هر درجه:

حرکت + اصلاح = سیکل

بزرگترین موج $1 + 1 = 2$

بزرگترین زیرموج $3 + 5 = 8$

زیرموج بعدی $13 + 3421 =$

زیرموج بعدی $55 + 89 = 144$

همچنانکه می دانید تصویر 1-2 و 1-3 در درس 1 هیچکدام از این دو شکل و شکل 1-4 حالت نهایی نیست. همانطور که در قبل آمده هر 8 موج (5موج رو به بالا و 3موج رو به پایین یا اصلاحی) یک سیکل را کامل می کنند و اینها دو موج از سیکل با درجه بزرگتر را می سازند. تا زمانیکه پیشرفت ادامه دارد، حرکتها در ادامه درجه بزرگتری از موجها را می سازند. برگشت هر زیر موج در درجه کوچکتر ظاهرا ادامه بدون پایان ماجراست. در نهایت ما می توانیم همه امواج را با دو حالت که از موجها تشکیل شده اند (حرکت و اصلاح) بدانیم.

الیوت خودش هرگز نیاندیشید که چرا اساس بازارها از 5 موج پیشرفت و 3 موج بازگشت تشکیل شده اند. او بصورت ساده ان را رویداد می دید. ایا الزامی برای بودن 5 موج (حرکت و 3 موج) بازگشت (وجود دارد؟ در باره ان فکر کنید تا درک کنید این حداقل نیاز می باشد. و کارآمدترین متد بدست آمده برای درک نوسان و پیشرفت در حرکت خطی بازار می باشد. مقدار موجهای که میزان نوسان را می سازند 3 موج (اصلاحی) هستند سه موج در حرکت که برعکس پیشرفت عمل می کنند. پیشرفت در مسیر اصلی روند با وجود دوره های برگشتی، با حداقل 5 موج انجام می گیرد. که به سادگی برگشت با سه موج آرام نوسان را ادامه می دهد. می توان گفت علامت گذاری 3-5 بیشترین کارائی را دارد. و نمونه واقعی زیر می تواند این را بنمایش بگذارد.

قابلیت تغییر در ریشه های اصلی

اگر اصول اصلی که در بالا تشریح گردید کاملا نشان داده شوند اصل امواج بسادگی مورد استفاده قرار می گیرد و نشان دهنده رفتار بازار می باشد. بهر صورت جهان واقعی خوشبختانه یا بدبختانه اینقدرها ساده نیست. از اینجا تا درس 15 ما می خواهیم چگونگی رفتار واقعی بازار را تشریح کنیم. آنچه که الیوت تشریح نمود و در ان موفق بود.

درجه موج

همه موجها می توانند با اندازه واقعی دسته بندی شوند. الیوت 9 درجه از امواج را یافته بود. از حرکتهای کوچک در یک چارت یک ساعته تا بزرگترین موج که او می پنداشت در داده های شناخته شده وجود دارد. او

نامهای لیست زیر از کوچکترین تا بزرگترین را انتخاب نمود:

Grand Supercycle
Supercycle
Cycle
Primary
Intermediate
Minor
Minute
Minuette
Subminuette
بترتیب:

سوپر سیکل بزرگ

سوپر سیکل

سیکل

فهم این نکته مهم است که این نامها درجه موجها را قابل شناسائی می سازد. بعنوان مثال وقتی ما به صعود بازار سهام امریکا از سال 1932 مراجعه می کنیم. ما از یک سوپر سیکل با زیر بخشهای زیر سخن می گوئیم.

1937 - 1932 موج اول از درجه سیکل

1942 - 1937 دومین موج از درجه سیکل

1966 - 1942 سومین موج از درجه سیکل

1974 - 1966 چهارمین موج از درجه سیکل

19?? - 1974 پنجمین موج از درجه سیکل

موجهای سیکل به موجهای از درجه Primary که خود از موجهای Intermediate تشکیل شده اند تقسیم و موجهای Intermediate به موجهای کوچکتر تقسیم می شوند و...

همانطور که از طول و عرض جغرافیایی برای شناسائی مکانهای جغرافیایی استفاده می گردد بوسیله استفاده از این فهرست ، انالیزورها می توانند موقعیت یک موج را در کل حرکت بازار تشخیص دهند. بعنوان مثال " میانگین صنعت داو جونز در موج Minute V از موج Minor 1 از موج

(Intermediate 3) و... شناساننده موقعیت حرکت در امتداد تاریخچه بازار می باشد

- 1.7 درجه ها

وقتی موجها عددگذاری می گردند جدول پیشرفت بازار نمایش داده شده در زیر پیشنهاد می گردد شاید از این خوشایندتر برای دانشمندان ، علامت گذاری با اعداد اندیس دار بود اما انوقت خواندن علامتها روی چارت چیز وحشتناکی می بود. جدول بالا جهت اشنائی چشم شما می باشد. چارتهای را ممکن است با

رنگهای مختلف برای درجه های مختلف ترسیم کنند.

در واژگان پیشنهادی الیوت ، از واژه **سیکل** استفاده گردیده است و این به معنای خاص کلمه نمی باشد و فقط یک نام است. این در حقیقت چون "Primary swing" ، "Primary" و "Primary bull" که در گذشته بدون دلیل خاص بوسیله تئوریسین های بازار Dow استفاده می گردیده ، استفاده گردیده است. این واژگان هیچ اشکالی را در شناسائی درجه ها تولید نمی کنند و نویسندگان هیچ اسراری بر تصحیح آنها ندارند. اگر چه بدون عادت به آنها نیز ما در استفاده از آنها راحت هستیم.

شناسائی دقیق درجه موج در زمان جاری بخش دشوار **اصل امواج** می باشد. بخصوص در شروع یک موج جدید ، تصمیم گرفتن برای اینکه درجه اولین زیر موج چیست ، سخت می باشد. دلیل اصلی سختی این کار در عدم وابستگی درجه موج به قیمت و یا طول زمان است. درجه موجها وابسته به فرمانشان است که تابعی از قیمت و زمان می باشد. درجه یک موج وابسته به اندازه و موقعیت حرکت به بازگشت ، مجاورت و احاطه موجهاست.

این فرضیه نسبی یکی از **صورت‌های اصل امواج** است که بازار واقعی را تفسیر می کند. خوشبختانه تعیین دقیق درجه یک موج معمولا با موفقیت پیش بینی ارتباط زیادی ندارد با اینکه ارتباط درجات امواج اهمیت بیشتری را دارا هستند.

یک چالش دیگر از **اصل امواج** تغییر پذیری فرمهاست که در درس نهم این دوره تشریح خواهد شد.

1.8 عمل موج

- هر موج یکی از دو نقش عمل یا برگشت را بازی می کند بخصوص یک موج ممکن است خاصیت متفاوتی در یک درجه بزرگتر یا برعکس داشته باشد. عملکرد یک موج وابسته به مسیر اوست. هر موجی که در مسیر روند بوده و بخشی از یک موج درجه بزرگتر را می سازد را موج حرکت می گویند. و هر موجی که در مسیر مخالف روند بوده و بخشی از موج درجه بالاتر را می سازد را موج واکنشی یا اصلاحی می گویند. موجهای حرکت با شماره ها و حروف فرد شماره گذاری می شوند و موجهای برگشتی یا اصلاحی با اعداد یا حروف زوج شماره گذاری می شوند.

همه موجهای اصلاحی در خلاف جهت روند هستند. یک درک کلی از جزئیات الگوها در 5 درس آینده خواهد گفت که چرا این معرفی در این بخش انجام گردید.

درس دوم

2.1 موجهای حرکت

موجهای حرکت به 5 موج تقسیم می شوند که با مشخصات قطعی ، همیشه حرکت در مسیر روندی از درجه بزرگتر را انجام می دهند. آنها نسبتا اسان تشخیص داده می شوند.

در موجهای حرکت ، موج دوم هرگز بیش از 100٪ موج اول برگشت و موج چهارم هرگز بیش از 100٪ موج سوم برگشت نمی نماید. ضمنا موج سوم همیشه حرکتی بیش از موج اول خواهد داشت. هدف موجهای

حرکت ساخت یک پیشرفت است، و این موارد آرایش آنها را بیمه می کند.

الیوت ضمنا کشف کرد که در دوره های قیمت، موج سوم بیشتر اوقات طول بزرگتری دارد و هرگز کوتاهترین موج از موجهای حرکت (1,3,5) نمی باشد. بنابراین موج سوم بخش بیشتری از حرکت (نسبت به موجهای 1 و 5) را بخود اختصاص می دهد. این قانون خوش آیندست (ترجمه: پس در تعقیب حرکت امواج در زمان شکل گیری موج سوم می دانیم که حداقل به اندازه موج اول حرکت خواهد نمود.) تقریباً داشتن یک پایه و اساس ریاضی خوب می باشد. اینجا دو گونه موج حرکت وجود دارد، واکنشها و مثلثهای قطری (ترجمه: شکل زیر برای یادآوری قضیه مثلثهای قطری به متن اضافه شده است.)

حرکت بیشتر موجهای حرکت یک واکنش می باشند. در یک واکنش موج چهارم وارد محدوده موج اول نمی گردد. این قانون برای تمام بازارهای بدون Leverage است. در خصوص پیشگویی بازارها با Leverage زیاد، می توان گفت در دوره های کوتاه مدت قیمت بسیار تحریک می شود که در بازارهای ارزی (بدون Leverage) رخ نمی دهد و همچنین overlap اورلپ (ترجمه: روی هم افتادن موجها) معمولاً بصورت روزانه اتفاق می افتد و در طول روز نوسانات قیمت بندرت اورلپ می کنند. (ترجمه: بازار Forex یک بازار دارای Leverage می باشد.) در ضمن سهم موجهای 1,3,5 از یک تحرک میزان حرکت رو به جلوی آنهاست و موج سوم مشخصاً حرکت بیشتری نشان خواهد داد. تصاویر 1-4 در درس سوم حرکتها را در موجهای 1,3,5، A و C شرح می دهد.

برای توضیح بیشتر سه پاراگراف اول می توان گفت: این چند قانون ساده از تفسیر حرکت امواج است. یک رفتار حاکم بر امواج را قانون می گوئیم. بنوعی چاره ای نیست که مشخصات امواج را خطوط راهنما بنامیم. خطوط راهنما اطلاعات حرکات امواج هستند که شامل کوتاه سازی، تناوب، یکسانی، کانالیزه کردن، خصوصیات و سهم آنها در ارتباطات بین امواج می باشند. این موضوع در درس 24 از این دوره بحث خواهد گردید. یک قانون نباید هرگز نقض گردد. ایجاد کنندگان قوانین در سالهای زیاد از کار با الگوهای بیشمار آنها را پیدا کرده اند. بعنوان مثال در درجه Subminuette وقتی تمام قوانین و خطوط راهنما نشان دهنده شکست قانون بودند تحلیلگران مسیر شکست قانون را جزء به جزء دنبال نموده و قانون جدیدی از اصل امواج را یافتند. این قوانین ابزار بسیار قوی و صحیحی است که ما در این بحث وسیع تشریح خواهیم کرد.

2.2 گسترش

بیشتر حرکتها دارای چیزی است که الیوت آن را گسترش می خواند. گسترشها کشیده شدن با یک موج فرعی هستند. بیشتر موجهای حرکت (سیکلهای حرکت) شامل تنها یک گسترش در درجه رو به جلوی خود هستند (ترجمه: یکی از سه موج 1,3,5 با یک گسترش ساخته می شوند) هر وقت، یک موج با بخشی فرعی (سیکل از درجه پایینتر) گسترش داده شود آن گسترش از نظر دامنه و مدت زمان در محدوده چهار موج دیگر حرکت خواهد بود. ترجیحاً این 9 موج را بصورت 5 تایی عددگذاری می نمائیم. در یک 9 موج متوالی خیلی سخت می توان گفت که کدام موج گسترش یافته است. هر چند این موضوع بی ارتباط به سیستم الیوت

بوده و عدد گذاری 9 تایی یا 5 تایی یک مفهوم تکنیکال را دارند. در شکل 5-1 تصویر گسترش توضیح داده شده است.

حقیقت این است که از خصوصیات گسترشهاست که فقط یک موج گسترش یابد و راهنمایی دیگر طول حرکت رو به جلوی موجهاست. بعنوان مثال اگر اولین و سومین موج دارای طول یکسان هستند، پنجمین موج دارای طولی مشابه خواهد بود. (در موجهایی از درجه اصلی، گسترش یک الگوی 5 تایی با یک Volume زیاد تأیید می شود. بحث Volume در درس 13 خواهد آمد) بنوعی دیگر اگر موجی سه طول داشته باشد، پنجمین موج باید دارای ساختار ساده و یک موج را تولید کند.

در بازار سهام، بیشتر گسترشها در موج سوم اتفاق می افتند. این حقیقت دارای اهمیت خاص است و قتیکه در ارتباط با دو قانون از حرکت امواج مطرح می شود: موج سوم هرگز کوتاهترین موج نمی باشد و آنکه موج چهارم هرگز وارد محدوده موج اول نمی گردد. برای وضوح اجازه دهید ما دو شماره گذاری نادرست را در وسط یک موج در شکلهای 1-6 و 1-7 نشان دهیم. در تصویر 1-6 موج چهارم وارد محدوده موج اول شده است. در تصویر 1-7 موج سوم کوتاهتر از موج اول و پنجم می باشد. مطابق قوانین هیچکدام از این شماره گذاریها مورد قبول نیست. یکبار دیگر موج سوم غیر قابل پذیرش است. و باید بصورت صحیح شماره گذاری شود. در حقیقت تقریباً همیشه طبق شکل 1-8 شماره گذاری و گسترش موج سوم را انجام می دهند. در عادت خود برای شماره گذاری گسترش سه موج مردد نشوید. تمرین این مسئله را روشن می سازد و همچنین ما در درس 14 این بحث از اصل امواج را تشریح خواهیم کرد. شکل 1-8 ممکن است راهنمای مفیدی برای شماره گذاری موجهای حرکت در زمان واقعی (زمان شکل گیری الگو) در این دوره باشد. گسترش ممکن است در گسترشهای دیگر اتفاق بیافتد، مثلاً در بازار سهام، سومین موج از یک گسترش موجها، بنوعی خود یک گسترش باشد در نتیجه یک نمودار همانند آنچه در شکلهای 1-9 و 1-10 تصویر گردیده یک 5 موج گسترش یافته از 5 موج گسترش را نمایش می دهد. گسترش های 5 موج در حرکت صعودی بازار بسیار کمیاب هستند در درس 28 این موضوع را تشریح می کنیم.

2.3 کوتاه سازی

الیوت برای تشریح حالتی که 5 موج از میزان موج سوم بیشتر پیشروی ننماید از لغت و اماندگی استفاده نمود. ما ترجیح می دهیم در طول این دوره از کوتاه سازی یا 5 تایی ناقص استفاده نمائیم. یک کوتاه سازی معمولاً می تواند با فرض 5 موج بدون الزام به ادامه مسیر توسط موج پنجم تشکیل شود. مانند تصاویر 1-11 و 1-12 کوتاه سازی اغلب با یک موج سوم بسیار قوی اتفاق می افتد.

دو مثال در بازار سهام آمریکا از درجه بزرگ پس از سال 1932 بوجود آمده است. اولین بار در اکتبر 1962 در زمان بحران کوبا (شکل 1-13) که در آن موج سوم شکسته شده است. دومین بار در پایان سال 1976 (شکل 1-14) که در آن صعود یک موج (3) بزرگ، از اکتبر 1975 تا مارچ 1976 را بخود اختصاص داده است

درس سوم

- 3.1 مثلثهای قطری

یک مثلث قطری یک الگوی حرکت است که هنوز عکس العمل خود را ظاهر ننموده ، همچنان این یکی از خصوصیات اصلاح کننده می باشد. مثلثهای قطری ساختار موج در یک محل خاص را تعویض می نمایند. بطوریکه با حرکت خود ، مسیر سابق را دنبال نمی کنند و سومین موج هرگز کوتاه تر از بقیه نیست. بهر حال مثلثهای قطری تنها یک ساختار 5 موجه در مسیر روند اصلی می باشند که موج چهارم همیشه حرکتی در محدوده حرکت موج اول دارد. بندرت یک مثلث قطری ممکن است در پایان یک کوتاه سازی اتفاق بیافتد اگر چه در تجربه ما هر کوتاه سازی فقط در حاشیه های کوچک رخ می دهد.

پایان قطری

همانطور که الیوت تعبیر کرده است ، هر پایان قطری یک نوع ویژه از موج اصلی است که در موقعیت 5 موج ، وقتیکه حرکت قبلی بسیار سریع و بسیار طولانی بوده باشد اتفاق می افتد. درصد بسیار کوچکی از پایان های قطری در موج C از سری موجهای a-b-c در دومین یا سومین سه تایی ظاهر می شوند (این بخش در درس 9 بیشتر تشریح خواهد شد). آنها فقط در موج پایانی C دیده می شوند با این همه آنها در نقاط پایانی از الگوهای بزرگ پدیدار شده و نشان دهنده خستگی یک روند بزرگ می باشند.

پایانهای قطری یک شکل گوه مانند با دو خط همگرا ساخته ، هر زیر موج آنها شامل موجهای 3، 1، 5 بوده و هر کدام به سه زیر موج فرعی تقسیم و یک موج یکدست را پدید می آورند. شکل 1-15 و 1-16 پایانهای قطری که نوعی موقعیت در یک موج حرکتی بزرگ است را به نمایش گذارده اند. ما در یک مورد الگوی مرزی را یافتیم که واگرا بودند. یافت یک گسترش واگرا یک استثناء می باشد. بهر حال وجود چنین مواردی از نظر تجزیه و تحلیل خوش آیند نیست با آنکه سومین موج ، حرکت کوتاهتری نموده و الگو بزرگتر از نرمال بود و تفسیرهای دیگری امکان پذیر بود بهمین دلایل ما انرا یک دگرگونی بحساب نیاوردیم

- 3.2 قطریها

پایانهای قطری در این اواخر در درجه Minor در سال 1978 و در درجه Minute در فبریه تا مارس 1976 و در درجه Subminuette در ژوئن 1976 اتفاق افتاده است. شکل 1-17 و 1-18 دو مورد را نشان می دهد که یکی بالا رونده و دیگری پایین رونده و حقیقی می باشند. شکل 1-19 وقوع واقعی یک مثلث قطری را نشان می دهد. نکته مهم در تمام اینها تغییر در پی گیری مسیر است اگر چه در مثالهای شکل 1-15 و 1-16 نیست ، موجهای پنجم از مثلثهای قطری اغلب پایان یک جهش هستند. برای مثال خط روند را در پایان موجهای اول و سوم قطع می کنند. شکل 1-17 و 1-19 یک مثال واقعی از این موضوع می باشد. در صورتیکه volume در حال کاهش در مثلث قطری می باشد ، پایان الگو با یک افزایش نسبی در volume زمانیکه جهش رو به بالا اتفاق می افتد ، همراه است. و بندرت زیر موج پنجم

خط رزیستنس را قطع نمی نماید.

یک صعود قطری یک نزول سریع است که همیشه پس از یک سقوط سریع با بازگشت به نقطه اول پی گیری می شود. یک سقوط قطری یک اوج گیری سریع است که معمولا پس از یک حرکت رو به بالا نزول می کند. برای توضیح بیشتر موج پنجم ، موج های پنجم قطع کننده و پایان دهنده مثلث قطری بوده و جمعا نشانه برگشت هیجانی به امتداد مسیر و اشاره به تغییر در درجه های مختلف و در هم آمیختن شدت موج های بعدی در مسیر مخالف است.

3.3- هدایت قطریها

وقتی مثلثهای قطری در موقعیت موج 5 یا 3 اتفاق می افتد ، آنها الگویی را که الیوت تشریح کرده بشکل 3-3-3 می سازند. اگر چه روشن شده است که تغییر در این الگو بعضی از اوقات در موقعیت موج اول از حرکت در موقعیت موج A از زیگزاگها ظاهر می شوند. مشخصه اینحالت تداخل موج اول و چهارم و همگرایی خط های مرزی در داخل یک شکل گوه مانند و در یک مثلث قطری می باشد .

اگرچه بخشهای فرعی یا زیر موجها متفاوت بوده و یک الگوی 5-3-5-3-5 را ترسیم می نمایند. ساختار این الگو (در شکل 1-20) در قوانین اصل امواج اتفاق می افتد که حرکت بزرگ به 5 موج تقسیم و حرکت در جهت مخالف با سه موج پایان قطری را می سازد. تحلیلگران باید مراقب این موضوع باشند که این الگو برای بیشتر توسعه های معمولی شامل یکسری موجهای اولیه و ثانویه ، بدون خطا می باشد . کلید اصلی شناخت این الگو کندی مشخص تغییر قیمت موج پنجم نسبت به موج سوم می باشد. در مقایسه پیشرفت موجهای اول و دوم ، سرعت در دو دوره کوتاه افزایش یافته عرض اغلب پهن می گردد(بعنوان مثال تعدادی از سهام شرکتها ویا زیر شاخه های آنها)

شکل 1-21 یک مثال واقعی از یک هدایت مثلث قطری را نشان می دهد. این الگو بوسیله ار.ان.الیوت کشف نگردیده بود اما فراوانی پیدایش این الگو انقدر بوده است که در مورد اعتبارش ماراقانع سازد

3.4- موجهای اصلاح کننده

حرکت بازار بر خلاف روند از درجه بزرگتر از خود ، یک ستیز است. ستیز در یک روند بزرگ از تشکیل یک ساختار حرکت تمام رو به جلو ، جلوگیری می نماید. این ستیز بین دو روند متضاد ، موجهای اصلاح کننده از درجه کوچکتر را، اشکار و قابل شناسائی می سازد ، که همیشه باسانی بامقایسه با روند اصلی شناخته می شوند. و نتیجه دیگر این ستیز بین روندها ، در واقع موجهای اصلاحی با مسیر متفاوت بعنوان بخشی از موجهای حرکت می باشد. بعلاوه ، بعضی اوقات آنها افزایش یا کاهش در پیچیدگی یا به عبارتی ، زیر موجهای تکنیکی از درجه ای که می تواند پیچیدگی آنها یا طول زمانشان ، آنها را در درجه دیگری قرار دهد ، را اشکار سازند. به همه این دلایل ، شناسائی آنها در موجهای اصلاح کننده الگو می تواند، تا وقتی که آنها کامل نشده اند و پشت سر هم قرار نگرفته باشند ، سخت باشد. در پایان ، موجهای اصلاح کمتر از موجهای حرکت قابل شناسائی می باشند. تحلیلگران الیوت باید تمرین و هوشیاری بیشتری در انالیز بازار ، زمانیکه یک حالت

اصلاحی پیچیده وجود دارد، نسبت به زمانیکه قیمتها در یک روند مداوم رو به جلو هستند، داشته باشند. یک قانون خیلی مهم که از مطالعه اصلاح کننده ها در الگوهای گوناگون نتیجه گرفته شده، نشان می دهد هرگز اصلاح کننده ها 5 تایی نیستند و فقط موجهای حرکت رو به جلو 5 تایی می باشند. بهمین دلیل، یک 5 موج اولیه در حرکت مخالف روند اصلی، پایان یک اصلاح نیست و فقط بخشی از آن است. تصاویری که در طول درس 9 این دوره ارائه می شود این مبحث را تشریح خواهد نمود.

مرحله اصلاح در دو ساختار پدیدار می شود. اصلاحهای سریع، که زاویه ای مخالف روند اصلی می سازند. و اصلاحهای Sideway، که همیشه یک پی گیری اصلی از موج قبلی یا بنوعی بازداشتن حرکت یک موج و برگشت به نقطه اول، و بدین معنی که از مجموعه آنها حرکت های Sideway پدیدار می گردند. این مبحث از معیارها در درس 10 بتفصیل ارائه خواهد گردید.

الگوهای ویژه بازگشتی در چهار دسته اصلی گروه بندی می گردند:

زیگزاگها (5-3-5، در سه گونه: یک مرحله، دو مرحله، سه مرحله)

مسطح ها (3-3-5، در سه گونه: عادی، بسط یافته، و مداوم)

مثلث ها (3-3-3-3-3، در چهار گونه: سه گونه ان(صعود کننده، نزول کننده، و متقارن) و یک نوع ان توسعه یافته (برگشت متقارن)

3.5 زیگزاگها

یک زیگزاگ تنها در یک بازار صعودی یک الگوی کاهشی سه موجه ساده می باشد که با A - B - C علامت گذاری می گردد. ترتیب بندی زیرموجها 5 - 3 - 5 است و بطور محسوسی انتهای موج B پایینتر از موج A قرار می گیرد، تصاویر 1-22 و 1-23 این موضوع را نشان می دهند

در یک بازار کاهشی، یک اصلاح برگشتی در جهت مخالف، چنانکه در شکلها 1-24 و 1-25 نشان داده شده، تشکیل می شود. اغلب برای شناسائی، یک زیگزاگ در یک بازار افزایشی بصورت یک زیگزاگ معکوس شده یا قرینه زیگزاگ قبلی است

بعضی اوقات زیگزاگها دوبار یا سه بار متوالی اتفاق می افتند، مخصوصا وقتی که اولین موج، بازگشت نرمال یا کوچکتري داشته است. با این حقیقت، هر زیگزاگ بوسیله تولید یک فاصله سه تایی جدا می شود که زیگزاگ دوگانه یا سه گانه خوانده می شود. (شکل 1-26 را ببینید). این شکلها شبیه توسعه یک موج عکس العمل (بازگشت) می باشد که معمولا کم پیش می آید.

در حقیقت در استاندارد و لیست سهام 500 (ترجمه Stock 500: یکی از سهامهای بورس امریکا) رخداد ان در ژانویه 1977 تا مارس 1978 که می توان گفت یک زیگزاگ دوگانه می باشد را می بینیم. (شکل 1-27 را ببینید). می توان اصلاح در سهام Dow (ترجمه: یک گروه مهم از سهام امریکا) را از ژولای تا اکتبر 1975 که با برگشتها یش، زیگزاگهای متوالی دوگانه را بنمایش گذاشته است، را دید، که موجهای چهارم بندرت اتفاق می افتد. (شکل 1-28 را ببینید)

ار. ان. الیوت زیگزاگهای دوگانه و سه گانه را نامگذاری و سه تائیهای دوگانه و سه گانه) در بخش های بعدی خواهد آمد) را مختصرنویسی نموده ، او حرکتهای واسط را با موج X علامت گذاری نموده بود. چنانکه اصلاحهای دوگانه را با $A-B-C-X-A-B-C$ نامگذاری نموده است.

متاسفانه این علامت گذاری نامناسب از نظر درجه ، دارای زیرموجهایی از هر الگوی ساده بوده است. آنها در حقیقت نامگذاری درجه ای کوچکتر از برگشت درست بود . آنها دو درجه کوچکتر هستند. ما این مشکل را بوسیله شیوه نمادسازی رفع کردیم. برچسب گذاری متوالی اجزای موجهای برگشت دوگانه و سه گانه را Z, Y, W می نامیده چنانکه در الگو ، بصورت متوالی (W, X, Y) یا (W, X, Z) علامتگذاری می گردد. حرف W حالا اولین الگوی برگشتی را در یک برگشت دوگانه یا سه گانه مشخص می نماید ، Y دومین و Z سومین برگشت سه گانه را نشان می دهد. هر زیر موج از انجائیکه (مانند A, B یا C بعلاوه D یا E از یک مثلث - در بخش های بعدی خواهد آمد) حال می دانیم دو درجه کوچکتر از برگشت اصلی می باشد. هر موج X یک موج واکنشی بوده و بدین دلیل همیشه یک موج اصلاح کننده است. یا بعبارت دیگر بنوعی یک زیگزاگ است.

درس چهارم

4.1 - مسطح ها (3-3-5)

یک اصلاح مسطح با یک زیگزاگ که دارای زیرموجهای 3-3-5 باشد ، متفاوت است ، همانگونه که در شکل 1-29 و 1-30 نمایش داده شده. تا زمانیکه در اولین حرکت ، موج A قدرت حرکت رو به پایین با 5 موج راندارد ، یک زیگزاگ است. تعجب اور نیست که موج عکس المعل B قدرت برگشت را نداشته و تا نزدیکی شروع موج A باز می گردد. موج C در بازگشت ، معمولا حرکت خود را در محدوده پایان موج A یا کمی دورتر پایان می دهد.

در بازار نزولی ، الگو تقریبا معکوس می گردد. شکل 1-31 و 1-32 این موضوع را نشان می دهد. برگشتهای مسطح معمولا زیگزاگ امواج سابق را کمتر دنبال می کنند. آنها علامت درگیری یک روند بزرگ و قوی و مقدمه یا پیرو یک گسترش هستند. افزایش قدرت روند باعث پایان یافتن روندهای مسطح میشود. معمولا در داخل عکس العملها ، چهارمین موج وقتی که دومین موج کوچک باشد مسطح ها را تکرار می کند. چه رخدادی را ممکن است دو مسطح بنامیم . بهر حال الیوت این فرمها را در دو سه تایی دسته بندی کرده است. ما این موضوع را در درس 9 بحث خواهیم کرد.

لغت مسطح برای یک $A-B-C$ که دارای زیر موجهای 3-3-5 باشد مورد استفاده قرار می گیرد. هر چند در فرهنگ الیوت سه نوع از تصحیهای 3-3-5 با ساختارهای مختلف شناسائی شده است. در یک تصحیح عادی ، موج B در محدوده آغاز موج A پایان می یابد و موج C در پایان موج A یا مقدار جزئی پس از آن تمام می شود. و ما این فرمها را در تصاویر 1-29 تا 1-32 می بینیم. بجز فرمهای عادی ، توسعه های مسطح فرمهای دیگری نیز دارند که شامل یک افزایش قیمت که مقدم بر یک موج عکس العمل است، می باشد.

الیوت این دگرگونی بی قاعده را مسطح خواند، اگر چه لغت بی ربطی است و آنها بسیار معمولی تر از مسطح ها هستند

-توسعه مسطح ها

در توسعه مسطح ها موج B از الگوی 3-3-5 در بعد از نقطه شروع موج A و موج C در نقطه ای پس از پایان موج A پایان می پذیرد. این موضوع در تصاویر 1-33 و 1-34 برای یک بازار افزایشی (روند رو به بالا) و در تصاویر 1-35 و 1-36 بای بازار کاهشی (روند رو به پایین) نشان داده شده است. ارایش بازار معدل صنعتی داو جونز (Dow Jones Industrial Average = DJIA) در ماه های اگوست تا نوامبر 1973 یک اصلاح مسطح توسعه یافته از نوع بازار نزولی، یا یک مسطح توسعه یافته معکوس را تشکیل داده است.

در بعضی حالت های نادر الگوی 3-3-5، موج B مانند مسطح گسترده پس از نقطه شروع موج A پایان می پذیرد اما موج C در حرکت خود از نقطه پایان موج A نمی گذرد و کمی قبل از آن پایان می پذیرد که انرا مسطح جاری می نامیم. تصاویر 1-38 تا 1-41 این موضوع را نشان می دهند. نیروها در یک روند بزرگ همان چیزی هستند که الگوها را ایجاد می کند. این مهم است، وقتی یک مسطح جاری ایجاد می گردد که بخش های فرعی داخلی طبق قوانین الیوت قرار گرفته باشند. بعنوان مثال اگر موج B بجای سه موج به پنج موج تبدیل شود، نگاه بیشتر شبیه یک 5 موج عکس العمل از یک درجه بزرگتر می باشد. قدرت موجهای عکس العمل در تشخیص اصلاحهای مداوم مهم می باشد که تنها در بازارهای قوی و سریع رخ می دهد. اینجا یک هشدار لازم است، ما بزحمت چند نمونه از این اصلاح را در ثبت قیمتها یافته ایم. پس هرگز یک موج اصلاحی را با این شیوه قبل از پایان الگو شماره گذاری نکنید، وگرنه از هر 10 بار، 9 بار را بخطا شماره گذاری می کنید. در عوض مثلتهای مداوم بسیار عمومیت بیشتری دارند. ما این موضوع را در درس 8 خواهیم دید

- مثلثها

مثلثها ظهور و بازتاب موازنه نیروها هستند. ایجاد یک حرکت SideWay معمولاً از ترکیب کاهش volume، و تغییرات ایجاد می گردد. مثلثها معمولاً دارای 5 موج اورلپ شده بوده (ترجمه): overlap رویهم افتادن موجها) که دارای زیر موجهای 3-3-3-3-3 و a-b-c-d-e می باشند. یک مثلث از اتصال نقاط پایانی a,c و b,d بیکدیگر تشکیل می شود. موج e می تواند در بالا یا پایین خط a-c پایان پذیرد، تجربه نشان داده که در بیشتر موارد عبور موج e از خط a-c اتفاق نمی افتد. دو گونه مختلف از مثلثها وجود دارد: انقباضی و گسترده. سه نوع مثلث انقباضی وجود دارد: متقارن، صعودی و نزولی که در شکل 1-42 نمایش داده شده است. در مثلثها نوع نادر و کمیاب وجود ندارد و همیشه با همان الگوها و متقارنهایشان که در شکل 1-42 نشان داده شده ظاهر می گردند.

شکل 42-1 نشان دهنده مثلثهای انقباضی و فضای عملکرد قیمت در آنهاست، که ممکن است آنها را مثلثهای با قاعده بخوانیم. بهر حال، این خیلی مهم است که موج b از موج a در یک مثلث انقباضی عبور کرده و موج a شروع یک مثلث گسترده باشد. این موضوع در شکل 43-1 آمده است با وجود این آنها بصورت (SideWay ترجمه: حرکت مستقیم بازار) ظاهر می شوند. همه مثلثها زیرگروه مثلثهای مداوم هستند و نتیجه اصلی موجهای قبلی موج پایانی e می باشد

4.4 مقاله‌ی مثلث

حال چند مثال از تشکیل مثلثها در چارتهای را در این دوره بیان می کنیم. چنانکه می دانید، زیرموجها در یک مثلث، زیگزاگها هستند، اما بعضی اوقات یک زیر موج (مثلا موج C) بیشتر از بقیه، فرمهای پیچیده بخود گرفته و شکلهای عادی یا گسترده، یا زیگزاگهای تودرتو را می سازد. در موارد کمیاب یکی از زیر موجها (معمولا موج e) خود تولید یک مثلث را می نماید چنانکه یک الگوی 9 موجه کامل را تولید می کند. بنابراین مثلثها نیز شبیه زیگزاگها گاهی اوقات مثلثهای متشابه و متوالی را تولید می کنند، یک نمونه در بازار نقره در 1973 تا 1977 اتفاق افتاده است

اگر چه به احتمال قوی این اتفاق نادر در موج دوم برای تشکیل یک فرم مثلثی ظاهر می گردد، اما مثلثها تقریبا همیشه در یک موج عملکرد نهایی در الگوی از یک درجه بالاتر ظاهر می شوند، بعنوان مثال هنگامیکه موج چهارم در یک برگشت، مانند موج B در یک $A-B-C$ یا موج پایانی X در یک زیگزاگ دوگانه یا سه گانه یا در یک اتصال باشد را عنوان نمود. (که در درس 9 توضیح داده خواهد شد) یک مثلث همچنین ممکن است در یک الگوی عملکرد پایانی در یک اصلاح ترکیبی تشکیل شود، بعنوان مثال در درس 9 خواهیم گفت، یک مثلث همیشه قبل از موج نهایی در الگویی از درجه بزرگتر، در حالت اصلاح ترکیبی خواهد بود.

در بازار سهام، وقتی یک مثلث در موج چهارم اتفاق می افتد، در موج پنجم گاهی پرسرعت بوده و بخش زیادی از مثلث را می پیماید. الیوت از لغت پرتاب در اشاره به این قضیه استفاده می کند، موجهای حرکتی کوتاه ساخت مثلث را پی گیری می نمایند. پرتاب معمولا یک عکس العمل است، اما می تواند یک پایان قطری باشد. در بازارهای نیرومند، پرتاب وجود ندارد، اما در عوض یک موج پنجم طولانی خواهد داشت. بنابراین اگر یک موج پنجم ادامه دهنده یک مثلث پرفشار باشد، دارای یک نیرو و فشار معمولی خواهد بود، این احتمالا علامت یک موج بلند است. پس از مثلث، یک عکس العمل قوی از درجه بالا یا یک موج طولانی در ادامه خواهد آمد، توضیحات بیشتر در درس 29 داده خواهد شد.

شواهد تجربی ما از مثلثها بطور مثال در شکل 15-3 نمایش داده شده است. بنظر ما بسیاری اوقات محل تلاقی خطوط مرزی یک مثلث فشرده با یک دو راهی در بازار همراه است. تعداد زیاد این رخداد قرار دادن آنها در ردیف معیارهای اضل امواج توجیه می نماید

هنگامیکه کلمه افقی برای مثلثها بکار می روند، اشاره به ساخت مثلثهای اصلاحی می نمایند، در حالیکه بر خلاف آن هنگامیکه کلمه قطری استفاده می شود اشاره به ارایش مثلثهای حرکتی می کند. این موضوع

دردرس 5 بحث خواهد شد. پس بکار بردن مثلثهای افقی و مثلثهای قطری تفکیک این دو ویژگی آنها در اصل امواج است. برای ساده کردن تحلیلگران ممکن است از لغتهای **triangle** یا مثلث و **wedge** یا گوه بجای یکدیگر استفاده کنند. اما بخاطر داشته باشید که مطالعه کنندگان تکنیکال چارت، مدتهاست که از این لغتها به یک منظور استفاده می نمایند. تفاوت گذاشتن برای این دو می تواند مفید باشد

درس پنجم

5.1 - ترکیبهای اصلاح

سه تاییهای دوگانه و سه گانه الیوت ترکیبهای (SideWay ترجمه: حرکت مستقیم بازار) (الگوی اصلاحی را سه تایی های دوگانه و سه گانه نامند. که یک سه تایی ساده از هر زیگزاگ یا مسطح یا مثلث را شامل می شود، یک مثلث ترکیبی از این مفهوم شناخته می شود (ترجمه: لطفا شکل 1-42 و 1-43 را ببینید) یک سه تایی دوگانه یا سه گانه ترکیبی از نوع ساده اصلاحها هستند که نوعهای مختلفی از زیگزاگها، مسطح ها و مثلثها می باشند. آنها در موجهای اصلاحی مسطح از ادامه حرکت SideWay دیدار می گردند. برای نمونه هر زیگزاگ دو گانه یا سه گانه، هر الگوی اصلاحی ساده با حروف W، Y و Z نامگذاری می گردند. موجهای واکنشی با علامتگذاری X، می توانند هر الگوی اصلاحی را داشته باشند اما عموماً آنها زیگزاگها هستند.

در زمانهای مختلف ترکیبهای سه تایی ترکیبهای سه تایی علامتگذاریهای مختلفی توسط الیوت داشته اند، اگر چه همانطور که در شکلهای 1-45 و 1-46 می بینید، ارایش الگوها همیشه ترکیبی از سه مسطح بوده است. بهر حال ترکیب الگوها عموماً یک در میان قرار گرفته اند. برای مثال یک مثلث پس از یک مسطح قرار گرفته و همانطور که در شکل 1-47 را می بینید، یک سه تایی دوگانه را می سازد (ترجمه: بنظر یک سه تایی سه گانه را ساخته است).

در مثال بعدی یک مسطح توسط یک زیگزاگ پی گیری شده است که این موضوع در شکل 1-48 آمده. بدیهی است، این شکل بخش از یک بازار افزایشی را نمایش می دهد. این شکل فقط نیاز به معکوس کردن دارد تا یک بازار کاهشی را نمایش دهد.

در بیشتر موارد، سه تایی های دوگانه و سه گانه دارای خاصیت افقی هستند. الیوت اشاره کرد بود که ارایشهای مورب بر خلاف روند اصلی می توانند صحیح باشند. اگر چه ما هرگز چنین موردی را نیافتیم. به یک دلیل هرگز بیش از یک زیگزاگ در ترکیبها ظاهر می شود. همانطور که بیش از یک مثلث ظاهر نمی شود. بیاد بیاورید که مثلثها در پایان یک حرکت از روند بزرگ ظاهر می شوند. ظهور ترکیبها این موضوع را تأیید می کنند و فعالیت مثلثها فقط در موج پایانی در یک سه تایی دوگانه یا سه گانه می باشد

5.2 - معیارهای آرایش موجها

اگر چه نکات ظریف و مختلفی در ترکیبهای روند SideWay ساخته می شوند، همانگونه که الیوت در قانون اصلی خود زکر کرده است، زیگزاگها دوگانه و سه گانه را می توان در ترکیبهای غیر افقی شناسایی نمود.

بهر حال نه تنها در ساخت فرمها بلکه در حرکت رو به مقصد سه تایی های دوگانه و سه گانه با زیگزاگهای دوگانه و سه گانه تفاوت دارند ، در یک زیگزاگ دوگانه یا سه گانه ، اولین زیگزاگ بندرت قدرت ساخت یک اصلاح قیمتی از اصل امواج را داراست. حرکتی دوتا سه برابر لازم است تا یک تغییر قابل پی گیری در قیمت مشاهده گردد. بهر حال در یک الگوی ساده اغلب یک بازگشت قیمتی کافی تشکیل می گردد. دوگانه و سه گانه ها از طولانی شدن مدت مرحله اصلاحی ، پس از آنکه مقصدهای قیمتی در واقع ملاقات گردیدند ، تولید می گردند. بعضی اوقات وقت بیشتری نیاز است تا بازار مسیری را در پیش رو گرفته یا حرکت قدرتمندی را با الگوهای اصلاحی دیگر در یک موج انعکاسی تولید نماید. چنانچه تقویت ادامه یابد ، دوانشناسی بازار و فاندمنتال های دیگر روندها را تولید و ادامه می دهند.

برای روشن تر شدن این بخش ، یک اختلاف کیفی بین سریهای $3+4+4+4+...$ و $5+4+4+4+...$ وجود دارد. توجه داشته باشید که تمام موجهای عکس العمل دارای یک موج شمارش از 5 ، با افزودن 9 ، 13 یا 17 موج هستند ، و همچنین موجهای اصلاحی یک شمارش از سه به علاوه 7 ، 11 یا 15 موج هستند. همچنین ، مثلثها دارای یک استثنا می باشند. اگر چه آنها را یک سه تایی سه گانه با n موج نیز می توان پنداشت. بنابراین اگر یک شمارش داخلی نامشخص باشد گاهی اوقات تحلیلگران می توانند با شمارش امواج به نتیجه معقول برسند. برای نمونه یک شمارش از 9 ، 13 یا 17 با چند اورلپ (ترجمه : روی هم افتادن یا به عبارتی تداخل فضای قیمتی امواج را اورلپ می گوئیم.) شبیه یک حرکت بوده و هر شمارش از 7 ، 11 یا 15 با تعداد نامحدودی اورلپ (ترجمه : روی هم افتادن یا به عبارتی تداخل فضای قیمتی امواج را اورلپ می گوئیم.) شبیه یک اصلاح می باشد. استثناءهای اصلی مثلثهای قطری از هر دو نوع می باشد که پیوندی از حرکت و اصلاح می باشند.

ماکزیم منیم های درست

گاهی اوقات پایان الگو با حداکثرهای قیمت متفاوت است. در چنین مواردی پایان الگو را ماکزیم منیم های درست می گوئیم. این بدین منظور است که تفاوتی بین بالا و پایین های واقعی قیمت و آنچه در داخل الگو اتفاق می افتد قائل باشیم. برای مثال در تصویر 1-11 پایان موج پنجم یک ماکزیم واقعی است اما در حقیقت موج سوم بالاترین قیمت را تولید نموده است. در تصویر 1-12 موج پنجم یک پایین واقعی است. در تصاویر 1-33 و 1-34 نقطه شروع موج A ماکزیم درست در یک بازار افزایشی می باشد ، با وجود آنکه موج B بالاتر از آن قرار گرفته است. در تصاویر 1-47 پایان موج Y یک مینیمم درست در بازار نزولی است با اینحال پایینترین قسمت پایان موج W می باشد.

این مفهوم بسیار مهمی است بدلیل آنکه یک تحلیل موفق با علامتگذاریهای درست انجام می گردد. اینکه ماکزیم منیم های قیمت درست در شروع موج باشند بعضی اوقات یک ادعای درغین است. نگران نباشید تا وقتیکه اطلاعات در خصوص مفرات رفتار موج وجود دارد شما گمراه نخواهید شد. ضمناً در موقع استفاده

از مفاهیم پیش بینی ها که در درس 20 معرفی خواهند شد نیز به خطا نخواهید رفت. طول و مدت یک موج و نقاط پایانی درست بوسیله طرح ریزی و اندازه گیری تعیین می گردند.

5.3 - تطبیق دادن عملکرد و اسلوب

در درس 3 و 4، ما دو عملکرد احتمالی امواج (عمل و عکس العمل)، و دو حالت احتمالی از توسعه ساختاری (حرکت و اصلاح) را، بحث نمودیم. ما این مواد را بطور خلاصه در زیر عنوان بندی می کنیم:

- برچسب (شمارش) برای موجهای عمل 1، 3، 5، A، C، E، W، Y، Z هستند.

- برچسب (شمارش) برای موجهای عکس العمل 2، 4، B، D، X هستند.

همچنین بزودی توضیح خواهیم داد که همه موجهای عکس العمل، توسعه ای از حالت اصلاح بوده و بیشتر امواج عمل، توسعه ای از حالت حرکت هستند.

و قبل از آن، حالتی که موجهای عمل، توسعه ای از حالت اصلاح باشند را شرح می دهیم:

- موجهای 1، 3، 5 در یک پایان قطری.

- موج A در یک اصلاح مسطح.

- موجهای C، A و E در یک مثلث.

- موجهای W و Y در زیگزاگهای دوگانه و اصلاحهای دوگانه.

- موج Z در زیگزاگهای سه گانه و اصلاحهای سه گانه.

بدلیل آنکه فهرست موجهای بالا یک عمل در جهت مخالف و در عین حال توسعه یک حالت اصلاحی هستند، ما آنها را موجهای عمل اصلاحی می نامیم.

بطوریکه می دانیم، ما لیستی از تمام ارایشهای امواج که می توانند در حرکت قیمت، در بازار پهناور سهام تشکیل گردند را در اختیار داریم و ارایشی رخ نمی دهد که در لیست ما نباشد. برآستی از انجائیکه مطالعه

چارتهای ساعتی تقریباً نزدیک درجه Subminutte و از نظر جزئیات فیلتر شده هستند، تحلیلگران می

توانند بدون مثال موجهای بالا را از درجه Subminutte، که در متد الیوت تا به حال شناسائی نشده باشند

، بیابند. در حقیقت، موجهای الیوت کوچکتر از Subminutte را بیشتر با چارتهای، دقیقه ای تولید کامپیوتر

شناسائی می کنند. حتی چند داده در واحد زمان در این قانون، یک درجه کافی برای بازتاب صحیح قوانین

امواج بوسیله ضبط سریع انتقالات از رفتار انسانها در میدان مبادلات ارزی ست.

همه قوانین (که در درسهای 1 تا 9 پوشش داده شده) و معیارها(که در درسهای 1 تا 15 آمده) اساساً در

حالت بازار واقعی بکار می رود، هیچ ثبت ثانیه ای یا کمتر از آن وجود ندارد. این توضیحات اشکار کننده ی

الزامات مطلق در قیمت بازار است. وقتی قیمتها توسط سیستم حکومتی ثابت می گردند، همانگونه که برای

طلا و نقره در قرن بیستم اتفاق افتاد، موجها توسط قانون حبس شده و اجازه ثبت ندارند. وقتی قیمت ثبت

شده متفاوت از قیمت بازار است، قوانین و معیارها باید با دقت مطرح گردند. البته در طولانی مدت، بازارها

بر قوانین چیره می گردند ، و قوانین تنها اگر بازار اجازه دهد امکان اجرا خواهند یافت. حال که ما قوانین و مقدمات امواج را آماده نموده ایم ، می توانیم انالیزهای موفق و معیارها را در اصل امواج آغاز نمائیم.

5.4 معیارهای تناوب

معیارهای موجود در درس 10 تا 15 ارائه و توضیح در خصوص یک بازار صعودی می باشد. بجز جایی که که مخصوصا مستثنی شده باشد.

تناوب

همیلتون بولتون توضیح می دهد . معیارهای (ترجمه : قوائد راهنمائی کننده) تناوب بسیار گسترده و پر استفاده بوده و همیشه تحلیلگران چشم انتظار دیدن تفاوتی در تشکیل بعدی موجهای مشابه هستند. گناه نویسنده نیست که تناوبها از نظر نوع موج به فرمهای بسیار زیادی دسته بندی می گردند. اما تکرار بسیار زیادشان به اندازه کافی نشان داده که شخص باید منتظر خلاف ان باشد. بااینکه تناوبها دقیقا نمی گویند چه اتفاقی در حال رخ دادن است ، اما اطلاعات با ارزشی میدهند که منتظر چه چیزی نباید بود و بخاطر داشتن انها در زمان تحلیل ارایش موجها و تشخیص احتمال بعدی بسیار مفید هستند. این آموزش مقدماتی تحلیل که بیشتر مردم علاقمند به دانستنش هستند نیست . زیرا سرانجام گردش بازار در یک شیوه خاص که می خواهیم بگوئیم ، انجام خواهد شد. در ضمن معکوس این معیارها درست می باشد. روزی که بیشتر سرمایه گذاران شیوه دیگری را در پیش رو بگیرند ، روزی است که همه چیز کاملا عوض می گردد. اگر بخواهیم بیشتر توضیح دهیم ، باید بگوئیم الیوت در حقیقت می خواست بگوید که تناوب یک قانون مجازی بازار است.

تناوب در داخل عکس العملها

اگر موج 2 از یک عکس العمل تند و تیز باشد ، انتظار می رود موج چهارم یک اصلاح Sideway باشد و برعکس . شکل 1-2 مشخصه بیشتر عفول موجهای عکس العمل را ، در هر دو حالت صعودی و نزولی نشان می دهد ، بطوریکه معیارهای تناوب اشاره می کنند ، انها همیشه از جنس تناوب هستند (ساده ، دوگانه یا سه گانه) گاهی نیز انها سه تایی دوگانه ای هستند که بایک زیگزاگ شروع می شوند. اصلاحهای Sideway شامل مسطح ها ، مثلثها و اصلاحهای دوگانه یا سه گانه می باشند. انها معمولا شامل یک اکستریم (ترجمه : یک مینیم یا ماکزیمم (جدید قیمت می باشند. بعنوان مثال موقعیت بعد از یک پایان درست و قبل از یک موج عکس العمل را می توان گفت. در موارد نایاب ، یک مثلث با قاعده (بمعنی انکه شامل یک اکستریم جدید نباشد) در موقعیت موج چهارم از یک اصلاح سریع قرار می گیرد و نوع دیگری از الگوهای Sideway در موقعیت موج دوم تولید می گردند. معنای متناوبها در عکس العمل ها را می توان اینگونه خلاصه کرد که یکی از دو موج اصلاحی (ترجمه : 2 یا 4) شامل برگشت یا عکس العمل و موج دیگر بعکس ان خواهد بود. مثلثهای قطری تناوب را در زیر موجهای 2 و 4 نشان نمی دهند ، بنوعی هر دوی انها زیگزاگ هستند . گسترشها یک نمونه از تناوبها هستند بطوریکه طول ، موجهای حرکت را متناوب می گردانند. برای مثال اولین

موج کوتاه است و سومین موج طولانی و پنجمین موج تیز دوباره کوتاه است. ظهور دیگر تناوب این است که گسترشها که معمولا در موج سوم رخ می دهند گاهی در موج 1 یا 5 اتفاق می افتند

5.5 - تناوب در موجهای اصلاحی

اگر یک اصلاح بزرگ با یک a-b-c مسطح شروع شده تا موج A را بسازد ، انتظار تولید یک ارایش زیگزاگ a-b-c برای موج B نیز می رود (شکل 2-2 را ببینید) و بر عکس آن نیز درست است (شکل 2-3 را ببینید). با یک لحظه اندیشیدن معلوم می گردد که رخداد محسوسی وجود دارد و آن اینست که اولین بازتاب بوجود آمده یک حرکت روبه بالا در هر دو حالت ، و دومین بازتاب یک حرکت رو به پایین است کلا خیلی اوقات ، چنانکه در شکل 2-4 می بینید ، اگر یک موج اصلاحی با یک زیگزاگ ساده a-b-c موج A را شروع کند ، موج B گسترش بیشتری از یک زیگزاگ a-b-c خواهد بود ، که نوعی از یک تناوب را می سازد. و گاهی اوقات موج C همانطور که در شکل 2-5 آمده ، پیچیده خواهد بود. معکوس این حالت از پیچیدگی کمی نادر است

5.6 - پیش بینی موجهای اصلاحی

عمق موجهای اصلاحی (محدوده بازار نزولی)

هیچ روش دیگری در بازار به اندازه اصل امواج پاسخ دلپذیری به سوال چقدر احتمالا یک بازار پایین می رود؟ ، را نمی دهد.

اولین معیار (ترجمه : قانده راهنما) این است که بخصوص در چهارمین موج ، بازار تمایل در انجام حرکت در یک میزان و نسبتی از حرکت موج چهارم درجه کوچکتر ، عموما از یک level نزدیک پایان را دارد .

مثال شماره 1 : 1929 - 1939 در بازار نزولی

چارت قیمتهای سرمایه یک تعدیل دائمی دلار را بوسیله فاندمنتال ، برای مطالعه سیکلها نشان می دهد که یک مثلث انقباضی در موج (IV) وجود دارد low . های پایین در فضای قبلی موج چهارم ، یک مثلث از درجه سیکل را ساخته است

مثال شماره 2 : LOW 2 در بازار نزولی 1942

در این مورد موج II از درجه سیکل در بازار نزولی 1937 - 1942 می باشد . یک زیگزاگ ، پایان دهنده فضای اصلی موج [4] از بازار صعودی سالهای 1932 - 1937 می باشد

مثال شماره 3 : نزول در بازار 1962

سقوط موج [4] در سال 1962 باعث کاهش قیمت کمی بیش از بالاترین قیمت موج پنجم در 1956 از سری موجهای اصلی سالهای 1942 تا 1959 گردید. معمولا نزول بازار باید در منطقه ای که موج [4] نشان می دهد ، قرار گیرد . موج چهارم موج اصلاحی پس از موج [3] می باشد. این محدودیت کاهش با وجود اینکه توضیح هایی را می دهد ، اما این معیار یک قانون نیست . قبل از تولید سومین موج قوی و کم عمق بودن موج

A و قوی بودن موج B در موج [4] نشان دهنده نیرو در ساختار موج است ، که سرتاسر عمق اصلی اصلاح را می سازد.

5.7 - توسعه های موج

مثال شماره 4 : کاهش در بازار نزولی 1974

کاهش نهایی در 1974 ، پایان کاهش در سالهای 1966 - 1974 است. موج IV از درجه سیکل اصلاح درست موج صعودی III از 1942 و موجب کاهش میانگین فضای قبلی موج چهارم از درجه کوچکتر (موج [4] اولیه) می باشد .

انالیسهای ما از توالی موجهای درجه کوچکتر در بیست سال گذشته ، پی برده اند که معمولاً محدودیت هر نزول بازار فضای حرکت موج چهارم از درجه کوچکتر می باشد ، مخصوصاً وقتی که بازار نزولی در توالی موجهای خود چهارمین موج باشد . بهر حال یک معیار شناسائی شده اشکارا ، این موضوع را می گوید که اگر موج اول در ادامه متوالی اصلاح موج پنجم باشد ، بنوعی محدودیت نزول موج دوم از درجه کوچکتر را داراست. برای مثال ، کاهش در مارس 1978 در DJIA ترجمه Dow Jones Industrials : گروه سهام معروف صنعت امریکا) در حد پایین موج دوم در مارس 1975 پایین آمد که پیرو امتداد موج اول در دسامبر 1974 بود.

در خصوص مثلثها یا اصلاحهای مسطح بخصوص آنها که از گسترشها پیروی کرده اند (مثال شماره 3 را ببینید (اشکارا صعود را در فضای موج چهارم می شکنند . در خصوص زیگزاگها عمیقاً می شکنند و در فضای موج دوم از درجه کوچکتر حرکت می کنند. اگر چه وقتی زیگزاگها در موج دوم خودشان هستند ، این اتفاق منحصر به فرد می شود. گاهی اوقات ارایشی از این رفتار یا همان پایین های دو گانه را ساخته اند.

تعقیب یا ادامه رفتار موج پنجم

بهترین تجربه قوانین که می تواند عصاره مشاهدات ما از رفتار بازار باشد ، این است ، وقتی که موج پنجم با یک گسترش ادامه می یابد ، اصلاح پس از آن بسیار سریع بوده و ساپورت موج دوم گسترش از درجه پایین را ملاقات می کند. برخی از اصلاحها در همانجا پایان خواهند یافت ، این مورد در شکل 6-2 توضیح داده شده است. هر چند تعداد محدودی مثال واقعی وجود دارد ، دقت به این موضوع که کدام موج A به نقطه پایین موج دو از گسترش بعد از موج پنجم بازگشت می نماید ، مهم است.

یک مثال وجود یک زیگزاگ پایین موج [a] از II را می توانید پیدا کنید. و مثال بعدی یک توسعه مسطح که می توان آنرا در شکل 16-2 در پایین موج A از 4 پیدا نمود. همچنین شما در شکل 3-5 خواهید دید که موج A از (IV) - LOW ی نزدیک موج (2) از [5] ساخته است که یک گسترش در موج V از 1921 تا 1929 می باشد.)

پس از پایینترین نقطه از موج دوم یک گسترش ، معمولاً قلمرو قیمتی موج چهارم از یک درجه بزرگتر ملاقات می گردد. این پیش بینی اشاره بر رفتاری یکسان شبیه پیش بینی قبلی دارد. این شایان توجه است که قیمت

افزایشی در حقیقت گسترش موج پنجم را با سرعت پی گیری می نماید. این رخداد که هشدار جدی از یک بازگشت هیجانی در یک level ویژه است، یک ترکیب قدرتمند از دانسته هاست. این پیش بینی را نمی توان جداگانه در گسترشهای موج پنجم از گسترشهای موج پنجم) ترجمه : گسترشهای تو در توی موج پنجم) بکار برد.

درس ششم

- 6.1 کانالها

شباهت موج

یکی از معیارهای اصل امواج این است که دو موج حرکت از 5 موج متوالی، تمایل دارند از نظر مدت زمان و بزرگی شبیه یکدیگر باشند. این عموماً طبیعی است وقتی که یک موج گسترده وجود دارد، دو موج دیگر غیر گسترده باشند. بخصوص اگر موج سوم یک گسترش باشد. واگر یک شباهت کامل بین آنها دیده نشود، به احتمال زیاد در نسبت بعدی مضرپی از 0/618 مشاهده خواهد گردید. (استفاده از این موضوع در درسهای 16-25 توضیح داده خواهد شد.) (ترجمه : عدد 0/628 یکی از اعداد فیبوناچی ست).

وقتیکه موجها از درجه بزرگتر از Intermediate باشند، نسبتهای قیمت معمولاً می بایست در درصدی از رابطه ها محاسبه گردد. بنابراین در داخل پیشروی از 1942 تا 1966، یک گسترش درست از درجه سیکل، را داشته ایم. ما دریافتیم که موج [1] حرکتی 120 پوینتی داشته و یک سود 129٪ را در 49 ماه تولید نموده، در صورتیکه موج اصلی [5] حرکتی 438 پوینتی داشته و یک سود 80٪ را (که 0/618 برابر سود 129 درصدی) در 40 ماه تولید نموده، و حرکت بسیار متفاوت موج اصلی سوم که 324 درصد سود را در طول 126 ماه تولید نموده است.

وقتیکه موجها از درجه متوسط Intermediate یا کوچکترند، معمولاً شباهت قیمتی می تواند با رابطه ای حسابی برقرار باشد (ترجمه : تساعد حسابی)، از اینرو مقدار طول موجها هم ارز خواهد بود. بنابراین در تقویت بازار پایان سال 1976، ما دریافتیم که موج 1، حرکت 35/24 پوینتی را در 47 ساعت بازار انجام داده، در حالیکه موج 5، 40/34 پوینت را در 47 ساعت بازار حرکت نموده است. معیار شباهت در بازار خیلی اوقات بینهایت دقیق است.

ترسیم موجها

A. همیلتون بولتون (ترجمه : نویسنده درسها) همیشه چارت ساعتی با قیمت Close را تهیه می نماید. برای نمونه : چارت ساعتی توسط بنیانگذاران نیز استفاده می گردیده است، پس از معرفی اصل امواج خود الیوت بعضی از کارها را بر روی چارت ساعتی بازار سهام از 23 فوریه تا مارس 1938 پی گیری می نموده است. هر علاقمند به موجهای الیوت یا هر دلبسته به اصل امواج استفاده از طرح نوسانات ساعتی (DJIA ترجمه : Dow Jones Industrials گروه سهام معروف صنعت امریکا (را که وال استریت جورنال و یا باروتر)

ترجمه :

نشریات معروف دارای بخش اقتصادی (منتشر می سازند ، مفید خواهد یافت. این وظیفه ساده الزامی است ، که فقط چند دقیقه از وقت هفتگی شما را خواهد گرفت. چارت میله ای خوب است ولی می تواند بدلیل اعلام نوساناتی که نزدیک زمان تعویض هر میله (ترجمه : کندل) انجام می گیرند و در داخل میله ها قرار ندارند گمراه کننده می باشند. شکل ترسیم شده حقیقی می بایست تمام اطلاعات را نمایش دهد. آنچه تصاویر باز شدن (opening) و تئوری روزانه (ترجمه : دو نوع چارت در حال انتشار) برای میانگین DJIA (ترجمه Dow Jones Industrials : گروه سهام معروف صنعت امریکا) بطور اماری اختراع گردیده بازتاب کننده دقیق لحظه ای نمی باشد. بترتیب این تصاویر یک جمع از قیمت‌های باز شدن (opening) را ارائه می کند که می تواند رخداد زمانهای متفاوتی را ارائه کرده ، و high ها و low های روزانه ، در داخل خود رخدادهای بسیار زیاد روزانه را پنهان می سازد.

بهترین شیوه دسته بندی امواج در حقیقت تعیین روند قیمتی بازار سهام است. این عمل تا زمانیکه شمارش امواج شفاف لست اسان است ، مواردی چون حرکت‌های سریع ، هیجان بازار ، بخصوص در موجهای عکس العمل ، و قتیکه حرکت‌های کوچک بکلی با رفتاری پیچیده ظاهر می شوند ، در این موارد پیچیده لازم است همه زیر موجها در چارتهای کوتاه مدت مشاهده گردد. بهر حال در بی حالی یا کم تلاطمی بازار بخصوص در اصلاحها ، بیشتر احتمال دارد ساختارهای موج پیچیده و آهسته تولید گردند. در اینگونه موارد چارتهای بلند مدت تر اغلب موثرتر و مترکم تر فعالیتها را نمایش داده و توضیح بهتری از روند تشکیل الگو ، ارائه می کنند.

بایک مطالعه مناسب از اصل امواج ، زمانهای بازار sideway قابل پیش بینی است. (برای مثال ، برای موج چهارم و قتیکه موج 2 یک زیگزاگ است) درست و قتیکه پیش بینی نمودید ، بهر حال پیچیدگی و بی حالی دو موردی است که تحلیلگران را نا امید می سازد. باوجود این ، باید پذیرفت که اینها بخشی از حقیقت بازار هستند. بزرگان تاکید بسیاری دارند که در طول مدت چنین دورانی شما گاهی اوقات می توانید از بازار استفاده برده و ثمر سخت کوشی خود را بگیرید. شما می توانید از رو کنید که بازار همیشه فعال باشد اما عملی نیست پس و قتیکه بازار استراحت می کند ، شما هم استراحت کنید.

متد درست برای پی گیری بازار سهام استفاده از چارتهای نیمه لگاریتمی می باشد. از اینرو داستان بازار فقط به پایه های درصدی وابسته می باشد. مهم برای سرمایه گذار ، درصد سود یا زیان است نه عددهای نقاط حرکت در بازار ، بعنوان مثال در بازار DJIA ، ده پوینت تا 5000 پوینت اختلاف زیادی با دوره درصدی تقویت از 300 پوینت تا 6000 پوینت ندارد. بنابراین اصول کانالیزه کردن ، بخوبی با میزان حسابی برای موجهای دوره کوتاه تر پذیرفته شده است.

6.2 - اصول کانالیزه کردن

الیوت ملاحظه کرد که بطور نمونه کانالهای روند موازی در مرزهای بالایی و پایینی از امواج عکس العمل ،

اغلب با دقت عجیبی همراه است. تحلیلگران می بایست آنها را بعنوان پیش بردن و کمک در تعیین مقصدهای موج و تهیه معیار در توسعه بعدی از پیشرفت روندها، ترسیم نمایند.

اولین تکنیک کانالیزه کردن برای یک عکس العمل باید نقاط مراجعه آخرین 3 موج را تعیین نمود. وقتیکه موج سه پایان یافت نقاط 1 و 3 را بیکدیگر متصل می کنیم و سپس یک خط موازی که نقطه 2 را لمس نماید همانند شکل 8-2 رسم می کنیم، این ساختار یک تخمین یا ارزیابی برای موج 4 تولید می کند. (در بیشتر موارد سه موج به اندازه کافی از نقطه شروع خود دور می گردند و در پایان نقاط پایانی را لمس می کنند) اگر پایان موج 4 خط موازی را لمس نکند شما باید کانال را برای تخمین حدود موج پنجم بازسازی کنید.

نخست انتهای موجهای 2 و 4 را بیکدیگر متصل کنید، اگر موجهای اول و سوم عادی باشند خط موازی بالایی که از انتهای موج سوم کشیده شده است دقت بیشتری در پیش بینی پایان موج پنجم خواهد داشت. اگر موج سوم غیر عادی قوی باشد بطوریکه تقریباً عمودی باشد کشیدن خط موازی از انتهای آن ممکن است بسیار بالا قرار گیرد، تجربه نشان داده است که خط موازی که از انتهای موج اول کشیده می شود در این موارد بیشتر مفید است، چنانکه در تصویری از صعود قیمت شمش طلا از اگوست 1976 تا 1977 می بینید. در برخی موارد، ممکن است خطوط دو نقطه از درجه بالاتر را ترسیم کنید مواظب باشید که شما شماره موجها و مشخصه volume این levelها و رفتار مناسب را برای شماره موج کنترل کنید.

جهش رو به بالا

در کانالهای موازی و خطوط همگرای یک مثلث قطری، اگر موج پنجم نزدیک خط بالایی با کاهش volume روبرو شود نشانه آن است که در پایان موج انرا ملاقات یا نزول کوتاهی از آن خواهد داشت. (ترجمه: کمی پایینتر از خط بالایی پایان می یابد).

اگر volume در موج پنجم نزدیک خط بالایی روند افزایش یابد، این نشانه آن است که امکان عبور از خط بالایی وجود دارد که الیوت انرا جهش رو به بالا می خواند.

نزدیک نقطه جهش روبه بالا، یک موج چهارم از درجه کوچکتر ممکن است، روند sideway بلافاصله پس از موج پنجم را در پایان حرکت volume به زیر خط موازی بشکند. جهش های روبه بالا گاهی بوسیله یک جهش رو به پایین تلگرافی وقوع خود را اطلاع می دهند. اینها همانطور که در شکل 10-2 کتاب اصل امواج الیوت آمده، در موج 4 یا موج 2 از 5تایی ها، تولید می گردند. و توسط یک برگشت بلافاصله در زیر خط تائید می گردند. جهش رو به بالا همچنین با بعضی مشخصه ها در نزول بازار رخ می دهد. الیوت هشدار درستی داده بود که جهش رو به بالا از درجه بزرگتری است چون در مدت جهش رو به بالا موجها از درجه کوچکتر بسختی قابل شناسائی می باشند، بطوریکه کانالهای درجه کوچکتر گاهی اوقات بوسیله موج پنجم در حرکت روبه بالا مختوش می شوند. مثلهایی از جهش رو به بالا بزودی در این دوره نشان داده می شوند، آنها را می توانید در شکل های 17-1 و 19-1 نیز پیدا کنید

- 6.3 معیارهای بیشتر

مقیاس

درجه های بزرگتر ، معمولا بیشتر یک مقیاس نیمه لگاریتمی را بوجود می آورند. از طرف دیگر ، کانالهای کاملا مجازی که در بازار 1929 - 1921 بر روی مقیاس نیمه لگاریتمی تشکیل گردید (شکل 11-2 را ببینید) و در بازار 1932 - 1937 بر روی مقیاس حسابی تولید گردیده (شکل 12-2 را ببینید) نشان می دهد که موجهای یک درجه ، کانالهای الیوت صحیح را ، فقط وقتی که طرح ریزی انتخابی روی مقیاس مناسب می گردند ، تولید می نماید. بر روی مقیاس حسابی ، بازار صعودی دهه بیست با سرعت از خط مرزی بالا عبور می کند ، در صورتیکه بر روی مقیاس نیمه لگاریتمی بازار صعودی دهه سی افت کمی از خط مرزی بالا دارد. گذشته از این تفاوت در کانالها ، اینها دو موج از درجه سیکل هستند که بصورت شگفت آوری شبیه یکدیگرند: آنها تقریبا چند لایه های نزدیک قیمتی را می سازند ، (بترتیب 6 بار و 5 بار) آنها هر دو شامل 5 موج گسترده بوده ، و قله سومین موج ، در هر مورد پایینتر است. تفاوت ضروری مابین دوبازار صعودی شکل و طول زمان هرزیرموج است.

بیش از همه ، ما می توانیم برای توضیح ضرورت مقیاس نیمه لگاریتمی اشاره به موجی کنیم که با توجه به دلایل روانشناسی حجم ، در مرحله افزایش سرعت قرار گرفته است . اگر شخص بتواند کانال موج الیوت فرضی خوبی از خاستگاه های نقاط اصلی روی مقیاس های حسابی و نیمه لگاریتمی بوسیله خطوط شیب دار چسبیده به امواج بکشد ، یک سیگنال قیمتی قابل مشاهده و یک طول زمان مشخص ، تعیین می گردد. بنابراین سوال از کانالهای ، موازی روی مقیاسهای حسابی و نیمه لگاریتمی چه انتظاری می رود؟ هنوز به صورت قطعی حل نگردیده است. اگر پیشرفت قیمت در هر نقطه نزولی مرتب در داخل خط های موازی در مقیاس (هر کدام از مقیاسها حسابی یا نیمه لگاریتمی) نبود شما می توانید بمنظور مشاهده کانال صحیح بر روی مقیاس دیگر بروید. و در موقعیتهای بالا یک انالیست پیشرو ، باید از هر دو حالت استفاده نماید.

- 6.4 حجم (Volume) -

الیوت از حجم معاملات بعنوان ابزاری برای تشخیص شماره موجها و در طرح ریزی گسترشها استفاده می نمود. او تشخیص داد که در هر بازار صعودی ، حجم معاملات (Volume) تمایل طبیعی به افزایش و کاهش متناسب با سرعت تغییر قیمت دارد و در حالت اصلاحی ، یک کاهش در حجم (Volume) اغلب نشاندهنده کاهش فشار معاملات می باشد. اغلب کاهش حجم معاملات (Volume) همزمان با یک نقطه دو راهی در بازار شکل می گیرد. معمولا در موجهای پنجم از درجه کوچکتر ، حجم معاملات (Volume) مایل است که کمتر از موجهای سوم باشد. اگر حجم معاملات (Volume) در یک پیشروی موج پنجم از درجه کوچکتر مساوی یا بزرگتر از آنست که در موج سوم بوده ، یک گسترش در موج پنجم رخ داده است . در حالیکه این نتیجه اغلب انتظار می رود ، در هر صورت اگر اولین و سومین موج از نظر طول مساوی هستند ، ان هشدار

جدی از زمانهای نادریست که موج سوم و پنجم هر دو گسترش می باشند. در یک درجه اصلی و بزرگتر، حجم (Volume) در پیشروی موج پنجم، فقط بدلیل طول مدت طبیعی رشد در تعداد شرکت کننده در بازار صعودی، گرایش به افزایش دارد. نکته مورد نظر الیوت در حقیقت این است که، حجم معاملات (Volume) در نقطه پایانی از بازار صعودی، بالاتر از درجه اصلی تمایل به حرکت افزایشی در تمام مدت است. در پایان، بطوری که بزودی بحث خواهد شد، حجم معاملات (Volume) اغلب بطور خلاصه تثبیت هایی را در نقطه های جهش روبه بالا در قله موج پنجم، انجام می دهد، چه در یک خط کانال روند یا پایان یک مثلث قطری باشد. (بمجرد فرصت مناسب، اینگونه نقاط می توانند بطور همزمان اتفاق بیافتند، بطوریکه وقتی یک مثلث قطری موج پنجم، درست بالای خط موازی از کانال پایان می یابد شامل حرکت قیمت از یک درجه بزرگتر باشد) (بعلاوه این چند نکته قابل توجه است، ما تفسیرهای دیگری از حجم معاملات (Volume) را در جاهای مختلف این دوره ارائه خواهیم نمود.

نگاه درست

روبهرفته پیدایش یک موج باید توسط توضیحات داده شده تأیید گردد. اگر چه هر 5 موج متوالی می تواند در یک سه موج که اولین زبر موج آن موج A باشد، عنوان بندی گردد، همانند آنچه در تصویر 13-2 می بینید، اما انجام این کار اشتباه است. سیستم الیوت اگر چنین تغییراتی مجاز بود بسیار آسیب پذیر می گردید. اگر یک موج 3 بلند با یک موج 4 در بالای موج 1 پایان یابد، باید در 5 موج متوالی رده بندی گردد. نظر به اینکه موج A در این فرضیه شامل سه موج می باشد، موج B می باید نزولی در حدود شروع موج A، همانطور که در اصلاح مسطح ست، داشته باشد که واضح است این اتفاق نیافتاده است. هنگامیکه شمارش داخل یک موج معیار رده بندی آن است، شکل کلی درست، اغلب بهترین معیار برای شمارش داخلی صحیح می باشد.

نگاه درست به یک موج بوسیله تمامی ملاحظات دیکته می شود، ما زمینه دور آن را در بخش اولیه داشتیم. هر گاه کار آزموده شدیم، این اجازه خیلی خطرناک را خواهیم داشت که، درگیری حساسی را با بازار، برای اجازه پذیرفتن شمارش امواجی که بازتاب غیر متجانس موج ارتباطی، یا در اساس فقط الگوهای ناقص که الگوهای اصل امواج را مختصری کشیده اند، داشته باشیم

درس هفتم

7.1 اخلاق موج

ایده اخلاق موج یک گسترش قابل توجه از اصل امواج است. و بیشترین سود آن در فرموله سازی رفتار انسانهاست که از تخصص تحلیل استاندارد نیز مهمتر است.

اخلاق هر موج در تسلسل الیوت یک جزء جدانشدنی ست که بر انعکاس روانشناسی جمعی دلالت می کند. این تغییر حس توده مردم از بدبینی تا خوش بینی است و تمایل به یک عقب نشینی در شبه مسیری و یا ادامه دادن در زمانی دیگر که تولید نقاط و وضعیتهای شبیه و قرینه در ساختار موج می نماید. اخلاق در هر نوع

موج ، حتی در درجه های سوپر سیکل و subminuette وجود دارد که این خصوصیتها نه تنها تحلیلگر را از پیش بینی غلط برحذر می دارد بلکه او را در تعیین محل حضور بعدی ، موجی یاری می رساند که در شمارشهای دیگر نامعلوم بوده یا باعث تفسیر غلط می گردیده است. این موضوع انگاه که بعضی امواج قابل شناسائی نیستند یا طبق قوانین الیوت به چند گونه قابل شماره گذاری هستند بسیار با ارزش می باشد. همانگونه که در شکل 2-14 و 2-15 آمده است اگر تحلیلگر مشخصه یک موج تنها را تشخیص بدهد اغلب او می تواند نمونه های پیچیده بسیاری را تعبیر و تفسیر نماید.

7.2 اخلاق موج

1) موجهای اول - بعنوان دید کلی ، راجع به نیمه اول موجهای شماره یک می توان گفت که آنها بنیان موج بوده و بسختی توسط موج 2 اصلاح می گردند. در مقایسه با کاهش روند در اصلاح قبلی این موج روند را تجدید سازمان می کند و اولین موج از نظر تکنیکی برجسته تر بوده و افزایشی را در حجم و طول خواهد داشت. بعد کافی Sell وجود خواهد داشت تا بازار را مجبور به اصلاح کرده و معامله گران از معاملات خود سود دریافت کنند و بنوعی دیگر می توان گفت که 50٪ موجهای اول پایه قیمتی بازار نسبت به پایه اصلاح قبلی بسمت بالا حرکت می دهند. چنانکه در 1949 یک واماندگی در نزول و در سال 1962 یک فشردگی در آن می بینیم ، در هر دو سال 1962 و 1974 نیز تکرار شده است. در تمام این شروع ها موجهای اول پر حرکت بوده و فقط کمی تعدیل گریده اند.

7.2 اخلاق موج

2) موجهای دوم - اغلب موجهای دوم زمانی بیش از زمان پیشرفت موج اول برای تصحیح خود نیاز خواهند داشت. این بویژه برای زمانهای خرید خوب است بطوریکه در طول عقول موج دوم تضمینی را ایجاد می کند. در این نقطه معامله گران کاملاً متقائد می شوند که بازار نزولی برخوردار گشت. موجهای دوم ، موقعیکه حجم پایین و بی ثباتی یک کاهش در فشار نزولی را نشان می دهد ، اغلب نقاط فروش تئوری Dow و نقاط فروش تأیید نشده ای را تولید می کنند

7.2 اخلاق موج

3) موجهای سوم - موجهای سوم در نگاه اول بسیار عجیب هستند ، آنها قوی و وسیع بوده و حرکت در آن غیر قابل تردید است. بطور قطع ، فاندامنرال های مطلوب بصورت اعتماد برانگیزی ظاهر می شوند. معمولاً موجهای سوم بیشترین حجم و بزرگترین حرکتها را تولید می کنند و اغلب یک موج گسترش یافته می باشند. و این بدیهی است که موج سوم از سه موج بی ثبات ترین نقطه مقاومت از سری موجها خواهد بود ، چنین نقاطی همیشه تولید کننده شکستها ، شکافها ، گسترشها حجم ، و پهنای استثنائی ، با تأیید روند حرکت قیمت توسط تئوری Dow می باشند. اینها بسته به درجه موج ، معاملات سودآور ساعتی ، روزانه ، هفته ای ، ماهیانه ، سالانه را در بازار تولید می کنند. بصورت مجازی می توان گفت تمام حرکت بازار در موج سوم

اتفاق می افتد ، علاوه بر اخلاق موج های b از سه موج ارزشمندترین سرنخها را در شمارش موج بدست می دهند بطوریکه بسیار واضح هستند

- 7.2 اخلاق موج

(4) موجهای چهارم - موجهای چهارم از نظر عمق و فرم قابل پیش بینی هستند (در درس 11 می بینیم). زیرا در حرکت توسط موج دوم قبلی محدود می شوند ، اغلب حرکت SideWay ندارند و پایه حرکت موج پنجم را تولید می کنند. روند سهام ماکزیمی را ساخته و روند نزولی را آغاز می کند تا وقتی که مقاومت قبلی یک حرکت از موج سوم را ساخته است ، این نزول اولیه در بازار مرحله ای از عدم تائید و علائم ظریف ضعف در موج پنجم را تولید می کند.

- 7.2 اخلاق موج

(5) موجهای پنجم - همیشه موجهای پنجم در بازار کمتر از موجهای سوم پویا بوده و عرض کمتری دارند ، معمولا آنها اهسته تر از حداکثر سرعت تغییرات قیمت را نشان می دهند. گرچه ، اگر موج پنجم یک گسترش باشد ، سرعت تغییرات قیمت در موج سوم از پنج موج گسترش ، می تواند از موج سوم فراتر برود. بطور مشابه ، برای حجم موجهای اصلاحی متوالی ، از درجه سیکل یا بزرگتر ، اگر موج پنجم یک گسترش باشد معمولا در درجات کوچکتر از درجه Primary افزایش حجم اتفاق می افتد.

به بیان دیگر ، کاهش حجم بعنوان یک قانون در موج پنجم نسبت به موج سوم ، مورد توجه قرار می گیرد . بعضی اوقات تازه کاران بازار انتهای یک روند بلند را Blowoffs می گویند. (ترجمه : انفجار = Blowoffs) اما هیچ سابقه ای در بازار سهام از یک شتاب بالا در اوج قیمت وجود ندارد. حتی اگر یک موج پنجم گسترش یافته باشد ، موج پنجم گسترش از موج پنجم ، نیز فاقد چنین شتابی خواهد بود. در طی پیشرفت موجهای پنجم ، ساخت یک ماکزیمم خوش بینانه خواهد بود و با وجود یک محدودیت در طول حرکت نمایان خواهد شد.

هرگز ، حرکت بازار محدوده قبلی را اصلاح نمی کند. برای مثال حرکت بازار Dow در پایان سال 1976 غیر منتظره بود. اما انموقع با اینکه یک موج حرکت توسط یک اصلاح در آوریل ، ژولای و سپتامبر اصلاح گردید ، غیر منتظره قلمداد شد. که بدلیل تضاد ، کمترین نفوذ را روی شاخص های ثانویه و خط کلی داشت (ترجمه : در بازار سهام هر سهم بجز بر رسی خود سهم در بین هم گروه های خود و زیر گروه های خود نیز بررسی می شود).

بعنوان مثال از بررسی های مفید موج پنجم می توان گفت ، موجهای پنجم می توانند سرویس پیش بینی بازار را تا دو هفته ارائه نمایند بدون آنکه کمترین درصد کاهش را داشته باشند. از سوابق ثبت شده تنها 4.5٪ از موجهای پنجم حداکثر پیش بینی را نساخته اند.

- 7.3 ایده ال اخلاق موج

(6) موجهای "A" - عموماً در طی موجهای "A" بازارهای نزولی، جهان سرمایه‌گذاری متقاعد شده است، که عموماً موجهای بلند خرید با وجود تقدم حقیقی تکنیکالی شکستهایی با الگوهای مخصوص به خود را تولید می‌کنند، موج "A" همین زمینه را تولید کرده که بوسیله موج "B" پی‌گیری می‌گردد. یک پنج موج "A" علامت یک زیگزاگ برای موج "B" است، و یک سه موج "A" نشان‌دهنده یک مسطح یا مثلث برای موج "B" می‌باشد

(موجهای "B" - موجهای "B" غیر موثق هستند. آنها بازیهای ابلحانه و ... هستند که می‌توانند توانایی ذهنی شما را بدام بیندازند، آنها اغلب شما را در یک بازار ضعیف گیر می‌اندازند و تأیید نمی‌گردند (ترجمه: توسط تئوری) (Dow تئوری Dow در درس 28 گفته خواهد شد) از نظر تکنیکال ندرتا قوی بوده و سر انجام به اصلاح توسط موج C محکوم می‌شوند.

اگر تحلیلگر به اسانی به خود بگوید در این موج فقط بعضی اشکالات وجود دارد، موج B برای او فقط یک قمار محسوب می‌شود. موجهای X و D در مثلثهای توسعه یافته، هر دو موجهای اصلاحی بوده و همین مشخصه را دارند. همین چند مثال که در زیر آمده اند برای روشن شدن موضوع کافی هستند:

اصلاح رو به بالای سال 1930 یک موج B در بین موجهای A-B-C سالهای 1929 تا 1932 بود که یک زیگزاگ را می‌ساخت. بسیاری این بازار صعودی را دیده اند، من بیاد می‌آورم روند بازار خیلی سریع در دسامبر 1929 بر عکس شد و پس از آن همه در اکتبر پوزیشن فروش گرفتند. چه زمان آرامی، اما جلوتر در ژانویه و فوریه حرکت بسمت بالا (بالتر از قبل) تعویض گردید، من وحشتزده و غرق در ضرر شده بودم من فراموش نمی‌کنم که همه بطور عادی انتظار داشتند که حتی بازار 66 درصد (ترجمه: در مقیاس نیمه لگاریتمی) یا بیشتر از 1929 نزول کند. تقریباً همه چیز یک بازار صعودی جدید اعلام می‌کرد. همه ی روندها فوق العاده صعودی بود و ماکزیمی بیش از ماکزیم 1929 را ساخت.

1962 - 1961 صعود موج (a)-(b)-(c) یک اصلاح مسطح بود. در نقطه بالای بازار نزدیک 1962 سهام دارای فروش بی سابقه ای بود که تا انزمان دیده نشده بود و تا بحال نیز دیده نشده است. بالاترین تجمع قبل از آن در سه موج 1959 دیده شده بود.

—صعود از 1966 تا 1988 در موج B در یک الگوی اصلاحی از درجه Cycle بود احساسات عمومی به ارزان بودن آن جمع شده بود و قیمت آنها بصورت بالا رفتن موشک بی قاعده بالا می‌رفت. آنها اساساً در اصل امواج بعد از موجهای اول و سوم بودند. سهام صنعت Dow بصورت بی قاعده ای در بالا رفتن تلاش می‌نمود و سر انجام ماکزیم های جدیدی را در شاخصهای ثانویه نتوانست تولید نماید. (ترجمه: هر سهام بصورت خود سهم، در گروه و در زیر شاخصها یا زیر مجموعه های خود بررسی می‌شود)

در 1977 میانگین ترابری (ترجمه: یکی از سهامهای امریکا) بالا رفت و یک ماکزیمم را در یک موج B تولید نمود، اما متاسفانه این مورد توسط تئوری Dow تأیید نمی گردد. خطوط هوائی و زمینی (ترجمه: یکی از سهامهای امریکا) بکندی عمل می نمود تنها ریلهای حمل و نقل زغال سنگ بعنوان بخشی از عملکرد انرژی بود. بدین سان تحرک شاخص بسیار ضعیف می نمود، عموماً تحرک خوب یک موج عکس العمل، اصلاحی نبودن موج را تأیید می نماید.

چنانکه معمولاً مشاهدات نشان می دهد، موجهای B از درجه میانی یا پایین تر یک کاهش حجم نسبت به موجهای B از درجه Primery را نشان می دهند که می تواند بازار را صعودی نموده و معمولاً نشان دهنده مشارکت گسترده عمومی می باشد.

(8 موجهای "C" معمولاً موجهای C تعدیل کننده هستند، آنها سومین موج بوده و بیشتر خاصیت موجهای سوم را دارند. آنها مدت زمان کاهشی هستند و هیچ قانون پنهانی در خود ندارند. برداشتهای اشتباه در موجهای A و B ترس اور می باشند، اما موجهای C وسیع و سمج هستند. برای مثال 1930 - 1932 و 1962 موجهای C بودند.

1970 - 1969 و 1974 - 1973 را می توان بعنوان موجهای C رده بندی نمود. موجهای C در اصلاحهای رو به بالا در یک بازار نزولی بزرگ، تنها یک پویایی است و می تواند با شروع یک موج رو به بالا اشتباه گردد، بخصوص زمانی که در یک پنج موج اتفاق می افتد. برای نمونه در اکتبر 1973 یک موج C از یک اصلاح گسترده معکوس شده بود.

(موجهای "D" - اغلب موجهای D در مثلثهای گسترده با یک افزایش حجم همراه هستند. این بنظر درست می رسد چون موجهای D در مثلثهای گسترده دورگه هستند و بخشی از اصلاح بوده و بخشی از خصوصیات موجهای اول را دارا هستند. موجهای D در ادامه موجهای C بوده ولی کاملاً آنها را پیروی نمی کنند. موجهای D در مدت پیشرفت موجهای اصلاح، همچون موجهای B گمراه کننده می باشند. صعود از 1970 تا 1973 موج D در یک موج بزرگ IV از درجه Cycle می باشد. یک پیش بینی خوب آنست که منعکس کننده نظر تمام سرمایه گذاران باشد و در بسیاری از موارد تنها 50٪ موفق بوده و بقیه جا می مانند. همچنین یک مثال واقعی سهام ترابری در سال 1972 خیلی زود به اوج خود رسید اما 50٪ معامله گران این ماکزیمم چند گانه را نپذیرفتند. و یا واشنگتن در توهم برای رفاه خیالی قبل از انتخابات ایجاد تورم نمود بدینگونه این یک توصیف مناسب برای ایجاد یک موج B بود.

(10 موجهای "E" - موجهای "E" در مثلثها ظاهر می شوند و بیشتر پیرو بازار می باشند بدون آنکه تخطی کرده و یک روند نزولی را پس از یک روند صعودی تولید نمایند. همیشه آنها تقریباً توسط اخبار قویا همراهی می شوند، که در تلفیق با گرایش موجهای E یک شکست کاذب در مرزهای مثلث ایجاد نموده و باعث می شوند

نزول بازار در آن لحظه تشدید شود که آنها برای حرکت قابل توجه در جهت مخالف آماده می گردند. بدین گونه ، موجهای E پایان دهنده موجها بوده (ترجمه : در مثلثها) و از نظر رفتار شبیه موجهای پنجم می باشند.

-تمایل های موج

بحث در خصوص گرایش موجها (ترجمه : تمایل موجها) در اینجا اجتناب ناپذیر است. اگر چه آنها راهنمایی کننده هستند اما قانون نیستند .الزامی نبودنشان هرگز از استفاده آنها نمی کاهد. برای مثال شکل 2-16 را ببینید .نمودار ساعتی ، چهار موج اول از درجه Minor را در حرکت DJIA در پایان مارس 1978 نشان میدهد .

روند درسی موجهای الیوت از شروع به پایان بترتیب زیر می باشد. از طول موجها به الگوهای حجم به کانالهای روند به شباهتها و معیارهای به ادامه موجها توسط گسترشها به قوانین پیش بینی می رسیم . برای شمارش داخلی کامل موجهای چهارم از سری اعداد فیبوناچی که بر روی زمان رسم می شود ، استفاده کردیم (ترجمه : در بحث بعدی فیبوا ، فیبویهای زمان کاملا توضیح داده خواهند شد ، ولی مختصر آنکه فیبوی زمانی ، زمان رسیدن بازار را پیش بینی می کند.) و رابطه های فیبوناچی یک هدف معقول با 914 ممکن را با یک کاهش 0.618 از 1976 تا 1978 علامت گذاری نمودیم .

این چند استثناء از معیارها را می اوریم ، که بدون آنها علم بازار بسیار دقیق و بدون احتمال می بود. با آنکه شما دانش معیارهای الیوت ویو در ساختارهای موج را می گذرانید ، می توانید از شمارش موجهای مطمئن گردید. در حقیقت شما می توانید عملکرد بازار را بوسیله شمارش امواج پیش بینی کنید بهمان نسبت دقتی که بتوانید شمارش موجها را تأیید کنید. همچنان معیارهای الیوت ویو جنبه های بسیار زیادی از تحلیل سنتی بازار را همچون (momentum ترجمه : شتابهای بازار) و یا احساسات معامله گران را تأیید می نماید. نتیجه آن تحلیل تخصصی سنتی حالا در اینجا افزایش یافته و کمک می کند حرکات بازار را دقیق در ساختار الیوت ویو ببینید. در پایان استفاده از این ابزارها توصیه می گردد.

با آنچه در درسهای 1 تا 15 آمده یک دانشجوی فعال و پی گیر می تواند تحلیل الیوت ویو را ماهرانه انجام دهد. و انهایی که از مطالعه دقیق غفلت می کنند و هر کسی که قبل از تلاش بخواهد چنین ابزار دقیقی را داشته باشد بهتر است منصرف شود.

بهترین روش یادگیری مطالعه بر روی چارت یک ساعته بوده و آنکه سعی کنید تمامی الگوهای الیوت ویو را در ذهن داشته و وقایع را پیش بینی کنید. رفته رفته مقیاسها به ذهن و چشم شما آشنا شده و در ادامه شما از آنچه در چارت می ببینید (ترجمه : پیش بینی هایتان) حیرت خواهید نمود.(ترجمه : می توانید بر روی چارت با کلید F12 حرکت و الگوها ، معیارها و یا پیش بینی های گفته شده را بر روی چارت تعقیب کنید ، نگران نباشید بسیار سریع چشمانتان آشنا می شود.)

بخاطر داشته باشید این نکته مهم است که تاکتیک معامله گران باید با شمارش صحیح امواج همراه باشد. علم داشتن به احتمالات گوناگون می تواند گزینه فوق العاده مفید در پیش بینی حوادث باشد. آنها را سریعاً در نظر گرفته و چهارچوب بازار را با آن تطبیق دهید. حال آنکه استحکامهای قوانین و اطلاعات امواج از ارزش زیادی در نقطه ورود و خروج بازار دارا هستند. اگر با انعطاف پذیری در پذیرفتن الگوها بخواهیم بازار فریاد بزند حالا چه کاری انجام می دهد ، غیر ممکن است .

موقعیکه شما ناممکن ها را حذف کنید هر چه باقی می ماند هر چند نا محتمل بنظر برسد باید حقیقت داشته باشد .

همانگونه که دکتر واتسون همراه ثابت شرلوک هلمز با فصاحت کلام در ... می گوید. این یک جمله معجزه اسا برای کسانی است که با الیوت کار می کنند. بهترین شیوه استدلال قیاسی است ، بوسیله شناختن آنچه قوانین الیوت اجازه نمی دهند ، شخص می تواند استنتاج کند آنچه مانده محتمل ترین چیزها برای اتفاقات بازار است. با تأیید تمامی قوانین بسط ها ، تناوب ها ، کانا لهای تودرتو ، حجم ها و بقیه چیزها ، انالیست یک انبوه هولناک از امکانها را در نگاه اول پیش رو خواهید دید. متاسفانه زیادی شیوه ها ، کارها و ندرتا اعلام یک سیگنال اجتناب ناپذیر است . بهر حال ، در این نوع تفکر ، اساساً شیوه حذف بهترین شیوه در الیوت بوده و بعنوان یک اساس پیشنهاد می گردد. البته این کار تفریح می باشد.

بطوریکه در شکل 14-1 یک مثال از چنین قیاسی را می بینید ، ان را دوباره سازی کنید : (ترجمه : همین کار را روی چارت دوباره سازی نموده و تمرین کنید).

فعالیت قیمت از نوامبر 1976 شروع شد. بدون برچسب موجها و خطوط مرزی بازار هیچ فرمی ندارد اما با اصل امواج بعنوان راهنما ، معنی ساختار روشن می شود . حال از خود بپرسید ، چگونه ممکن است حرکت بعدی را پیش بینی کنیم؟ اکنون تحلیل روبرت پرکتر در ان زمان را که خلاصه یک گزارش از یک نامه پیش بینی شخصی برای مری لینچ است را می بینیم :

شما عقیده فعلی مرا در خط روند نمودار ضمیمه پیدا خواهید کرد ، اگر چه من از یک چارت ساعتی برای دریافت این نتایج استفاده کرده ام. من معتقدم سومین موج اصلی در اکتبر 1975 شروع خواهد شد، اگر چه هنوز این دوره کامل نشده است و پنجمین موج از درجه متوسط از درجه اصلی در حال حاضر در حال تشکیل است. اول و مهمترین آنکه من معتقدم که از اکتبر 1975 تا مارس 1976 برای سه موج خیلی زیاد است ، ولی برای پنج موج نه. و فقط امکان یک شکست در 11م May می تواند یک پنج موج را کامل کند. بهر حال ساخت ادامه یک امکان شکست مرا راضی نمی کند تا زمانی که اولین حرکت رو به پایین به 956.45 برسد یک پنج موج خواهد بود و ساختن نزول بعدی اشکارا ان را یک مسطح می سازد . بنابراین من فکر می کنم که ما از 24 مارس در یک موج اصلاح چهارم بوده ایم. این موج اصلاحی کاملاً الزامات را برای تشکیل یک مثلث توسعه یافته آماده می کند که فقط در موجهای چهارم می تواند باشد. این مسئله بطور عجیبی دقیق

است ، هدف نزولی توسط ضرب کاهشی (24 مارس تا 7 ژوئن) 55.51 در 1.618 در نقطه 89.82 بدست آمده است

نقطه 89.82 از درست بالا در سومین موج Intermediate در 1011.96 بدست آمده و نقطه پایین از 922 در هفته گذشته اتفاق افتاده بود (پایین واقعی 920.62) در 11 نوامبر بدست آمد. حال حدس می زنم که موج پنجم از درجه میانی برگشت به بالای جدید خواهد نمود و موج سوم Primary را کامل می نماید. تنها مسئله ای که من در این تغییرات الیوت می بینم ، در پیشنهاد های الیوت ، موج چهارم کاهشی در بالای موج چهارم قبلی از درجه کوچکتر وجود خواهد داشت ، در این صورت 950.57 در 17 هم فوریه که دوره رو به پایین شکسته خواهد شد. من بهر حال یافتم که این حکم ثابت نیست. شکل گیری یک مثلث برگشتی متقارن توسط یک جریان نزدیک پهنای گسترده ترین قسمت مثلث ، ادامه داده خواهد شد. چنانچه یک حرکت بتواند که از 1020 - 1030 عبور کرده و پایین بیاید مقصد خط روند بعدی در 1090 - 1100 خواهد بود. همچنین ، در مدت موجهای سوم ، اول و پنجمین زیر موج گرایش دارند از نظر زمان و بزرگی همانند باشند. پس از موج اول (اکتبر تا دسامبر 1975) یک حرکت 10٪ در طی دوماه انجام گرفت ، این پنجمین موج حدود 100 پوینت را (1020 - 1030) پوشش داده و در نقطه بالای ژانویه 1977 یک روند نزول در بازار شروع گردید.

اکنون که موضوع روشن شد بقیه چارت را ببینید و دقت کنید چگونه این معیارها در تخمین زدن مسیر احتمالی بازار کمک می کنند.

یکبار کریستوفر مارلی گفت: رقص یک آموزش عالی برای دختران است. این اولین راهی است که آنها یاد بگیرند حدس بزنند یک مرد چه می خواهد انجام بدهد ، قبل از آنکه او انجام بدهد. بهمان گونه اصل امواج تحلیلگر را آموزش می دهد که مسیر احتمالی بازار را قبل از آنکه بازار انجام دهد ، تشخیص بدهد پس از این شما یک آموزش الیوت را خواهید داشت. این همیشه با شماسست ، درست مانند یک بچه ای که می آموزد یک دوچرخه را براند و هرگز فراموش نخواهد کرد. همچنین در این نقطه ، یک تجربه زیبا و جذاب خواهید داشت و آن خیلی سخت نخواهد بود. مهمتر آنکه در شما یک احساس اعتماد ایجاد کرده و در جایی که شما در بازار هستید شما می دانید که الیوت می تواند شما را از نظر روحی برای ، طبیعت متغییر اجتناب ناپذیر حرکت قیمت آماده کند و شما راحت هستید از اینکه شما در مورد اشتباهات تحلیل کاملاً تمرین کرده اید و همیشه می دانید برنامه ریزی امروز بازار خط مشی بسوی فرداست.

- کاربرد عملی

اصل موج بی نظیر است در صورتیکه یک دید کلی از بازار قبل از موقع ارائه کند. مهمترین مسئله برای اشخاص ، مدیران سهام و شرکتهای سرمایه گذاری آن است که اصل موج اغلب قبل از اتفاق افتادن پیشرفت یا برگشت

بازار را نشان می دهد ، هارمونی زندگی ، با این روندها می تواند موفقیت یا شکست در امور مالی را بسازد. به رغم این حقیقت ، بسیاری از تحلیلگران بدان دقت نمی کنند . اصل امواج تمام آن چیزی است که مطالعه کرده اید یا تمام سودی است که در آن است ، یک نظم در تحلیل تکنیکی است. بولتون عادت داشت بگوید که اگر اعتقادی به آن نداشته باشید ، یکی از سخت ترین چیزهاست که او دیده است مجبور به یادگرفتن آن هستید .

اگر او اعتقاد نداشته باشد می بینید در تحلیل‌هایش که او بدنبال دیگری بوده است. در این لحظه شمارش او دلایل ذهنی می یابد ، تحلیل ذهنی بسیار خطرناک بوده و هیچ ارزشی برای تحلیل بازار ندارد . آنچه اصل امواج ارائه می کند ، یک مفهوم عملی از تشخیص نسبی از مسیرهای آینده ممکن بازار است . معمولا در هر زمان تعداد دو موج یا بیشتر توسط اصل امواج قابل پذیرش هستند . قوانین ، بسیار ویژه و تعیین کننده تعداد مینیمم های قابل قبول هستند. عموما در یک تناوب قابل قبول ، انالیز یک تغییر برتر را از معیارهای اصلی و غیره بر می گزیند . تحلیلگران شایسته قوانین و معیارهایی از اصل امواج را بطور عملی و احتمالات ممکن را باید برای نتایج گوناگون در زمانهای دقیق درجه بندی می نمایند . دسته بندی معمولا می تواند توضیح دقیقی ارائه نماید. بهیچ وجه فرض نکنید ، در هر صورت اطمینان در باره احتمال یک حرکت ، همانند اطمینان به نتیجه است . در آخر شرح کلی تحلیلگر دقیقا می شناسد که بازار قصد دارد که بازار قصد دارد چه کاری انجام دهد . شخص باید بداند و بپذیرد که حتی یک شیوه با تمام قدرت شناسائی خود گاهی اوقات خطا خواهد داشت . بدیهی است که در کل یک پرفرمنس خوب آن است که رفتار بازار را بهتر از بقیه شیوه ها پیش بینی نماید .

اغلب در کاربرد الیوت ، ممکن است شما پول بسازید حتی موقعیکه در اشتباه هستید .بعنوان مثال ، پس از یک LOW غیر مهم که شما به اشتباه فکر کرده اید اهمیت اصلی دارد ، شما ممکن است که یک سطح بالاتر در بازار را در نظر بگیرید در حالیکه بازار در حرکت بسمت یک LOW جدید است ، حتما یک سه موج LOW غیر مهم را ادامه خواهد داد ، که از الزامات سیگنال پنج نیز می باشد ، زمانیکه یک سه موج حرکت می کند یک افزایش اصلاحی خواهد داشت . بدین گونه ، آنچه پس از تنظیم نقطه اتفاق افتاده می افتد اغلب کمک می کند که وضعیت در پایین یا بالا ، خطر رفع گردد .

حتی اگر بازار خروج خوبی را ارائه نمی کند ، اصل امواج هنوز پیشنهاد های استثنائی را دارد. بیشتر تحلیل های دیگر بازار ، اگر فاندamental یا تکنیکال یا ترکیبی باشد ، راه خوبی برای تغییر عقیده شما ارائه نمی کنند . اصل امواج برعکس ، یک روش عملی ساخت یافته را برای حالت عوض شدن عقیده اتان ارائه می نماید . از زمانیکه الیوت موجهها را بر روی الگو های قیمت بررسی می نماید ، یک الگو پس از تکمیل مشخص می گردد که هست یا نه. اگر بازار تغییر جهت دهد ، انالیز خود را تنظیم خواهد کرد .

اگر حرکت بازار در جهت تکمیل یک الگو نتیجه اشتباهی را به بار بیاورد و هر خطری را برای سرمایه بوحود آورده فوراً جبران می شود . معامله گران که از اصل موج استفاده می کنند می توانند خودشانرا از نظر

روحي آماده ساخته تا هر گونه پي امدي را با يك تغيير دوم يا شمارش متفاوت بروز نمايند. زيرا اصل موج يك تمرين در احتمالات است ، پشتباني مداوم از شمارش متناوب موجها يك قسمت ضروري از سرمايه گذاري با ان است. اگر اسبتان شما را انداخت ، توسيه مي شود از بالاي بعدي فرود بياييد . البته ، در بسياري اوقات ، با وجود يك تحليل دقيق ، ممكن است اين سوال پيش بيايد كه چگونه يك حرکت بزرگ شمارش مي گردد يا ممكن است يك درجه شناسائي شود؟. كه انجا تفسير واضح نيست ، اناليسيت بايد صبر كند تا از شمارش خودش مطمئن شده يا بگفته ديگر مسئله خود را واضح نمايد. بگونه اي كه بولتون پيشنهاد مي كند. تقريبا هميشه حرکتهای بعدي از وضعيت موجهای قبلي بوسيله موقعيت آنها در الگو از يك درجه بزرگتر شناسائي مي گردد. وقتيكه موجهای بعدي در تصوير بازار شناسائي شدند ، تقريبا احتمال اينكه يك نقطه عطف و هيجاني انگيز بتواند اتفاق بيافتد تقريبا 100% است .

كاربرد عملي

توانائي تشخيص پيوسته بحدكافي بيادماندي است. اما اصل امواج تنها روش تحليل است كه معيارهائي پيش بيني را تهيه نموده است .خيلي از اينها راهنمايهاي خاص هستند و گاهگاهي بازده دقيق و عالي دارند. اگر نياز بازار الگوها باشند و اگر ان الگوها يك هندسه شناخت پذير داشته باشند ، بدون توجه به تغييرات قيمت و زمان تكرر مي گردند. در حقيقت تجربه جهان خارج نشان مي دهد انها تكرر مي گردند .

كار ما اين است كه پيش بيني كنيم حرکت احتمالي بعدي بازار چيست. مزيت تعيين يك مقصد براي بازار زمينه اي را براي درك بازار واقعي در اختيار تان مي گذارد. از اين راه ، اگر بازار آنچه را انتظار داشتيد انجام نداد ، شما بسرعت در موارد اشتباه به حالت آماده باش در مي آييد و مي توانيد برداشتتان را به يك تفسير مناسبتر تبديل مي كنيد. اگر شما دليل اشتباهانتان را يادبگيريد ، بازار كمتر در اينده شما را گمراه خواهد نمود .

باز هم ، مهم نيست كه شما چه تفسيروي داريد ، چشمانتان را بر روي آنچه در زمان واقعي در ساختار موج اتفاق مي افتد نبديد. اگر چه پيش بيني هايي كه تعيين هدف مشخص را خوب انجام مي دهند ، اغلب شگفت انگيز بوده و هر پيش بيني الزاما نبايد تبديل به معامله در بازار سهام گردد. نهايتا بازار يك پيغام است كه يك تغيير در رفتار بازار مي تواند تغييری در تفسير شما ايجاد نمايد. هر كس در حقيقت لازم است بداند ، كه بازار افزايشي ، كاهشي يا Sideway است ، كه مي تواند ان رابا يك نگاه ساده بر روي چارت معلوم سازد .

از شيوه هاي زيادي كه در تحليل بازار رائه شده ، اصل امواج اليوت به تجربه بهترين ابزارها را براي شناخت بازار ارائه نموده است چنانكه اين روشها هستند . اگر شما چارت ساعتی را در نظر بگيريد ، در پنجم از پنجم از يك روند اصلي شما در حدود ساعت تغيير بازار هستيد. اين يك تجربه هيجان انگيز است و اصل امواج تنها شيوه اي است كه مي تواند گاهي اوقات فرصت چنين عملكردی را بدست دهد. اليوت ممكن است فرمول عالي تا زمانيكه بازار در تحرك است نباشد.(ترجمه : ميآن حرکت يك موج) و نمي تواند انرا محدود سازد ، يا بصراحت

کامل انرا بیان کند . بهر حال اصل امواج بدون شک کامل ترین شیوه در تحلیل بازار است و در نور ان هر حرکتی را که قول داده مشاهده خواهید نمود .

زمینه ریاضی و تاریخی از اصل امواج

Fibonacci که بصورت فیبوناچی تلفظ می شود توالی شماره هایی است که توسط Leonardo Fibonacci da Pisa ترجمه : لئونارد فیبوناچی دا پیزا) ریاضیدان قرن سیزدهم کشف گردید. ما می خواهیم خارج از زمینه های این زمینه های تاریخی این مرد حیرت انگیز بر روی توالی اعدادی که نام این مرد بر روی ان است بحث کنیم. از نظر تکنیکالی این توالی اعداد است نه سری . موقعیکه الیوت قانون طبیعت را بررسی می نمود ، او مخصوصا به توالی اعداد فیبوناچی را چنانکه در اساس ریاضی است برای اصل موج بررسی نمود. کافی است که در این نقطه اشاره کنیم که بازار سهام تمایل به ان دارد که خود را در توالی اعداد فیبوناچی ظاهر نماید

در اوایل 1200 لئونارد دو فیبوناچی از پیزا ، در انتشارات ایتالیایی (Liber Abacci کتاب محاسبه) مشهور یکی از بزرگترین اکتشافات ریاضی در تمام دوران را معرفی نمود . نام این سیستم دهدهی که شامل صفر در اول دستگاه اعداد است ، بود. سیستمی که نمادهای اشنای 0,1,2,3,4,5,6,7,8,9 و شامل 9 از سیستم Hindu-Arabic هندو-عربی (ترجمه : گویا نویسنده اعداد ایرانی را عربی قلمداد نموده است.) که بطور کلی کاربردی شده است

کمتر از یک عدد واقعی یا سیستم مقدار - مکان (ترجمه : محور مختصات) ارزش واقعی را بوسیله نماد قرار داده شده در طول یک خط با دیگر نمادهای وابسته نشان دهد. این نه تنها روی پایه اعداد بلکه روی موقعیت در خط می باشد. برای مثال 58 ارزش متفاوتی با 85 دارد. با این وجود هزاران سال زودتر بابلی و مایاهای امریکای مرکزی جداگانه از توسعه اعداد و محور مختصات را اختراع نموده اند که سیستمهای شمارش آنها و روشهایشان متفاوت بوده است . (ترجمه : ایرانیان باستان چند هزار سال پیش ، از این اعداد استفاده می نمودند که در آثار باستانی ما اثرات ان به اثبات رسیده است و یا مصریان باستان چند هزار سال پیش در ساخت احرام سه گانه از اعداد فیبوناچی استفاده نموده اند. عدم استفاده ایرانیان از این اعداد با وجود تکنولوژی پیشرفته و پالایشگاه و تخلیص نفت و ... غیر قابل باور می باشد. که در متن بدان اشاره نگردیده است و احتمال انکه فیبوناچی فقط برگرداننده یکی از آثار ریاضی شرقی باشد بینهایت زیاد است. البته مطالب پراکنده در نوشته نویسنده وجود دارد.) برای این دلیل ، سیستم بابلیها(ترجمه : در مرزهای کنونی ایران می زیسته اند) که در ابتدا از صفر شروع و از مکان برای اعداد و از انتقال اعداد به جلو استفاده می نمودند (ترجمه : انتقالی که در عمل ضرب برای مثال استفاده می گردد.) که در سیستمهای ریاضی یونان و رم نبود. و اعداد از هفت نماد I, V, X, L, C, D و تشکیل می شدند. آنها با نمادها غیر عددی و با علامات مقادیرها را نشان می داده اند. جمع ، تفریق ، ضرب و تقسیم با نمادها و در یک سیستم غیر عددی کاری اسان نیست بخصوص زمانی که با اعداد بزرگ سروکار داریم. شگفت انگیز انکه زمانی این شکلها از بین رفت که رومیها

از همان وسیله قدیمی بنام چرتکه استفاده نموده اند زیرا این وسیله از پایه عددی و شامل صفر استفاده می نماید. این شیوه بعنوان یک تولید الزامی در سیستم حسابداری رومیها بوده است. در تمام این سالها کتابداران و فروشندگان گسترش آن را در کارهایشان استفاده می نمودند. فیبوناچی پس از بیان اصل عملکرد چرتکه در Liber Abacci شروع به استفاده از سیستم جدیدش در سفرها نمود. طی تلاش او در سیستم جدید با روش اسان محاسبه نهایتا در اروپا منتشر گردید. بتدریج مصرف اعداد قدیمی رومی با سیستم جدید جایگزین گردید. این اولین موفقیت مهم در زمینه ریاضیات قبل از ع فول رم در 700 سال قبل بوده است. فیبوناچی نه تنها ریاضیات را در قرون وسطی زنده نگه داشت که بنیانی را در زمینه ریاضیات عالی و زمینه های وابسته به فیزیک، اختر شناسی و مهندسی را ایجاد نمود.

2 معرفی فیبوناچی

اگر چه جهان بعد از آن تقریبا فیبوناچی را فراموش کرد. او تحقیقا یک مرد بزرگ در زمان خود بود. شهرت او همچون فردریک دوم بود، یک دانشمند و محقق که بعنوان دست راست او که او را در یک دیدار از پیزا یافته بود. فردریک دوم یکی از امپراتوران، امپراتوری مقدس بود پادشاه سیسیلی و اورشلیم فرزند دوم از اصیل ترین خانواده ها در اروپا و سیسیل و نیرومندترین پادشاه در روزگار خویش. او عقیده داشت که انها زاتا پادشاه هستند. و خود را در جشنهای امپراتوری رم غرق نموده بود.

ملاقات بین فیبوناچی و فردریک دوم در حدود 1225 پس از میلاد یک رویداد مهم برای مردم شهر پیزا بود. امپراتور در جلوی صفهای طولانی از ترومپت زنها، درباریها، شوالیه ها، مقامات رسمی و رامشگران حیوانات حرکت می نمود. برخی از مشکلات امپراتور قبل از ریاضیدان معروف در Liber Abacci تشریح گردیده. فیبوناچی ظاهرا مسئله های امپراتور و مسائل بیشتری را برای امپراتور حل نموده بود که برای امپراتور خوش آیند آمده بود. وقتیکه فیبوناچی در 1228 قبل از میلاد رسید به Liber Abacci نسخه تجدید نظر شده را به فردریک دوم اهدا نمود.

ان تقریبا یک گفتار در بیان این حقیقت بود که بگوید لئوناردو فیبوناچی بزرگترین ریاضیدان در غرب بود. در اصل او کار اصلی برای ریاضی نوشت Liber Abacci: منتشر شده در سال 1202 و تصحیح شده در سال 1228، هندسه عملی منتشر شده در 1220 و Liber Quadratorum در تحسین شهروندان پیزا نوشته شده در سال 1240 پس از میلاد آمده او یک مرد محتاط و فرهیخته بود و اخیرا Joseph Gies یک سر دبیر ارشد انگلیسی، یک سر دبیر ارشد Encyclopedia Britannica در دانشنامه اش شرح داد که در محققین زمان باستان لئونارد از پیزا یکی از پیشگامان روشنفکر متعلق به جهان است. کارهایش را پس از تمام این سالها از لاتین به انگلیسی ترجمه نموده است. برای علاقمندان، کتابی با عنوان لئونارد از پیزا و ریاضیات جدید از قرون وسطی، بوسیله Joseph و Frances Gies، یک نوشته عالی از عمر فیبوناچی و کارهایش می باشد. اگر چه او بزرگترین ریاضیدان قرون وسطی بود، تنها یادبود از فیبوناچی در مسیر رودخانه Arno بر فراز برج Leaning می باشد و دو خیابان یکی در پیزا و دیگری در فلورنس بنام اوست.

بنظر عجیب می آید از تعداد بازدیدکنندگان برج 179 فوتی مرمری پیزا تعداد بسیار کمی هستند که تابحال از فیبوناچی یا مجسمه اش دیده یا شنیده باشند. فیبوناچی هم عصر بونانا بود معمار برجی که در 1174 پس از میلاد ساخته شده و هر دو مرد چیزهای مهمی را برای جهان ساخته اند اما یکی بسیار پر نفوذ (ترجمه : مشهور) و دیگری تقریباً ناشناخته.

درس هشتم

8.3 توالی فیبوناچی

در Liber Abacci، یکی از مسائل رشد با توالی اعداد 1, 1, 2, 3, 5, 8, 13, 21, 34, 55, 89, 144 است و همچنان تا بینهایت. امروز می دانیم که توالی اعداد فیبوناچی در اصل چنین است : چندتا خرگوش در یک محیط بسته از یک خرگوش تولید می شوند، در یک سال از یک خرگوش اگر هر جفت تولید مثل داشته و هر جفت جدید در هر ماه شروع به تولید مثل نماید.

در بدو ورود به این راه حل، ما در می یابیم که هر جفت برای تولید یک جفت به یک ماه زمان نیاز دارد. اما هر جفت جدید هر ماه یک جفت جدید تولید می کند. در دو ماه اول یکسان است بنابراین مقدار 1-1 است. این جفت جدید سر انجام در ماه دوم دو برابر می شود. تا اینکه در آغاز سومین ماه دو جفت داریم. در سومین ماه متوالی سه جفت همچنان ماه چهارم را شروع و توالی اعداد بصورت 1, 1, 2, 3 می گردد. و پس از آن این سه، دو جفت دیگر تولید می کنند و تعداد به پنج تا می رسد. در ماه بعدی توالی 1, 1, 2, 3, 5 با سه جفت تولید مثل به 8 جفت توسعه می یابند. شکل 1-3 درخت رشد خانواده خرگوشها را با شتابشان نشان می دهد و اگر توالی چند سال ادامه یابد رقمها نجومی می گردد. برای 100 ماه، ما جهانیان باید با 354,224,848,179,261,915,075 جفت خرگوش مبارزه کنیم. نتیجه توالی فیبوناچی از موضوع توالید مثل خرگوشها دارای خصوصیت جالب و انعکاس ان تقریباً رابطه ثابتی با مولفه هایش دارد حاصل جمع هر دو عدد مجاور در توالی عدد بعدی را تولید می کند. 1 بعلاوه 1 برابر 2. بعلاوه 2 برابر 3. 2 بعلاوه 3 برابر 5. 3 بعلاوه 5 برابر 8 و همینطور تا بینهایت.

نسبت طلایی

پس از چند عدد اول توالی نسبت بالا رفتن اعداد بعدی تقریباً 0.618 به 1 است. و بعد شماره ها 1.618 به 1 پایین می آید. بیشتر در طول توالی نسبتها نزدیک (phi نقطه f) که عدد 0.618034 است ظاهر می شود. و مابین شماره های متناوب در توالی نسبت تقریباً 0.382 ظاهر گردیده که معکوس آن 2.618 است. به شکل 2-3 برای یک جدول نسبتها اعداد فیبوناچی از 1 تا 144 توجه فرمائید.

phi تنها اعدادی را گویند که با یک جمع و معکوس شده مانند "0.618 ÷ 1 = 1 + 0.618" این اتحاد از جمع و ضرب توالی با معادلات ذیل تولید می گردند. (ترجمه : تقسیم نیز نوعی ضرب است.)

$$.618, 1 - .6182 =$$

$$.6182, .618 - .6183 =$$

$$.6183, .6182 - .6184 =$$

$$.6185 = .6183 - .6184, \text{ etc.}$$

یا بطور متناوب ،

$$1.6182 = 1 + 1.618,$$

$$1.6183 = 1.618 + 1.6182,$$

$$1.6184 = 1.6182 + 1.6183,$$

$$1.6185 = 1.6183 + 1.6184, \text{ etc.}$$

تعدادی از وضعیتهای خواص مرتبط به چهار نسبت اصلی را می توان بشرح ذیل لیست نمود.

$$1) 1.618 - .618 = 1,$$

$$2) 1.618 \times .618 = 1,$$

$$3) 1 - .618 = .382,$$

$$4) .618 \times .618 = .382,$$

$$5) 2.618 - 1.618 = 1,$$

$$6) 2.618 \times .382 = 1,$$

$$7) 2.618 \times .618 = 1.618,$$

$$8) 1.618 \times 1.618 = 2.618.$$

علاوه بر 1 و 2 هر عدد فیبوناچی ضرب در چهار وقتی به اعداد انتخابی فیبوناچی افزوده می شود یک عدد

دیگر فیبوناچی را می دهد ، همچون :

$$3 \times 4 = 12; + 1 = 13,$$

$$5 \times 4 = 20; + 1 = 21,$$

$$8 \times 4 = 32; + 2 = 34,$$

$$13 \times 4 = 52; + 3 = 55,$$

$$21 \times 4 = 84; + 5 = 89,$$

و مانند اینها.

8.4 توالی فیبوناچی

بطوریکه پیشرفت توالی جدید ، یک توالی سوم (ترجمه : سومین توالی از فیبوناچی) در این اعداد که با ضرب 4 جمع شده اند را شروع می کند . این رابطه امکان پذیر است چون نسبت بین اعداد دوم متناوب فیبوناچی ، عدد 4.236 است ، که 0.236 معکوس آن است. این اختلاف از عدد 4 می باشد. این پیوستگی توالی ها ، در مضرب های دیگر برای این بحث تولید می گردد.

1.618 را (یا 0.618) بعنوان نسبت طلایی یا حد وسط طلایی شناخته شده است . خصوصیاتش خوش نمایی در چشم و یک پدیده موسیقایی ، هنری ، معماری و زیست شناسی است . و ویلیام هوفر در دسامبر 1975 در مجله Smithsonian Magazine گفت :

نسبت 0.618 به یک ، یک پایه ریاضی است برای هنرهای تجسمی از کارت بازی ، پارتنون معبد خدای اتنا

در اتن ، گل افتابگردان و پوسته حلزون ، ظروف یونانی و مارپیچ کهکشانی خارج از فضا . مبنای بسیاری از هنرها و معماری های یونانی بر روی این نسبت استوار است . آنها آن را خط امتدال نامیدند

جادوی خرگوشهای فیبوناچی نشان دهنده ، پیش بین نشده ترین مکانهاست . شماره ها بی گمان قسمتی از یک هماهنگی ماورایی است که حس خوب ، نگاه خوب و حتی صداهای خوب را می سازد . برای در موسیقی مبنای 8 اکتاو نت است . (ترجمه : در موسیقی نتهای موسیقی به گروه های بنام اکتاو گروه بندی می شوند.)

روی پیانو این 8 کلید سفید 5 کلید مشکی و مجموعاً 13 کلید می باشد . این یک اتفاق ساده نیست که هارمونی موسیقایی به گوش بزرگترین آرامش را در ماژور ششم می دهد . (ترجمه : این یک مطلب در مضمون تاثیر موسیقی بر انسان است . در ضمن یادآوری می شود که پیانو شبیه ترین پیاده سازی از ساز چنگ ایرانی است .) نت E ارتعاشی با نسبت 0.62500 از نت C دارد . یک دریا 0.006966 دور از مفهوم طلایی درست است . (ترجمه : منظور اختلاف ناچیز است .) ، نسبتها از ششم اصلی ارائه کننده ارتعاش خوبی در صدف درونی گوش که یک اندام اتفاقاً مارپیچ با یک فرم لگاریتمی است ، می باشد . (ترجمه : به مارپیچ لگاریتمی مارپیچ طلایی نیز گفته می شود . در درسهای بعدی توضیح داده خواهد شد .

اتفاق پیوستگی شماره های فیبوناچی و مارپیچ طلایی در طبیعت دقیقاً توضیح می دهد چرا تناسب 0.618034 به 1 همچنان در هنر خوش آیند است . انسان می تواند تصویر زندگی را در هنر که پایه ای از مفهوم طلایی در آن است ببیند .

طبیعت از نسبت طلایی ما در بیشتر بخشها استفاده نموده است و در بیشتر الگوهای پیشرفته در فرمهای چون ساختار اتم ، در لوله های فوق العاده کوچک در مغز و مدلهای DNA و در مقیاسهای بزرگ همچون مدارهای سیارات و کهکشانشانها . انوقتی که در چنین پدیده های گوناگون همچون ترتیب بلور ، ساختهای سیاره ای درگیر شده است و دوره های شکست نور ، مغز و دستگاه عصبی ، نظمهای موسیقی ، ساختمان گیاهان و حیوانات لبخند می زند . علم بسرعت اثبات نموده که در واقع یک تناسب اصلی در طبیعت وجود دارد . اتفاقاً شما ماوس خود را با پنج انگشتان نگر می دارید در صورتیکه شما در سه بخش تماس دارید ، پنج انگشت در انتها و سه نقطه تماس در هر قسمت .

بخش طلایی

هر طولی می تواند بگونه ای تقسیم گردد که نسبت بین قسمت کوچکتر و بزرگتر برابر باشد با نسبت بین قسمت بزرگتر و کل طول . (شکل 3-3 را ببینید.) همیشه این نسبت 0.618 است .

بخش طلایی در تمام طبیعت رخ می دهد . در حقیقت بدن انسان جلوه بخش طلایی است (شکل 3-9 را ببینید) و هر چیزی از بعد بیرونی صورت وجود دارد . (ترجمه : صورت انسان (افلاطون در Timaeus خود می گوید پیتر تامپکانس تا انجا پیش رفت که phi نتایج و نسبت طلایی را معتبرترین رابطه در ریاضیات دانسته و در یک تفکر دقیق کلید فیزیک کیهان می باشد . در قرن شانزدهم ، جونز کپلر در نوشته هایش در مورد بخش طلایی یا بخش الهی گفت که این نسبت تمامی آفرینش را توصیف می نماید و مخصوصاً آفرینش خداوند

شبیبه به شبیه می باشد. بدن انسان از وسط با طرح فیبوناچی تقسیم گردیده است. میانگین اماری آن 0.618 می باشد. نسبت واقعی جداگانه برای مردها و جداگانه برای زنها، یک نماد خوب از آفرینش شبیه به شبیه (ترجمه: یک به یک) را حفظ نموده است. تمامی پیشرفت بشر هم یک آفرینش شبیه به شبیه می باشد.

چهار گوش طلایی

طرفهای یک مستطیل طلایی در نسبت 1.618 به 1 هستند. ایجاد یک مستطیل طلایی شروع با مربعی از 2 واحد در 2 واحد و یک خط از وسط یک ضلع از مربع به یک گوشه از ضلع مخالف کشیده می شود که در شکل 3-4 نشان داده شده است

مثلث EDB یک مثلث قائم الزاویه است. فیثاغورث در 550 سال قبل از میلاد اثبات کرد که توان دوم وتر X از یک مثلث قائم الزاویه برابر با مجموع توان دو ضلع دیگر است. در این صورت بنابراین $X^2 = 22 + 12$ یا $X^2 = 5$. طول خط EB ریشه دوم 5 می باشد. قدم بعدی در ساخت مستطیل طلایی ادامه خط CD است تا خط EG برابر با ریشه دوم 5 یا 2.236 واحد طول ساخته شود که در شکل 3-5 نشان داده شده است. وقتی که کامل شد طرفهای مستطیل ها در تناسب از نسبت طلایی هستند بنابراین هر دو مستطیل AFGC و BFGD مستطیل های طلایی هستند.

تا زمانیکه ضلع های مستطیل ها در تناسب از نسبت طلایی هستند انوقت مستطیلهای بنا بر تعریف مستطیل های طلایی هستند.

کارهای هنری بسیار با دانش مستطیل های طلایی ارتقاء یافته اند افسون استفاده از آنها مخصوصا تمام تمدنهای باستانی را پر نموده است. لئونارد دا وینسی بزرگترین مفاهیم را به نسبتهای طلایی منسوب نموده است. او همچنان دلپذیری در ابعاد را یافته و گفته است: اگر یک چیز جلوه خوش ایندی نداشته باشد. نسبتها در آن رعایت نگردیده است. بسیاری از نقاشی های او جلوه خوش ایندی دارند چون بخشهای طلایی در جلوه های آن بکار رفته است تا زمانیکه این نسبتها آگاهانه و از روی عمد توسط هنرمندان و معماران برای مقاصدشان بکار رفته است، نسبتهای phi ظاهرا بر روی بیننده اثر دارد. محققین تعیین نموده اند که اشخاص یکی از مستطیل ها را از گروه مستطیلهای مختلف انتخاب کنند. عموما شکل نزدیک به مستطیل های طلایی را انتخاب نموده اند. وقتیکه می پرسیم در باره تقاطع یک خط با خطوط دیگر، آنها بیشتر دوست داشتند که خطوط به نسبتهای طلایی تقسیم گردند. پنجره ها قابهای تصویر ساختمانها و کتابها و گورستانهای مسیحی اغلب نزدیک به مستطیل های طلایی هستند.

چنانچه با بخش های طلایی، ارزش مستطیل های طلایی بسختی محدود به زیبایی می گردد اما این سرویس را بخوبی ارائه می کند. در بین مثالهای متعدد، چشمگیرترین مارپیچهای دوتایی DNA می باشد. (شکل 3-9 را ببینید.)

هنگامیکه بخش طلایی و مستطیل طلایی نشان دهنده فرمهای ماندگار در طبیعت و محصولات ظریف ساخت

بشر را زیبا می سازند. نمایش یک جلوه زیبایی پویا ، یک تصاعد در نظم رشد یا پیشرفت تنها می توانند توسط یکی از بیادماندنی ترین شکل های جهان ، مارپیچ طلایی ساخته شود.

8.6 مارپیچ طلایی

مستطیل طلایی می تواند در ساخت مارپیچ طلایی استفاده نمود . هر مستطیل طلایی چنانکه در شکل 5-3 می بینید می تواند به مربعها و مستطیل های کوچکتر تقسیم شود چنانکه در شکل 6-3 می بینید. این حرکت بنظر می تواند تا بینهایت ادامه یابد. نتیجه مربعهای که ما کشیدیم ، یک مارپیچ رو به داخل را در A, B, C, D, E, F و G تولید خواهد کرد.

خطوط نقطه گذاری شده که خودشان در نسبت با یکدیگر هستند (ترجمه : نسبت طلایی) ، نمودار نیمساز مستطیل ها و جزیی از مرکز نظری مارپیچ مربعها می باشند. از نزدیک این نقطه مرکزی ، ما می توانیم مارپیچ را بوسیله اتصال نقاط تقاطع هر مربع تا بینهایت مانند شکل 7-3 بکشیم. بطوریکه چرخش مربع های درونی بسمت بیرون و اتصال نقاط مارپیچ طلایی را بسمت بیرون ردیابی می کند. بنوعی دیگر ، بااستفاده نمودن از توالی مثلثهای چرخان نیز می توان مارپیچ های طلایی را ساخت . در هر نقطه ای از تکامل مارپیچ طلایی ، نسبت طول منحنی به قطرش 1.618 می باشد. قطر و شعاع بترتیب ، نسبت هر شعاع به شعاع قبلی مقدار 1.618 می باشد ، همانگونه که در شکل 8-3 نمایش داده شده است.

7 مارپیچ طلایی

مارپیچ طلایی که یک نوع مارپیچ لگاریتمی یا مارپیچ متساوی الزاویه است مرزی ندارد و دارای شکلی ثابت است. از هر نقطه روی مارپیچ می توانید بینهایت خط بسمت داخل و خارج رسم کنید . هرگز دوباره به مرکز نمی رسید اما بسمت خارج حرکت نامحدود است ، اگر هسته یک مارپیچ لگاریتمی (ترجمه : مارپیچ طلایی) را توسط یک میکروسکوپ نگاه کنید تا بینهایت ان را ادامه دار خواهید یافت . همانگونه که دیدید برگامینی ، نوشته است برای ریاضیات (در حال حاضر مجموعه کتب علمی کتابخانه ها) کم است. دم یک ستاره دنباله دار خارج از خورشید در یک مارپیچ لگاریتمی می پیچد . تارهای عنکبوت مجموعه ای از مارپیچ لگاریتمی است و شتاب رشد یک باکتری طرحی در راستای مارپیچ لگاریتمی است. و شتاب سنگها و قتیکه وارد جو زمین می شوند مقاومت جو زمین باعث یک حرکت مارپیچ لگاریتمی در آنها می شود و مخروطهای کاج ، اسبهای دریایی ، پوسته حلزون و پوسته های نرم تنان ، موجهای اقیانوس ، سرخس ها و شاخهای حیوانات و چیدمان در گل افتاب گردان و میناها در الگوی مارپیچهای لگاریتمی می پیچند. توفانهای سیاه و کهکشانه خارج از جو در مارپیچهای لگاریتمی چرخ می رند حتی انگشتان انسان از سه استخوان در بخشهای طلایی با یکدیگر از مواردی است که وجود دارند .

افتادن برگ درخت شکل مارپیچ طلایی یا اگراریتمی بخود می گیرد. در شکل 9-3 ما یک انعکاس از یک تاثیر کیهانی در شکل های متعدد را می بینیم. زمان و سال نوری ، فضای جداکننده مخروط از چوب کاج و مارپیچ کهکشان ، اما همگی در یک نسبت 1.618 طراحی گردیده اند . شاید این پدیده عادی از قوانین نخستین باشد.

بدین گونه مارپیچ طلایی قبل از ما در طراحی جهان هستی بکار رفته است. تصویر هستی در گسترش بی پایان و انقباض، یک قانون مطلق و جریانی پویاست و بطور مستمر بوسیله نسبت 1.618، حد اعتدال را رعایت می نماید، همان مفهوم طلایی.

درس نهم

9.1 معنی Phi

ارزش این پدیده سالهاست که عمیقا درک شده است. سابقه فراوان با مثالهای انتخاب شده مردانی که جذابیت خاص برای این فرمول ریاضی قائل بودند. فیثاغورث پنج نقطه شاخص را انتخاب نموده، و هر قسمت در نسبت طلایی با قسمت کوچکتر بعدی همانطور که در این شیوه آمده، قرار دارند. جاکوب برنولی از ریاضیدانان مشهور قرن هفدهم مارپیچ طلایی را بر روی سنگ قبر خویش حک نموده است. ایزاک نیوتن مارپیچ طلایی را بالای بستر خویش اویخته بود که امروز متعلق به مرکز جاذبه زمین در بستون جدید می باشد و پیش از آن، هواداران معماری هرمهای سه گانه در مصر در 5000 سال پیش در ساختن این اهرام از این دانش استفاده برده اند. مهندس های مصری آگاهانه نسبت طلایی را در اهرام بزرگ بوسیله یک شیب بمیزان 1/2 مقدار 1.618 پایه، ارتفاع را بمیزان ریشه دوم 1.618 پایه، در نظر گرفته بودند. پیتر تامپکینز در نوشته های محرمانه از اهرام بزرگ (Harper & Row, 1971) می نویسد، این ارتباط نشان می دهد گزارش هرودوتوس در واقع صحیح است که ارتفاع ریشه دوم پایه بناست $VQ * VQ = Q$ و مساحت رو $Q * 1 = Q$. استفاده نمودن از این ابعاد توسط دانشمندان مصری (ظاهرا بصورت یک مدل مقیاسی از نیمکره شمالی ساخته شده است). از عدد پی (ترجمه: عدد پی = 3.14) و Phi در یک شیوه پیچیده ریاضی، شاهکاری از محاسبه نصف دایره و مکعب کره بوده است. (ترجمه: برای رفع خستگی دوستان باید بگویم این ساختمان و محاسبات در 5000 سال قبل انجام گردیده و انسان هنوز در اعداد صفر را کشف ننموده است و از علامات هفت گانه یونانی برای محاسبات استفاده می کرده است، احتمالا آنها علم غیب داشته و می دانسته اند که در آینده آقای فیبوناچی عزیز این اعداد را کشف خواهد نمود.) (برای مثال برابری مساحت و حجم را ساخته اند.) یک کار عظیمی که برای چهار هزار سال هیچ مانندی برای آن ساخته نشد.

در هنگام یادآوری محض هرم بزرگ ممکن است تولید یک تردید نماید (شاید یک دلیل خوب)، بیاد داشته باشید که فرم آن انعکاس یک افسون گرفته شده از ارکان علم غربی، ریاضی، فکر هنری و فلسفی است که افلاطون، فیثاغورس، برونولی، کپلر، داوینچی و نیوتن داشته اند. انهایی که طراحی کرده و اهرام را ساخته بودند همانند چنین دانشمندانی درخشان بوده اند. ستاره شناسها، ریاضیدانها و مهندس ها. بوضوح آنها خواسته اند که برای هزاره ها، نسبت طلایی را که تا این اندازه اهمیت عالی دارد، حفظ بکنند. این نشانه استعداد مردم است، که بعدا متصل به بزرگترین افکار یونان و روشن فکری در جذب آنها برای این نسبت بود، درک این مسئله بسیار مهم است. (ترجمه برای خنده: اگر یک ملتی پیدا شود و به هر دلیلی حمله کرده و

تمامی کتابخانه های غرب را از بین ببرد و دانشمندان را بکشد ، خدای نکرده ، انوقت کاشف این توالی اعداد ، خوب معلومه ، من هستم . باز شما منو دست کم بگیرید.) . بهر دلیلی ، همه ما حدس می زنیم چند دانشمند بوده اند ، هنوز حدس ما بهر حال بی پایه است و عجیب آنکه به مشاهدات خودمان وابسته است. ان اهرام بزرگ که قرنهای پس از ساختنش حدس زده می شود بعنوان اولین پرستشگاه برای انها بوده است ثابت می کنند درک جهانی و رازهای بزرگ جهانی است. تنها اینها که در بالا آمده پذیرش خالی از چیزهایی است که انها دیده و کشف کرده اند ، در حقیقت انها راهنمایی در رازها بود. بعنوان مثال حقیقتهای مجموعه عملکرد جاودانی و رشد بود. ایا این رازهای Phi بود؟ تامپکینز توضیح می دهد ، فراعنه مصر می گفتند شوالر در لوبکینز گفته است Phi نه بعنوان شماره ، که بعنوان نمادی از علم خلاق ، یا تولید مثل در یک مجموعه بی پایان قابل تصور است Phi . به انها آتش زندگی ، فعالیت اسپرم در تولید مثل و Logos را نشان داد .

Logos یک کلمه یونانی و بطور مختلف توسط هراکلیتوس و غیر مسیحی های بعدی ، یهودی و فیلسوفهای مسیحی به معنی حاکم عقلانی جهان و یک قانون ماندگار طبیعی تعریف گردیده است. یک نیروی پنهان زندگی بخش به چیزها ، نیروی ساخت یافته جهانی حاکم و نافذ جهان.

مفهوم Phi

بیانیدشید که تحقیق و نتایج عمیق ان هنوز مبهم است . مردم نمی توانند ببینند آنچه را که احساس می کنند انها تصویری نداشته اند و اصل امواج این تصویر رشد طبیعی را می سازد و به بهترین وجه این اصل ، ساختار را توصیف می کند تا انسان فرمهای جهان طبیعی را تشخیص بدهد . اگر فیلسوفهای قدیمی درست گفته باشند ، که یک نیروی عالمگیر ، سازنده و حاکم بر اجزای جهان باشد . ایا این پارامترها بر جهان حاکم نیستند؟ اگر در تمام جهان ، حتی بدن انسان ، تعداد DNA انعکاسی از Phi باشد ، ایا ممکن نیست عملکرد انها انعکاسی از Phi باشد؟ اگر Phi قدرت زندگی در جهان است ، ایا ممکن است پشت پرده عکس العمل های عملکردها در ظرفیت پر بار انها باشد؟ اگر Phi یک نماد از نیروی خلاق است ، ایا ممکن است حاکم بر خلاقیت انسانها نیز باشد؟ اگر پیشرفت مردم بر اساس تولید و تولید مثل در یک مجموعه بی پایان است معقول نیست که هر پیشرفتی نتیجه یک مارپیچ از Phi بوده و این در حرکت قیمت و ظرفیت تولیدات ، بعنوان مثال در بازار سهام ، قابل تشخیص باشد؟ فقط مصری ها حقیقتهای پنهانی چون غیر اتفاقی و تصادفی بودن فعالیت و رشد را در جهان گذشته اموخته بودند. (چیزهایی که بعنوان نظریه بدون اختشاش سرانجام در 1980 کشف گردید .) همانند بورس اوراق بهادار ، اگر برداشت ما درست باشد ، بنظر می رسد انها درست فهمیده بودند. بیشتر برای آنکه بنظر ساده می نماید ، سرسری گرفته می شود. بازار بورس تصادفی نیست ، بدون قاعده ، به اتفاقات اخبار جاری عکس العمل نشان نمی دهد بلکه فوق العاده دقیقتر از عملکرد انسان است .

واژه های ستاره شناسی سرزمین شاهان ویلیام ، در اهرام بزرگ در حقیقت نظریه ایست که ، ستاره شناسی یا طالع بینی مصری ، علمی بوده و عمیقا و بصورت مرموزی با چرخه های بزرگ تکامل انسان ارتباط داشته

است. اصل امواج چرخه های بزرگ در تکامل انسان را نشان داده و عملکرد آنها را فاش می سازد. از این گذشته، جزئیات را بخوبی کلیات تشریح می کند. با تمام این پایه های بظاهر ساده اصل، پویایی و تغییرات در یک فرم، بدون تغییر، باقی می ماند.

این فرمی است که به جهان ساختار و وحدت می دهد. هیچ چیز در طبیعت نشانه ای از اشفتگی و بی قاعده گی نیست. کلمه کائنات معنی دهنده یک دستورالعمل است. اگر زندگی فرمی دارد، ما نباید احتمال پیشرفت انسان را، که قسمتی از زندگی واقعی است، و همچنان فرم و قاعده هایش را، نپذیریم. بعلاوه بازار بورس اوراق بهادار، که مقدار مهم تولیدات انسان را نشان می دهد، قاعده و فرم خواهد داشت، همه تکنیکهای نزدیک به درک بازار سهام به پایه های اصل دستورالعمل و فرم، بستگی دارند. نظریه الیوت بهر حال انسوی تمامی اینهاست. بدیهی است که فرض روند دقیقه ای یا فرم بزرگتر مهم نبوده و طراحی اصلی ثابت می ماند.

Phi 9.3 و الیوت

الیوت در دومین نوشته اش از عنوان قانون طبیعت استفاده نموده است. رمز جهان در اشاره به اصل امواج کاربردی است که در تمام جزئیات فعالیت های انسان دارد. الیوت ممکن است که اکنون بسیار دور از ان باشد که بگوئیم، اصل امواج راز پنهان هستی است. بطوریکه ظواهر طبیعت شکلهای و جزئیات را می سازد، منصفانه نیست که ان را یک طرح ساده بخوانیم. هرگز، در برخی از تاریخچه های دانشمندی که پیش از این می زیسته اند، احتمالاً با این فرمول اشنائی داشته اند. حداقل این باورکردنی است که بگوئیم، اصل امواج یکی از مهمترین رازهای جهان است. حتی این ادعای غول اسا در اول ممکن است، فقط گزاره گوئی یا تخیل معامله گرها بنظر برسد. و این کاملاً قابل درک است. طبیعت بزرگ مفهوم تخیل و نیروی گیج کننده اندیشه، تا انجا رسیده که نهایت قابلیت های اجراییش تا کنون معلوم نگردیده است. اول ما باید پرسیم، ایا ما می توانیم در اسمانها و زمین همچون آنچه در بازار سهام پیش می آید، پایه های ریاضی را داشته باشیم؟ پاسخ بلی است، بورس اوراق بهادار دارای همان پایه های ریاضی است که این پدیده های طبیعی را می سازد. مفهوم الیوت در حرکت بازار سهام یک پایه عالی، همانگونه که در شکل 10-3 نشان داده شده، و بسیار شبیه از ساختار مارپیچ طلایی است.

این نتیجه امکان پذیر است، زیرا در هر درجه از حرکت بازار، حرکت افزایشی تقسیم به 5 موج شده و حرکت نزولی تقسیم به 3 موج می گردد. ارتباط 3-5 بدست آمده ما، همان پایه ریاضی اصل الیوت است. همانگونه که در شکل 4-1 بوسیله استفاده از مفهوم الیوت در پیشرفت بازار انجام دادیم، ما می توانیم توالی کامل اعداد فیبوناچی را تولید نمائیم. اگر ما در شروع با ساده ترین بیان، مفهوم یک حرکت نوسانی نزولی را یک خط راست رو به پایین بگیریم و یک حرکت نوسانی افزایشی در ساده ترین فرم یک خط راست رو به بالا باشد، یک چرخه کامل شامل دو خط است. در یک درجه پیچیده تر قرینه اعداد 3، 5، 8 هستند بطوریکه در شکل 11-3 این توالی می توانند تا بینهایت ادامه یابند.

درس دهم

10.1 Phi و بازار سهام

الگوهای بازار سهام تکراری هستند (و fractal ، که در اصطلاحات امروز استفاده می گردد.) در این الگوهای پایه ای حرکت ، که در موجهای کوچکتر با استفاده از چارتهای ساعتی دیده می شوند ، در سوپر سیکل و سوپر سیکل بزرگ برای چارتهای سالانه نیز استفاده می گردند. شکلهای 3-12 و 3-13 دوچارت را نشان می دهند که منعکس کننده نوسانات ساعتی و 10 روزه در بازار Dow می باشند . از 25 ژوئن تا رهم ژوئیه 1962 و دیگری یک نمودار سالانه از سهام S&P 500 از 1932 تا 1978 می باشد) ارائه شده از (*The Media General Financial Weekly* هر دو طرح الگوهای حرکت با وجود تفاوت زمانی 1 به 1500 ، همانند می باشند. طرحهای بلند مدت هنوز اشکار ساز است بطوریکه موج V از Low سال 1974 حرکت کامل در دوره خود انجام نداده است. الگو خط موازی در چارت ساعتی است. چرا؟ زیرا در بازار سهام هیچ فرمی برای یک زمانبندی خاص نیست. در قانونهای الیوت ، دوره های کوتاه و بلند مدت هر دو منعکس کننده یک رابطه 3-5 هستند که می توانند در زمره فرمهای منعکس کننده توالی اعداد فیبوناچی باشند. این حقیقت گمان بر انگیز است که احساسات مردم در این بیان ، کلید این قانون ریاضی طبیعت باشد.

10.2 Phi و بازار سهام

حال اشکال نشان داده شده در تصاویر 3-14 و 3-15 را مقایسه کنید. هر تصویر نشان دهنده قانون طبیعت در درون حرکت مارپیچ طلایی و هدایت شده در نسبت فیبوناچی می باشد. هر موج با موج قبلی نسبتی بمیزان 0.618 دارد. در حقیقت ، فاصله در دوره های از نقاط Dow خودشانرا در قاعده ریاضی فیبوناچی منعکس می سازند. در تصویر 3-14 توالی 1942-1930 نمایش داده شده است ، نوسان بازار تقریباً نقاط 260 ، 160 ، 100 ، 60 ، 38 را بترتیب پوشش داده است. حرکت رو به کاهش با نسبتهای فیبوناچی تشابه نزدیکی دارد 0.618 ، 1.00 ، 1.618 ، 2.618 و 0.382.

شروع با موج X در 1977 اصلاح رو به بالایی را در شکل 3-15 نشان می دهد . نوسانها تقریباً 55 پوینت هستند. 34 پوینت موج ، 21 پوینت موجهای ، 21 پوینت موج از و 8 پوینت موجهای توالی اعداد فیبوناچی هستند ، سود خالص کل از شروع تا پایان 13 پوینت است و راس مثلث دقیقاً روی سطح شروع اصلاح در 930 قرار می گیرد که همسطح اوج اجتماع بعدی در ژوئن است. خواه شخص عدد واقعی از نقاط را در موجها تصادفا در نظر بگیرد و یا بخشی از طرح را ، می تواند مطمئن باشد ، دقت اشکار در نسبت 0.618 بین هر موج پی در پی تصادفی نیست . درس 20 تا 25 و 30 ظهور نسبتهای فیبوناچی را در الگوهای بازار بدقت شرح خواهند داد.

Phi و رشد افزاینده

بطوریکه ما در درسهای بعدی نشان خواهیم داد ، فرم شبیه مارپیچ در حرکت بازار نشان دهنده نسبت طلایی حاکم است و حتی اعداد فیبوناچی ظاهر شده در روند بازار اغلب فقط فرصتهایی خواهند بود. بهر حال فهم

این مسئله مهم است که اعداد خودشان دارای وزن تئوری در پذیرش بزرگ اصل امواج می باشند. این است نسبت ان کلید فاندamental به این گونه الگوهای رشد. اگر چه بندرت این نکته در نوشته ها خاطر نشان شده است ، توالی اعداد فیبوناچی ، پس از آنکه با عدد 1 شروع می شود ، توالی اعداد پایه ای از نوع خود است. (شکل 17-3 را ببینید.) بهر حال این نقطه شروع ریاضی است ، ما ممکن است هر دو عدد انفاقی را در نظر بگیریم همچون اعداد 17 و 352 ، و با جمع ان عدد سوم را بسازیم . و این ساختن را دامه بدهیم بطوریکه همیشه این پیشرفت توالی ، نسبت مابین اعداد مجاور در توالی خیلی بسرعت نزدیک حد Phi می شوند . این رابطه در هشتمین تولید اشکار می گردد.(شکل 18-3 را ببینید.) بدین گونه تا زمانیکه اعداد ویژه بالا توسط توالی فیبوناچی ساخته می شوند عکس العمل ایده پیشرفت امواج در بازار ، نسبت فیبوناچی یک قانون بنیادی از تصاعد هندسی است که عدد بعدی از جمع با عدد قبل ساخته شوند. دلیل این نسبت بسیار زیاد در روابط و پدیده ها مربوط به مجموعه داده های طبیعی رشد و عفول ، گسترش ، انقباض و پیشرفت و عقب نشینی این است .

در وسیعترین نگاه ، اصل امواج الیوت همان قانونی است که در موجودات جهان و کهکشانشان را شکل داده ، ذاتی است که در روح و فعالیت های همه مردم وجود دارد . اصل امواج الیوت بوضوح در بازار حس می گردد ، برای اینکه بازار سهام خوب ترین منعکس کننده روان شناسی جمعی در جهان است . ان تقریباً ثبت کامل روانشناسی مردم و روندهای ان است که تغییرات میزانهای رشد اقتصادیمان را ساخته و تولید الگوهای خیلی واقعی از پیشرفت و عقب نشینی می نماید . اگر اصل امواج ان را پیشرفت بشر می داند . (که بازار سهام عموماً همان قیمت تصمیم گرفته شده مردم است.) اتفاقات ان در یک راستا و بصورت اتفاقی نبوده و بطور چرخه ای (ترجمه : دوره ای ، سیکلی) رخ نمی دهد. عبارتی پیشرفت ان ، همانند فرمی که در طبیعت است ؛ سه گام به جلو ، دو گام به عقب باز می گردد. بعقیده ما خود فاصله بین خطوط موازی (ترجمه : خطوط موازی کانالها) و اصل امواج و پدیده های طبیعی دیگر انچنان بزرگ هستند که در ذهن نمی گنجند . بر اساس قانون احتمالات ، ما به این نتیجه رسیدیم که در اینجا یک اصل ، همه جا حضور داشته ، به مسائل اجتماعی (ترجمه : عمومی) شکل می دهد ، و همان چیزی است که اینشتین دانسته و گفته است ، که خداوند با جهانیان تاس بازی نمی کند. (ترجمه : اشاره به تصادفی نبودن) بازار سهام نیز استثناء نیست ، انگونه که رفتار جمعی بطور انکار ناپذیری همچون یک قانون بیکدیگر متصل شده است که می توان انرا مطالعه و تعریف نمود. خلاصه ترین و سریعترین راه بیان ریاضی این مسئله بسیار ساده است . نسبت. 1.618

Desiderata در شعر Max Ehrmann می خواند ،

شما فرزند گیتی هستید ،

کمتر از درخت و ستاره نیستید ،

شما برآستی اینجا هستید ،

اگر هستی یا که نه ،

برای تو روشن است ،
شکی نیست که جهان همان است که باید ،
ایا راهکاری در زندگی هست ؟
بلی .
ایا راهکاری در بازار سهام هست ؟
ظاهرا .

واژه نامه اصطلاحات فارکس

Account Balance تراز حساب (اطلاعات حساب)

بخشی از صفحه نمایش نرم افزار معاملاتی که میزان موجودی حساب معامله گر و همچنین میزان سود یا ضررخالص یک پوزیشن باز را نشان می دهد .

Account Information اطلاعات حساب (تراز حساب)

بخشی از صفحه نمایش نرم افزار معاملاتی که میزان موجودی حساب معامله گر و میزان سود یا ضرر خالص یک پوزیشن باز را نشان می دهد .

Ask (Offer) پیشنهاد فروش (عرضه)

نرخي که یک فروشنده یا معامله گر برای فروش یک ارز در نظر می گیرد . همچنین قیمتی که معامله گر می تواند روی آن یک واحد ارزی را بخرد .

Ask Rate/ Ask Price قیمت پیشنهادفروش / نرخ پیشنهاد فروش

نرخي که برای فروش یک ارز ارائه میشود .

Ask Size

تعداد لا تهایی که برای فروش در قیمت پیشنهادی ارائه می شود .

Back Office – دفتر پشتیبانی

بخش اداری مرتبط با انجام معاملات مالی ، که ارائه تائیدیه کتبی و اجرای معاملات و نگهداری صورتحساب معاملات را انجام می دهد .

Balance

میزان پول موجود در یک حساب معاملاتی

Bar Chart نمودار خطی

نمودار نشان دهنده نرخ به صورت خطی - هر کدام از خطها نرخ ابتدای روز ، نرخ پایان روز ، بالاترین و پایین ترین نرخ یک ارز در طول یک دوره زمانی را نشان می دهد و طول یک خط دامنه نرخهایی که در طول آن دوره برای معامله ارز استفاده شده است را نشان می دهد .

--- Base Currency (Traded Currency) ارز پایه (ارز معاملاتی)

اولین ارز در یک جفت را ارز پایه می گویند . ارز پایه ارزی است که ارز دوم یا ارز مقابل بر اساس آن قیمت گذاری می شود . در بازار تبادلات ارز دلار امریکا در اکثر موارد ارز پایه است .

---- Basic Point واحد پایه

یک واحد پایه برابر است با 0/01 درصد سود اوراق قرضه یا سند بهادار و 100 واحد پایه برابر است با 1 درصد سود اوراق قرضه .

---- Bear Market بازار نزولی

مدت زمانی با کاهش نرخها

--- Bearish نزولی

اگر بازار نزولی باشد بدین معنی است که اطلاعات موجود شرایط کاهش نرخ را نشان می دهند.

--- Bid قیمت خرید

نرخه که یک معامله گر یا خریدار برای خرید یک ارز در نظر دارد . همچنین قیمتی که معامله گر می تواند روی آن یک واحد ارزی را بفروشد .

BID / Ask Spread تفاوت قیمت بین نرخ خرید و فروش

تفاوت بین نرخهای پیشنهاد فروش و قیمت خرید

– Bull Market بازار صعودی

— Bullish صعودی

اگر بازار صعودی باشد بدین معنی است که اطلاعات موجود شرایط افزایش نرخ را نشان می دهند.

---- Buy Order دستور خرید

دستور خرید اولین ارز (یا ارز پایه) در برابر ارز مقابل .

Buy limit Order

قرار دادن دستوری پایین تر از نرخ فعلی به منظور خرید ارز در نرخ پایین تر از نرخ فعلی

Buying the Dips

خرید در زمانهای بازگشت و کاهش نرخ در یک روند صعودی

Buy Line

عددی که یک شاخص باید از آن پایین تر برود تا بعد از آن به سرعت افزایش یابد .

Cable

نامی برای پوند انگلیس

Candlestick Charts

این نمودارها هم روشی مشابه نمودارهای خطی برای نشان دادن قیمت هاست که بیشتر برای نشان دادن الگوی نرخ در یک محل استفاده می شود.

اولین بار ژاپنی ها در دهه 1600 برای تحلیل نرخ قرار دادهای برنج از این روش استفاده کردند. نمودارهای candlestick هم مانند نمودارهای خطی نرخ های بازکردن، بستن، بالاترین و پایین ترین را با کمک نقطه هایی بر روی یک خط عمودی نشان می دهد و دامنه تغییر نرخ از ابتدا تا انتهای بازار به شکل مستطیلهایی نشان داده شده اند که به آن body می گویند. خطهای بالا و پایینی body را shadow می گویند.

Capital Account

محاسبه جابجایی های کوتاه و بلند مدت دارایی های مالی بین کشورها.

Central Bank—

این بانک ذخایر مالی یک کشور را اداره می کند و مسئول سیاست های مالی و حفظ ثبات پول در یک کشور است. بانک فدرال آمریکا مثالی از بانکهای مرکزی است.

Channel

اصطلاحی است که برای مشخص کردن سطوح support و resistance و برای بدست آوردن سود یا باز کردن پوزیشن در کوتاه مدت به کار میرود کانالی که با ایجاد خطوط روند استاندارد و موازی با یک خط دیگر تشکیل می شود در صورت صعودی بودن شرایط خطی موازی با خط ترند نقطه Support رسم می شود و در صورت نزولی بودن خطی موازی با Resistance رسم می شود.

Downtrend line

برای رسم این خط حداقل به دو نقطه اوج نیاز است و با تشکیل نقطه اوج سوم وجود این خط ثابت می شود

Draw Down

کاهش موجودی حساب در نتیجه یک یا چند معامله پی در پی ناموفق.

Forex- foreign Exchange

تبادلات ارزی

Frequency

تعداد حلقه ها در یک دوره زمانی مشخص، برای مثال امکان دارد در یک سال یک حلقه 13 هفته ای چهار بار تناوب داشته باشد.

Front and back office-

دفاتر مدیریت و پشتیبانی

اصطلاحی که در بانک ها برای مشخص کردن بخش مدیریت معاملات (دفتر مدیریت) و بخش انجام امور معاملات (دفتر پشتیبانی) استفاده می شود.

Fundamental analysis-

تحلیل بنیادی

ارزیابی تاثیرات مسائل اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی بر نرخ ارزها

Fundamental Factors عوامل اصلی

مسائل مالی ، اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی موثر بر بازار FX

Gap-فاصله

نقطه حداقل نرخ در روز جاری بالاتر از نقطه اوج روز گذشته یا نقطه اوج نرخ در روز جاری پایین تر از نقطه حداقل روز گذشته است Gaps. اغلب در نتیجه انتشار اخبار در طول شب به وجود می آید.

Gross domestic product GDP) تولید ناخالص داخلی

معیاری برای ارزیابی میزان رشد اقتصادی یک کشور.

Golden Cross

زمانی به وجود می آید که میانگین حرکت روند در کوتاه مدت بالا تر از میانگین حرکت نرخ در بلند مدت باشد ، این شرایط نشانه ای از وضعیت صعودی است.

Inter bank Market – بازار بین بانکی

بازاری است برای تبادل ارز خارجی که با نکها در آن با تلفن یا شبکه الکترونیکی به معامله می پردازند .

Inter bank rates- نرخهای بین بانکی

نرخهای تبادل ارز که در بازار بین بانکی اعلام می شود . معامله آنلاइन fx امکان دستیابی به این نرخها را برای همه فراهم کرده است.

Interest rate- نرخ بهره

میزان بهره ای که به پول موجود در یک حساب بانکی تعلق می گیرد که به صورت درصد در سال محاسبه و اعلام می شود.

Major Currencies- ارزهای اصلی

85 درصد از کل معاملات بازار fx با ارزهای اصلی صورت می گیرند که عبارتند از : دلار آمریکا (USD) ، یورو (EUR) ، پوند انگلیس (GBP) ، فرانک سوئیس (CHF) ، دلار استرالیا (AUD) ، و دلار کانادا (CAD)

Marked to Market

محاسبه ارزش پوزیشن های معامله شده بر اساس نرخ های روز.

Market to Market – بازار ساز

معامله گر یا شرکت کار گزار FX که سرمایه خود را به کار می گیرد و در بازار پیشنهاد فروش یا قیمت خرید می دهد. کسی که دو سویه معامله می کند (هم خرید هم فروش)

Market Order

دستور انجام معامله ای " به قیمت روز " یا با بهترین نرخ ممکن.

Market Regulation

برخلاف بازار سهام آمریکا که تحت نظارت کمیسیون اوراق قرضه و تبادلات (SEC) عمل میکند، بازار فارکس هنوز تا حد زیادی بی قانونی است. کارگزاران FX به هیچ مجوزی نیاز ندارند هیچ سرمایه ثابت یا مجوز صنعتی یا دولتی برای باز کردن حساب مورد نیاز نیست.

Market Timing

استفاده از ابزارهای فنی جهت وارد کردن استراتژی های ورود و خروج

Market Trend

روند حرکت نرخ ارزها

Market view

پیش بینی بازار بر اساس روند عمومی و روند فعلی بازار

O.C.O (one order cancels the other)

دستوری که در صورت اجرا دستور دیگر را به طور خودکار کنسل می کند.

Offer (ask)

قیمتی که یک شرکت تبادلات ارزی مشتاق است در آن نرخ اقدام به فروش ارز کند

Open Orders (traders' orders)

قسمتی در صفحه که معاملات انجام نشده یک معامله گر را نشان می دهد.

Open trades (open positions)

تمام پوزیشنهایی که بسته نشده باشند معامله گران در مورد آنان با خطر رو برو هستند. همچنین آن بخش از صفحه معاملات که پوزیشنهای ارزی یک معامله گر و ارزش آنان را نشان می دهد.

Otc (over- the- counter)

معاملات توسط طرفین در خارج از سالن تبادلات ارزی مثلاً" از طریق تلفن ویا شبکه الکترونیکی انجام می پذیرد. فارکس بازار ی OTC است.

Peak

بالاترین نرخ در جدول ارزی

Penetration of a trend line

زمانی که یک ارز پایین تر از خط روندی صعودی ویا بالاتر از خط روندی نزولی مبادله می شود.

Pip (point)

کمترین میزان تغییرات یک ارز که در بازارهای فارکس تغییرات نرخها با آن سنجیده می شود. برای بیشتر ارزها یک ده هزارم نرخ تبدیل است.

استثنا: در نرخ برابری دلار آمریکا /ین ژاپن و یورو /ین ژاپن یک point برابر است با یک صدم نرخ تبدیل.

Position limits نشان دهنده مقدار پوزیشن

بیشترین پولی که می توان در یک معامله ضرر کرد، تعداد معاملات و تعداد point ها در حد ضرر.

Positive carry

پوزیشنی که در طول شب باز نگه داشته شده و صاحب آن نرخ بهره بیشتری می پردازد.

Pound

اصطلاح بازار برای پوند بریتانیای کبیر.

Price chart

جدول نرخهای قبلی و فعلی ارزها که برای پیش بینی روند نرخ ارزها به کار میرود.

Price retracement

تغییر نرخ یک ارز بر خلاف روند آن.

Profit exit

دستور خروجی که در هنگام رسیدن به سود مورد نظر پوزیشن را کاهش داده یا آنرا می بندد .

Range

تفاوت بین بالاترین و پایین ترین نقاط در جدول قیمت.

Realized profit and loss

سود یا ضرر ناشی از معاملات بسته شده.

Reaction high

بالا ترین نرخ نزولی در یک روند نزولی

Reaction low

پایین ترین نرخ نزولی در یک روند صعودی

Resistance

سطحی از یک قیمت که فشار فروش بر بازار غلبه کرده و پس از آن نرخها کاهش می یابند. معمولا

Resistance نشان دهنده خرید یا فروش زیاد است.

Retracement

تغییرات نرخ در مسیر مخالف روند قبلی هنگامی که نرخها خیلی زیاد ولی خیلی سریع صعود یا نزول می

کنند معمولا قسمتی از مسیر طی کرده را باز می گردند و یا بطور مستقیم نوسان می کنند.

Rollover

بستن همزمان پوزیشنهای فعلی باز کردن همان پوزیشن برای تاریخی مشخص در آینده بسته به نرخ بهره

در یک کشور و نرخ بهره در کشوری دیگر (که تفاوت بهره نامیده میشود) دارد. معامله گران طولانی مدت بر

روی پوزیشن های خریدشان بهره می گیرند و بر روی پوزیشنهای فروششان بهره پرداخت می کنند. معا

مله گران روزانه پوزیشن خود را در طول شب نگه نمی دارند بنا براین roll-over در مورد آن صادق نیست.

Sell

فروش ارز مبنا منطبق با نرخ آن

Sell order

دستور فروش ارز مبنا منطبق با نرخ آن

Sell limit order

دستور حد فروش که می کوشد ارزی را به نرخ بالاتری به فروش برساند.

Settlement

پروسه دریافت یک ارز و پرداخت ارزی دیگر در بازار بین بانکی

Short

معامله گر ارزی را فروخته است و انتظار دارد آن را دوباره به قیمتی پایین تر بخرد.

Short Position

پوزیشن فروش ارز مبنا

Short term trend

نشان گر نوسانات بازار در روندی متوسط

Sideways Market

بازاری که نرخها در محدوده ای باریک در حال نوسان می کنند.

Spot Price

نرخ ارزی که می باید در مدت دو روز تسویه شود، در مورد دلار امریکا / دلار کانادا این مدت یک روز است

Spread

الف - تفاوت بین نرخ خرید و نرخ فروش یک ارز

ب - معامله ای که در آن یکی از دو ارز، سهام، اوراق قرضه، و یا Option خریداری شده در حالیکه دیگری برای مشخص کردن تغییرات نرخ بین آن دو به فروش رفته است.

Stop Entry Order

با رسیدن به نرخ مشخص به دستور بازار تبدیل می شود تا پوزیشن مورد نظر را باز کند.

Stop loss

با رسیدن به این دستور و به منظور جلوگیری از ضرر بیشتر، پوزیشن بسته می شود.

Stop loss order

با رسیدن به نرخ مشخص و برای خروج از پوزیشن تبدیل به دستور بازار میشود. این دستور برای پوزیشنی که در ضرر است به عنوان نقطه ای برای خروج مورد استفاده قرار می گیرد.

Stops

دستوراتی برای ورود یا خروج پوزیشنها.

Buy Stop دستوری است که در نرخ بالا تر از نرخ فعلی بازار گذاشته می شود. هنگامیکه بازار به نرخی برابر یا بالا تر از دستور **Stop** برسد این دستور به دستو خرید بازار تبدیل می شود. دستور **sell stop** دستوراتی هستند که در نرخی پایین تر از نرخ فعلی قرار داده میشوند. هنگامی که بازار به نرخی برابر یا پایین تر از دستور **Stop** برسد این دستور به دستور فروش بازار تبدیل می شود. توقف ورود در استراتژی های روند صعودی به کار می رود.

Summary

بخشی از صفحه معاملات که مقدار پوزیشن، موجودی حساب و ملزومات ما رجین فعلی را نشان میدهد.

Support

قیمتی پایین تر از نرخ بازار که بازار حداقل یک بار به آن رسیده است.

Swing Market

به بازاری گفته می شود که قیمتها دائم در حال نوسان است.

Technical Analysis

بررسی تاریخچه تغییرات قیمت که معمولاً از روی جداول و به منظور پیش بینی تغییرات بعدی نرخ انجام می شود.

Trailing Stop

ابزاری تکنیکال می باشد که برای ادامه روند سود دهی در بازار از آن استفاده می شود. سطحی متغیر که در روند صعودی بازار قیمت را بالا ترمی برد و در روند نزولی آن را پایین تر می آورد. در پوزیشن خرید با صعود بازار دستور (**stop loss**) توسط نرم افزار بالا تر برده می شود و در پوزیشن فروش با نزول بازار این دستور توسط نرم افزار پایین تر آورده می شود.

Trend

روند زمانی تشکیل می شود که تغییرات نرخ به صورت مداوم در یک مسیر به وقوع می پیوندد. در صورتیکه آن مسیر صعودی باشد این روند را صعودی گویند و در صورتی که آن مسیر نزولی باشد این روند را نزولی گویند. در هر روندی نکته مهم آن است که نقاط اوج و نزول در یک مسیر باشند، مثلاً در روند صعودی بالاترین نرخها و پایین ترین نرخها همگی صعودی هستند و در روند نزولی بالاترین و پایین ترین نرخها همگی نزولی هستند.

Trend following

یک تکنیک معامله که معامله گر در آن به دنبال روند اصلی برای باز کردن پوزیشنهای خود در مسیر روند است.

Trend less

تغییرات نرخ بدون هیچگونه مسیری مشخص .

Trend line

هنگامی که روندی شکل می گیرد معمولا می توان خطوط ساپورت را پایین تر از روند صعودی و خطوط رزیتنس را بالا تر از روند نزولی ترسیم کرد .
شکست این خطوط به معنای پایان یک روند است و نشان از آغاز روندی معکوس دارد .

Turn over

اصطلاحی برای ارزش معاملات

Two way price

اعلام نرخ با نرخ خرید و فروش

Unrealized profit or loss

وضعیت سود یا ضرر پوزیشنهای باز

Up trend

روند صعودی بازار

Value date

تاریخ سر رسید یک قرار داد ارز خارجی که در آن تاریخ، 2 ارز مبادله می شوند در معاملات spot این تاریخ معمولا دو روز کاری پس از تاریخ معامله است .

Bar Trailing Stop

1- در پوزیشنهای خرید به عنوان دستوری است که در بالا ترین نرخ وارد می شود .
در پوزیشنهای فروش به عنوان دستوری است که در بالا ترین نرخ وارد می شود .

Zig Zag

1- فیلتری است که تنها تغییرات درصدی مهم را نشان می دهد هر تغییری پائین تر از درصد تعیین شده در نظر گرفته نخواهد شد ، Zig Zag مشابه Swing Chart است .
2- الگوی تکمیل 3 موج در موج الیوت که تشکیل شده از دو موج 5 تایی که بوسیله 3 موج از یکدیگر جدا شده اند

شناسایی اندیکاتورها

PREDICT قابلیت پیشبینی بازار در آینده

LAGING داشتن تاخیر در ارسال سیگنال

LEADING اندیکاتور پیشرو اصلی

CONFIRM تایید کردن توسط یک اندیکاتور دیگر

VOLATILE بی ثباتی در یک بازار

CENTERD اندیکاتور حول یک خط مثلا صفر تا صد حرکت میکند
BANDED اندیکاتور مثل یک نوار در یکطرف نمودار قیمت حرکت میکند
ALERT هشدار هابیکه یک اندیکاتور میدهد
SIGNAL اعلام خرید و فروش صادر شده از اندیکاتور
OVER SOLD منطقه فروش زیاد
OVER BOUGHT منطقه خرید زیاد
BULLISH 0 (گاوی) روند روبه بالا و افزایشی و شرایط رونق
BEARISH (خرسی) روند نزولی و کاهش قیمت شرایط رکود
OSCILLATOR نوسان نگار و نشان دهنده تغییرات
MOMENTOM اندازه حرکت و تفاوت میان تغییرات

اندیکاتور ایچیموکو

ICHIMOKU KINCO HYO

[size=] [/size][color=] [/color]

این اندیکاتور توسط هوسادای ژاپنی ابداع گردید و منظور از این بود که با یک نگاه بتوان بسیاری از مشخصات یک سهم را دریافت

این اندیکاتور بر اساس قیمت تعادلی کار میکند و از این نظر تا حدی شبیه میانگین متحرک میباشد در نمودار ایچیموکو دارای 5 خط به شرح زیر میباشیم

1 خط استاندارد KIJUN SEN

2 خط سریع TENKAN SEN

3 خط آهسته CHICO SPAN

4 اولین بازه زمانی گذشته SENKOU SPAN A

5 دومین بازه زمانی گذش SENKOU SPAN B

محاسبات

1 خط استاندارد بیشترین + کمترین 2/ (محاسبه برای دوره 26 روزه)

2 خط سریع بیشترین + کمترین 2/ (محاسبه برای دوره 9 روزه)

3 خط آهسته میانگین قیمت بسته شدن 26 روزه اخیر

4 اولین بازه زمانی گذشته خط استاندارد + خط سریع 2/

5 دومین بازه زمانی گذشته بالاترین + کمترین 2/ (محاسبه برای 52 روزه)

تفسیر

ابتدا خط آهسته را نگاه میکنیم تا روند قیمت بسته شدن را در یابیم

نمودار ایچیموکو توانایی تشخیص وضعیت خطوط مقاومت و حمایت را براساس اولین و دومین بازه زمانی گذشته دارد

فاصله بین اولین بازه زمانی گذشته و دومین بازه را ابر یا kuma میگویند

یک گریز قیمت به منطقه بالای ابر را شکستن خط مقاومت و نزول قیمت به زیر ابر را شکستن خط حمایت میدانند

وقتی قیمتها در نزدیکی ابرها هستند وارد ترید نمیشویم و منتظر عبور قیمتها از ابرها میمانیم
اگر قیمتها بالای ابر باشد وضعیت آفتابی و قیمت درخشان است و اگر قیمت زیر ابر باشد وضعیت بارانی و وقت فروش است

وقتی که خط استاندارد و خط سریع و خط آهسته و ابرها همگی یک سیگنال را بدهند آغاز یک ترند میباشد

STRONG SIGNAL

خرید وقتی در بالای ابر خط سریع از خط استاندارد بالا رود

فروش وقتی در بالای ابر خط سریع از خط استاندارد پایین بیاید

NORMAL SIGNAL

خرید وقتی در داخل ابرها خط سریع از استاندارد بالا رود

فروش وقتی در داخل ابرها خط سریع از خط استاندارد پایین بیاید

WEEK SIGNAL

خرید در زیر ابرها خط سریع از خط استاندارد بالا رود

فروش در زیر ابرها خط سریع از خط استاندارد برود

وضعیت بازار: اگر قیمت بسته شدن امروز بالای خط سریع بود بازار قوی است اگر قیمت زیر ابر بود نشانه یک روند ضعیف میباشد

فاصله آخرین کندل قیمت تا انتهای ابرها یک shift میگویند و برای پیشبینی سقف و کف آینده بکار میرود

ابرها ایچیموکو دو نوع هستند یکی قرمز و نشان استرس بالای بازار و دیگری آبی و نشان استرس پایین بازار

ضمناً از قطر ابرها تا حدودی میتوان به حجم معاملات پی برد

در خاتمه یاد آور میشوم که از ایچی موکو در روندهای جانبی یا side way نمیشود استفاده کرد

ANDREWS PITCHFORK

کانال آندرو براساس مطالعات دکتر آلن آندروز ابداع گردیده است

این کانال برای مشخص کردن مسیر قیمت و خطوط سقف و کف آن مورد استفاده قرار میگیرد

برای رسم آن ابتدا یک نقطه که در آن بازگشت صورت گرفته را مشخص میکنیم این را نقطه A مینامیم حالا

انتهای بازگشت را نقطه B مینامیم از A به B خطی رسم میکنیم اکنون باید یک نقطه بازگشت قدیمتر را

انتخاب کنیم و آن را نقطه C مینامیم اکنون از نقطه C به خط AB عمده میکنیم و آن را ادامه می دهیم حالا از نقاط A و B در خط به موازات خط اول رسم میکنیم با مطالعه رفتار قیمت در درون کانال میتوان به نکاتی دست پیدا کرد مثلاً با محاسبه فاصله C تا خط AB و معین کردن همان مقدار روی امتداد خط C بعد از تقاطع با AB میتوان نقطه بازگشت بعدی را حدس زد وقتی قیمت درون یک کانال حرکت می کند نشانه یک ترند است و بهتر است از اندیکاتورهای مخصوص ترند مثل ADX و ح..... استفاده کرد و اگر قیمت مرتب از کانال ها خارج میگردد دارای وضعیت VOLATILE یا بی ثباتی هستیم و میتوان از نوسان نگار ها استفاده کرد

اصول کاربرد اندیکاتور ها

کلیات

اندیکاتور ها به سه گروه تقسیم می شوند:

1- روند نما ها یا trend followers از قبیل ma

این اندیکاتور ها برای تشخیص جهت روند و به صورت زیر بکار می روند.
- در بازار های تخت کم نوسان یا پر نوسان هیچگونه کاربردی ندارند.
- در بازار های روند دار با تغییر روند سیگنال خرید یا فروش می دهند در بعضی موارد با دیورژانسی که قبل از تغییر روند نشان می دهند می توانند احتمال تغییر روند را پیشگویی کنند.

2- نوسان نما ها یا oscillators از قبیل استوکستیک

این اندیکاتور ها نمایانگر نوسانات قیمت حول روند اصلی هستند و به صورت های زیر بکار می روند.
- در بازار های تخت پر نوسان بهترین سیگنال های خرید و فروش را می دهند.
- در روند نزولی سیگنال های فروش بسیار خوبی می دهند ولی سیگنال های خریدشان چندان معتبر نیست
- در روند های صعودی سیگنال های خریدشان بسیار خوب است ولی سیگنال های فروششان معتبر نیست
- در مواقع تغییر روند سیگنال های گمراه کننده و معکوس می دهند.

3- اندیکاتور های ترکیبی : ترکیبی از هر دو گروه هستند مثل باند های بولینگر که خط وسط آن روند نما و باند ها نوسان نما هستند

تعیین استراتژی

اولین قدم در تعیین استراتژی تشخیص روند کلی بازار است . ساده ترین راه این تشخیص استفاده از روند نما ها است . یک خط ma ساده ترین نشان دهنده روند است . مثلاً امروز 27 ژانویه که بازار بدلیل اخبار مهم فردا و دلایل دیگر در یک سردرگمی به سر می برد روند GBP/USD تقریباً تخت تا حدودی صعودی است . بنابر این استفاده از یک نوسان نما مثل استوکستیک می تواند سیگنال های بسیار معتبری به ما بدهد . اگر بخواهیم ریسکمان را کاهش بدهیم چون روند کمی صعودی است از سیگنال های فروش می توانیم

صرف نظر کنیم و فقط از سیگنال های خرید استفاده کنیم و فروش را تنها برای بستن پوزیشن های خریدی که قبلا باز کرده ایم استفاده کنیم

انتخاب تایم فریم

یک قیمت در واقع ترکیبی از روند و نوسانات مقطعی است . تمام تلاش ما در استفاده از اندیکاتور ها این است که روند و نوسانات را از یکدیگر جدا یا فیلتر کنیم . تا بتوانیم از هر کدام در جهت کسب سود استفاده ببریم .

نمودار خطی قیمت های لحظه ای خود قیمت را نشان می دهد و هیچ فیلتری در آن اعمال نمی شود . ولی یک نقطه از یک نمودار خطی پنج دقیقه ای میانگین چندین قیمت لحظه ای است که ما آنها را از دست داده ایم ولی در عوض بخشی از نوسانات را فیلتر کرده ایم و به روند نزدیک شده ایم . در یک نمودار خطی هفتگی ما تمام قیمت های هفتگی را با میانگیم گیری به یک نقطه تبدیل کرده ایم . برای یک معامله گر بلند مدت که با پول خود یا با leverage های پایین کار می کند و فاصله یک خرید و فروشش ممکن است چند هفته یا ماه باشد این نمودار مناسب است چون چنین معامله گری اهمیتی به نوسانات جزئی لحظه ای نمی دهد و ترجیح می دهد آنها را حذف کند تا به روند بلند مدت پی ببرد .

ولی ما معامله گر روزانه هستیم که در هر روز حداقل چند معامله با استفاده از اعتبار انجام می دهیم و نمی توانیم معامله خود را برای مدت ها باز نگه داریم . بنابر این مجبوریم از تایم فریم های کوتاه تر استفاده کنیم باید توجه داشت همانطور که نوسان نما ها و روند نماها هر کدام به جای خود مفید هستند نمودار های با تایم فریم پایین هم بیشتر به نوسان نما و نمودار های با تایم فریم بالا هم بیشتر به روند نما شبیه هستند . بسیاری از معامله گران برای استفاده از هر دو جنبه نوسان نمایی و روند نمایی از دو تایم فریم کوتاه مدت و بلند مدت بطور همزمان استفاده می کنند . و یا در حالی که اکثر مواقع با یک تایم فریم کوتاه کار می کنند هر از چند گاهی به یک تایم فریم بلند مدت تر هم سر می زنند .

هر چند نوسانات مقطعی هم مفید و سود ده هستند ولی بسیار مهم است که این نوسانات ما را از روند غافل و منحرف نکند .

بنابراین در یک تایم فریم بلند مدت که خود نمودار با یک ma ساده روند را نشان می دهد استفاده از نوسانات نماها اهمیت بیشتری می یابد و اعتبار آن هم بیشتر است . مثلا در یک نمودار 4 ساعته درصد سیگنال های غلط یک نوسان نما مثل استوکستیک خیلی کمتر از همین اندیکاتور در یک تایم فریم 5 دقیقه است ولی از طرفی ممکن است در چند روز فقط یک سیگنال بدهد .

به همین ترتیب استفاده از روند نما ها در تایم فریم های کوتاه اهمیت بیشتری می یابد چون نمودار مملو از نوسان است و روند اصلی به راحتی در بین این نوسانات گم می شود .

شدت روند دار بودن بازار هم عامل دیگری در انتخاب تایم فریم است . اگر روند های شکل گرفته در بازار

برای مدت طولانی و با شیب زیاد در یک جهت حرکت کنند نیازی به استفاده از تایم فریم های بلند مدت نیست و در تایم فریم های کوتاه مدت هم می توان به خوبی این روند ها را مشخص کرد . ولی اگر روند دارای شیب کمی باشد و به سرعت تغییر کند تایم فریم های بلند مدت می توانند در تشخیص آن بسیار راهگشا باشند

مقایسه روند نما ها و نوسان نما ها

مقایسه نقاط قوت و ضعف روند نما ها و نوسان نما ها

• چون روند ها قوی تر از نوسانات هستند ، روند نما ها قابل اتکا تر از نوسان نما ها می باشند . بنابراین تنها هنگامی می توان از نوسان نماها به تنهایی استفاده کرد که روندی وجود نداشته باشد یا خیلی ضعیف باشد . ولی اگر روند قابل توجهی وجود داشته باشد فقط سیگنال های همجهت با روندی که توسط نوسان نما ها صادر شود، قابل اتکا است .

• روند نما ها گذشته نگر هستند و معمولاً تاخیر زیادی دارند و وقتی سیگنال می دهند که بخش عمده ای از حرکت بازار از دست رفته ولی نوسان نما ها آینده نگر تر هستند و سیگنالهایشان اگر صحیح باشد به هنگام تر از روند نما ها صادر می شود .

مثال:

باند های بولینگر یک اندیکاتور ترکیبی است که خط میانگین متحرک وسط آن روند نما و گذشته نگر است . این خط روند میان مدت گذشته تا کنون را نمایش می دهد .

ولی باندهای آن نوسان نما و آینده نگر است . این باندها محدوده ای را که به احتمال زیاد قیمت های آینده در آن نوسان خواهند کرد ، نشان می دهند .

سیگنال باند های بولینگر وقتی صادر می شود که قیمت ها با باند برخورد کنند یا خیلی به آن نزدیک شوند و سپس به سمت مرکز حرکت کنند

باند های بولینگر از زبان جان بولینگر:

باند بولینگر چیست ؟

باند های بولینگر باندهایی هستند که دور یا درون ساختار قیمت رسم می شوند و یک تعریف نسبی از بالا و پائین بودن قیمت ارائه می نمایند . قیمت های نزدیک به باند بالایی قیمت های بالا و قیمت های نزدیک به باند پائینی پائین تلقی می گردند .

مبنای باند های یک میانگین متحرک است که روند میان مدت بازار را نشان می دهد . این میانگین متحرک خط میانی باند ها را تشکیل می دهد و مقدار پیش گزیده آن در حدود 20 است . پهنای باند انحراف معیار و میزان نوسانی بودن بازار است . داده های مورد استفاده برای محاسبه نوسانی بودن همان داده های میانگین متحرک هستند . مقدار پیش گزیده انحراف معیار مورد استفاده در رسم باند ها 2 است .

فرمول ها:

خط میانی = میانگین متحرک

باند بالایی = میانگین متحرک + دو برابر انحراف معیار

باند پایینی = میانگین متحرک - دو برابر انحراف معیار

اصول استفاده از باند های بولینگر:

- 1- باندهای بولینگر معیاری نسبی برای بالا و پائین بودن قیمت ها هستند.
- 2- این تعریف نسبی می تواند همراه با مقایسه حرکت قیمت و حرکت اندیکاتورهای دیگر به تصمیم گیری خرید یا فروش در شرایط دشوار کمک کند.
- 3- اندیکاتورهای دیگر مناسب برای این کار مشتقات ممنوم ، حجم ، اندیکاتورهای نشان دهنده وضعیت های هیجانی (مثل Stochastic و RSI) و امثال آن هستند.
- 4- تحرک (volatility) و روند هر دو در ساختار باند های بولینگر بکار گرفته شده اند بنابراین استفاده از ابزارهایی که فقط روند یا نوسانی بودن را نشان می دهند جهت تایید حرکت قیمت ، به همراه باند بولینگر توصیه نمی شود.
- 5- اندیکاتورهای دیگری که برای تایید استفاده می شوند ، نباید از یک گروه باشند.
- 6- باند های بولینگر می توانند برای شفاف سازی الگوهای قیمت مثل سقف و کف دو قلو استفاده شوند.
- 7- قیمت می تواند به بالای باند بالایی و زیر باند پایینی برود.
- 8- بسته شدن قیمت در خارج باند های بولینگر می تواند یک سیگنال تداوم روند تلقی شود و نه برگشت روند . به همین دلیل باند های بولینگر در بسیاری از سیستم های موفق مبتنی بر مرز شکنی (Breakout) استفاده مناسبی می شود.
- 9- مقادیر پیش گزیده 20 برای میانگین متحرک و 2 برای انحراف معیار فقط مقادیر پیش گزیده هستند نه بیش از آن . پارامترهای عملی باید بر اساس بازار و استراتژی استفاده از باند های بولینگر تعیین شوند.
- 10- میانگین متحرک مورد استفاده نباید به منظور اخذ بهترین سیگنال تقاطع میانگین های متحرک استفاده شود . بلکه باید روند میان مدت را نشان دهد.
- 11- هر چه دوره میانگین متحرک از 20 بالاتر تنظیم شود ، ضریب انحراف معیار هم باید از 2 بیشتر شود و بالعکس.
- 12- باندهای بولینگر فقط بر اساس میانگین متحرک ساده تنظیم می شوند چرا که مبنای محاسبه انحراف معیار هم همین میانگین ساده است.
- 13- مراقب استفاده ناصحیح صرفاً آماری از ساختار باند ها بر اساس انحراف معیار باشید. تعداد نمونه باند های بولینگر برای یک استنتاج آماری صحیح بسیار پائین است و توزیع آماری مربوطه هم به ندرت نرمال است

استراتژی های معاملات

برای ادامه بحث ضروریست که نگاهی کوتاه به استراتژی های مختلف معاملاتی داشته باشیم . استراتژی های معاملاتی را می توان به سه دسته عمده تقسیم نمود:

1- استراتژی های مبتنی بر دامنه معاملاتی : (Range trading) در این استراتژی ها معامله گر یک دامنه برای معامله خود تعیین می کند . حدود این دامنه می توانند خطوط افقی ، مورب یا منحنی باشند . مثلاً این دامنه می تواند یک کانال ، یک خط حمایت و یک خط مقاومت ، یک مثلث ، باندهای بولینگر یا امثال آن باشد . معامله گر با نزدیک شدن قیمت به دامنه بالائی و مشاهده علامتی مبنی بر برگشت اقدام به فروش می کند و بالعکس .

2- استراتژی های مبتنی بر بازگشت : (Reversal trading) در این روش معامله گر منتظر پایان یک موج (نه الزاماً یک روند) می ماند. سپس با یک معامله در خلاف جهت موج سعی در کسب سود از بازگشت حاصل از موج می نماید. مهمترین ابزار این استراتژی خطوط فیبوناچی است.

3- استراتژی های مبتنی بر مرز شکنی : (Breakout trading) در این روش معامله گر مترصد تشکیل یک روند جدید است و با مشاهده شکست یک مرز ، با قیمت همراه می شود. این معامله گر بخشی از سود را از دست می دهد چون باید منتظر اطمینان از شکست یک مرز قوی باشد ولی در مقابل بخش قابل توجهی از سود ناشی از یک روند را که معمولاً بیش از سود های بازگشت یا بین دو دامنه است ، کسب می کند . به عنوان مثالهایی از مرز شکنی می توان شکست خط روند ، شکست خطوط حمایت و مقاومت ، شکست خط گردن الگوی سر و شانه ، شکسته شدن یک میانگین متحرک توسط یک میانگین متحرک کوتاه مدت تر یا شکست باندهای بولینگر را نام برد

هر چه تایم فریم کوچکتر باشد نوسانات در مقایسه با روند ها بهتر دیده می شوند و استفاده از استراتژی های معاملاتی دامنه ای انتخابی مناسب است هر چند که باید نیم نگاهی هم به روند داشت و در خلاف روند اصلی باند مدت تر معامله نکرد . همچنین ریسک و در عین حال سود پایین تر است. انتخاب تایم فریم ارتباط تنگاتنگی با اهداف تعیین شده در زمینه سود و حد زیان دارد. هیچ اسکالپر موفقی در تایم فریم 4 ساعته دنبال سود های 5 پپی نیست و معامله گر موفقی که دنبال سود های 100 پپی است در تایم فریم پنج دقیقه دنبال آن نمی گردد

استراتژی های مبتنی بر مرز شکنی به کمک باندهای بولینگر:

شکست باندهای بولینگر می تواند هشدار مبنی بر تشکیل یک روند جدید باشد . تشخیص شروع یک روند قوی از نوسانات گمراه کننده نیاز به ترکیب صحیح با سایر جنبه های تحلیل تکنیکی و قضاوت صحیح معامله گر دارد. وجود شرایط زیر می تواند تقویت کننده سیگنال همسو با قیمت باشد:

1- افزایش قابل ملاحظه در حجم

2- نزدیک بودن میانگین متحرک های کوتاه ، میان و بلند مدت که باعث می شوند بازار مثل فنر جمع شود و

با شکسته شدن باند بولینگر همگی میانگین متحرک ها با قیمت هم جهت می شوند و روند جدید را تایید می کند.

3- نزدیک شدن باند های بولینگر قبل از بروز شکست . در این صورت باید هوشیار بود که یک تغییر قیمت خیلی جزئی می تواند شکست گمراه کننده ایجاد کند. همچنین در بعضی مواقع بازار قبل از شروع حرکت اصلی چند بار شکست در جهت های صعود یا نزول را تست می کند یا اصطلاحاً خود را به در و دیوار می زند تا راه اصلی خود را پیدا کند که این حرکت های گیج کننده هم با افزایش حجم همراه است و معمولاً نشان دهنده تشکیل یک روند قوی است .

4- شکست باند همراه با شکست مرز های دیگری مثل خطوط حمایت و مقاومت باشد.

5- سایر جنبه های تکنیکی (بخصوص تکنیک (3-2-1 هم امکان ادامه روند پس از شکست را تایید کنند.

فرهنگ لغات تخصصی فارکس

(A)

- Account حساب , به اصل حساب افتتاح شده نزد یک بانک یا کارگزار گفته میشود .

- ACEAN سازمان همکاریهای اقتصادی جنوب شرق آسیا

- After Tax Income درآمد پس از کسر مالیات از آن

- Agr (Agriculture) کشاورزی , مربوط به زیرشاخصهای , شاخص GDP

- Anecdotal شایعات و شنیده هایی که در بازار به سرعت گسترش می یابد .

- Annual سالانه , مربوط به گزارشات مالی سالانه

- Announcement اظهاریه , مربوط به اظهاریه بعد از نشست کمیته های تصمیم گیرنده

بانکهای مرکزی در مورد نرخ بهره و دیگر مسائل مالی.

- Anticipation پیش بینی , مربوط به پیش بینی قیمت توسط تحلیل گران

- Appreciation ارزش یافتن , افزایش نرخ یک ارز در مقابل ارز دیگر

- Asset (s) دارائی ها , به مجموع دارائیهای نقدی یا غیر نقدی یک شخص یا موسسه گفته میشود

- Auction حراج , به حراجی یک کالا , سهام و یا ملک گفته میشود

- Average میانگین , متوسط

(B)

- Balance موازنه , تعادل , اشاره به بالانس حساب بعد از بسته شدن تمامی معاملات فعال دارد .

- Bankruptcy ورشکستگی , اشاره به اعلام ورشکستگی اشخاص , موسسات یا شرکتهای دارد .

- Bar chart - نمودار بار , نوعی از نمودار همراه با قیمت بالا , پایین و فعلی در بازه مشخص زمانی .

- Basis پوینت پایه , کوچکترین واحد تغییرات نرخ بهره .

- Bear خرس , اشاره به روند نزولی در نمودارهای قیمت ارز , کالا و سهام دارد .
- Bearish market بازاری که روند کلی آن در یک بازه زمانی نزولی باشد .
- Benchmark به نرخ و ارزش یک واحد از سبد سهام موجود در هر بازار بورس سهام گفته میشود
- Bid نرخ خرید یک ارز , کالا یا سهام توسط خریدار (بازار ساز یا کارگزار) یا بالاترین قیمت ممکنه برای فروش یک محصول تجاری توسط معامله گر .
- (Bank Of England) BOE نام اختصاری برای بانک مرکزی انگلستان .
- Board of Trade Clearing Corporation - شرکتی مستقل در بازار سهام شیکاگو که تمامی معاملات انجام شده در این مرکز توسط آنها به تایید نهایی رسیده و گارانتی میشود .
- Broker کارگزار , واسطه بین مشتری (معامله گر) و بازار فارکس
- Brokerage Fee کمیسیون دریافتی کارگزار از معامله گران در ازای انجام یک سفارش
- Budget (Deficit) بودجه , اشاره به کسری بودجه برخی کشورها
- Bullish (Market) گاو , اشاره به روند افزایشی در نمودار قیمت .
- Buy - خرید , اشاره به خرید ارز , کالا و یا سهام .

(C)

- Cable پوند انگلستان , اصطلاحی برای پوند انگلستان در بازار فارکس
- Calendar (Economic) تقویم , مربوط به تقویم زمانبندی انتشار شاخصهای اقتصادی
- Capacity Utilization میزان درصدی بهره وری از کل ظرفیت هر واحد تولیدی
- Capital سرمایه , اصل سرمایه ابتدایی نزد سرمایه گزار
- Cash نقد , پول نقد
- Central Bank بانک مرکزی
- CBI (Confederation of British Industry) کنفدراسیون صنعت بریتانیا
- Chart نمودار قیمت ارز , کالا یا سهام
- Charting Tool سرویس نمودارهای قیمت که توسط برخی نرم افزار های معامله ارائه میشود
- Client مشتری , سرویس گیرنده از بانک , کارگزار و یا هر مرکز مالی دیگر
- Climate (Business) وضعیت اقلیمی , اشاره به شاخصهای مربوط به وضعیت تجاری هر کشور
- Closing Price آخرین قیمت پرداخت شده برای یک ارز , کالا یا سهام
- Commercial بازرگانی , تجاری
- COM membership اجازه عضویت و معامله کالا توسط اشخاص مستقل در بورس شیکاگو

- Commission Fee حق العمل , کمیسیون دریافتی در ازای انجام سفارش خرید و فروش
- Commodity کالا , به کالاهای قابل معامله در بازارهای جهانی گفته میشود (نفت, طلا, نقره و ..)
- Comparison مقایسه یک ارز با ارز دیگر
- Confidence اعتماد , رضایت و اطمینان . اشاره به شاخص رضایت مصرف کنندگان
- Consensus اجماع , اکثریت . اشاره به پیش بینی اکثریت معامله گران در بازار
- Consolation تسلیت , دلداری. اشاره به رفتارهای پس از ضرر در بین معامله گران
- Consumer مصرف کننده
- Continental اقلیمی , قاره ای , اشاره به تاثیر یک رویداد اقتصادی یا سیاسی در بعد فیزیکی آن
- Convention کنوانسیون , نشست یک شورای همکاری های اقتصادی یا سیاسی
- Convergence تقارب , هم گرایی دو خط به یکدیگر. اشاره به الگوی کانورژانس در نمودار قیمت
- Credit Card کارت اعتباری , خرجکرد قبل از پرداخت بوسیله کارت های مغناطیسی
- Cross Pairs به جفتهای ارزی گفته میشود که شامل دلار امریکا (USD) نباشد .
- Currency ارز , اصطلاحی برای پول خارجی
- Crude Oil نفت خام
- Customer مشتری

(D)

- Debit Card کارت بدهکاری , کارتهایی که تنها به میزان موجودی قابل استفاده میباشند
- Decade دهه , به یک دوره ده ساله در کارنامه یک شرکت یا موسسه مالی گفته میشود
- Decline کاهش , به کاهش نرخ یک ارز, کالا یا سهام در مقایسه با قیمت های قبلی گفته میشود
- Deflation کاهش عمومی قیمت ها در مقایسه با سال گذشته (مخالف تورم)
- Deficit کسری , اشاره به کسری بودجه ناشی از کسری صادرات نسبت به واردات
- Delivery تحویل , اصطلاحی است که به تحویل ارز, کالا یا سهام خریداری شده در تاریخ تعیین شده در آینده در بازار Future اشاره میکند
- Demand تقاضا , مربوط به اصل عرضه و تقاضا (Demand Supply =)
- Deposit سپرده , سرمایه نقدی سپرده شده نزد بانک یا کارگزار توسط معامله گر
- Depreciation کاهش ارزش , کاهش نرخ یک ارز در مقابل ارز دیگر
- Dept- بدهی , بدهی و تعهدات مالی اشخاص , موسسات یا دولتها
- Divergence واگرایی , افتراق . به دور شدن دو خط در نمودار قیمت

- Documentary مستند , اسناد ارائه شده موسسات و شرکتها
- Domestic داخلی , محلی , اشاره به بازارهای مصرف و تولیدات داخلی هر کشور
- Doubt تردید , شک .
- Draft حواله , برات
- Durable بادوام , پایدار , کالاهای با عمر بیش از 3 سال (اتومبیل , یخچال , تلویزیون و ..)

(E)

- Earning سود , سود بردن
- ECB (European Central Bank) بانک مرکزی اتحادیه اروپا
- Economical اقتصادی , صرفه جویانه
- Employee کارفرمایی
- Employment اشتغال
- EMS (European Monetary System) سیستم مالی و پولی اتحادیه اروپا
- EMU (European Monetary Union) اتحادیه پولی اروپا (منطقه یورو)
- Energy انرژی , اشاره به بحث نفت و تاثیرات آن بر بازارهای مالی دارد
- Equilibrium Price قیمت در حالتیکه میزان عرضه با تقاضا برای یک محصول تجاری برابرگردد
- Euro واحد پول اتحادیه پولی اروپا (12 کشور)
- Evidence گواهی , شهادتنامه . اشاره به گواهی مجمع مرکزی بورس در صورت استعلام
- Exceed متجاوز شدن , بالغ شدن از... اشاره به رکورد جدیدی از قیمت یا تولید کالا
- Exchange Rate نرخ تبدیل دو ارز نسبت به یکدیگر
- Expectation انتظارات , انتظارات معامله گران در مورد نرخ یک ارز , کالا یا سهام
- Expiration Date به تاریخ به پایان رسیدن مدت یک قرارداد در بازار Future گفته میشود
- Export صادرات , به مجموع صادرات کالا و خدمات گفته میشود
- Exponential MA نوعی اندیکاتور که بر اساس میانگین گیری اطلاعات گذشته عمل میکند

(F)

- Fall سقوط , اشاره به سقوط قیمت یک ارز نسبت به دوره قبلی
- Federal (Fed) Reserve خزانه داری فدرال ایالات متحده امریکا
- Financial دارایی , مالی , بخشی از تجارت که به مدیریت دارایی و سرمایه میپردازد

- Floating Exchange Rate نرخ تبادلات ارزی شناور
- Fluctuation نوسان ، بالا و پایین رفتن نرخ در یک بازه زمانی
- FOMC (Federal Open Market Committee) کمیته مرکزی بازار و بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا که به تصمیم گیری در مورد نرخ بهره میپردازند
- Forecast پیش بینی ، پیش بینی نرخ ارز، کالا یا سهام توسط تحلیل گران - Foreign خارجی
- Foreign Exchange (FX) بازار تبادلات خارجی
- Forward Contract به قراردادی اطلاق میگردد که زمان تحویل آن در آینده باشد
- Fund - سرمایه ، پول سرمایه گذاری شده در یک حساب جهت معامله
- Fundamental- مکتب تحلیل اخبار و رویدادها در اقتصاد
- Future market بازاری که قراردادها در آن بر اساس ماهیت تحویل در آینده انجام میشود

(G)

- Gamma واحد سنجش سرعت تغییرات قیمت در بازار Future
- GDP (Gross Domestic Product) - تولید ناخالص داخلی
- Green back اصطلاحی برای دلار آمریکا در بازار فارکس
- Gross Profit سود ناخالص ، سود حاصله قبل از کسر مالیات یا کمیسیون

(H)

- Hedging قفل کردن میزان سود و ضرر
- High بالاترین قیمت ثبت شده در یک بازه زمانی مشخص
- Hike پرش های شدید و ناگهانی قیمت
- Holder (Account) مالک حساب (در فارکس یا یک حساب بانکی عادی)

(I)

- Illiquidity عدم جریان نقدینگی در یک بازار مشخص
- Income درآمد ، مجموع درآمدهای هر شخص ، شرکت یا موسسه مالی
- Incur خسارت دیدن ، تحمل خسارت توسط شرکتهای بیمه
- Index شاخص
- Indicator نشانگر ، اندیکاتور
- Indices شاخصها ، مترادف Index

- Industry صنعت
- Inflation تورم , افزایش عمومی قیمت کالاها و خدمات نسبت به سال گذشته
- Initial margin حداقل سپرده اولیه معامله گر نزد کارگزار جهت معامله در یک بازار تجاری
- Insight -بینش و دید تحلیلی به وضعیت اقتصادی یا سیاسی یک کشور یا مجموعه
- Insurance بیمه , صنعت بیمه گری
- Interaction اثر متقابل , به اثر متقابل یک رویداد و واکنش قیمت ارز به آن گفته میشود
- Interbank نرخ های برابری ارزهای مختلف در مقابل یکدیگر در بازار فارکس
- Interest Rate نرخ بهره
- International بین المللی
- Intervention دخالت , اشاره به دخالت برخی بانکهای مرکزی در بازار
- Introducing broker (IB) اشخاصی که مشتریان جدیدی را به کارگزاران معرفی میکنند
- Investment سرمایه ای که تحت سرمایه گذاری میباشد
- Investor سرمایه گزار
- Invoice فاکتور , برگه گواهی خرید
- ISM (Institute Of Supply Management) موسسه مدیریت عرضه در ایالات متحده امریکا

(J)

- Job شغل
- Jobless claim -مطالبات بیمه بیکاری توسط بیکاران از مراکز بیمه بیکاری در امریکا اخذ میگردد

(L)

- Indicators Leading شاخصهای راهبردی اوضاع اقتصادی
- Lending Fund سپرده , پول یا سرمایه ای که نزد بانک یا موسسه اعتباری سپرده شده
- Leverage -اعتبار اهرمی تخصیص یافته به معامله گران توسط کارگزار
- Liabilities طلبکاری , دیون
- Limit Order نوعی از سفارشات در بازار فارکس
- Liquidity نقدینگی , جریان نقدینگی در بازار
- Loan وام
- Long ارز , کالا یا سهام را خریداری شده

- (Stop) Loss ضرر , اشاره به حد ضرر تعیین شده توسط معامله گر
- Low پایینترین نرخ ثبت شده قیمت در یک بازه زمانی مشخص

(M)

- Managed Account سرمایه ای که توسط شخص یا موسسه ای مدیریت گردد

- Manners & Material معادن و مواد معدنی

- Manufacturing Product محصولات و تولیدات کارخانه ای

- Margin سرمایه احتیاطی , سرمایه ای که بعنوان پشتوانه نزد کارگزار حفظ میشود

- Margin call حالتی که میزان ضرر معاملات از حد مجاز آن بیشتر گردد

- Market بازار , محل داد و ستد

- Measured سنجیده شده , اصطلاحی که روسای بانکهای مرکزی ممکن است هنگام اعلام سیاستهای آتی

خود در مورد تغییرات نرخ بهره بکار ببرند

- Minutes خلاصه مذاکرات انجام شده در یک نشست اقتصادی

- Monetary پولی , مالی

- Money پول

- Monthly ماهانه , دوره ای از زمان که شاخصهای اقتصادی در آن بررسی میشوند

- Mortgage رهن , گرو , اشاره به نرخ بهره مربوط به رهن

- MPC (Monetary Policy Committee) کمیته سیاستگذاری پولی انگلستان

(N)

- Narrow کاهش آهسته آهسته نرخ ارز در نمودار قیمت

- Net profit سود خالص , سود پس از کسر مالیات و کمیسیون

- NFA (National Future Association) سازمان حمایت از معامله کنندگان در برابر قوانین داخلی

امریکا

- Non – Durable goods کالاهای ناپایدار , بی دوام با عمر کمتر از 3 سال

- Note خلاصه و گزارش بررسی شده عملکرد مالی شرکت یا موسسه مالی

(O)

- Offer معامله گری که اقدام به فروش یک ارز میکند (فروش)
- Offset بازکردن معامله دوم برای پوشش ضرر معامله اول , مترادف Hedge
- OPEC سازمان صادر کنندگان نفت خام
- Option market بازاری که کالا یا ارز در قیمتی مشخص برای تحویل در تاریخ تعیین شده در آن معامله میشود اما خریدار حق هیچگونه ادعایی در مقابل تغییرات قیمت نخواهد داشت
- OTC (Over-The-Counter) بازاری که مرکزیت و مکان مشخصی ندارد (فارکس)

(P)

- Pace گام برداشتن , به جهش قیمت و حرکت آن در نمودار قیمت گفته میشود
- Performance عملکرد , کارنامه معاملات شخص یا شرکت مدیریت سرمایه
- Personal شخصی , مربوط به میزان شاخص خرجکرد شخصی میباشد
- PIP (Point) کوچکترین واحد شمارش نوسان قیمت
- P/L (Profit/Loss) نسبت سود به ضرر , سود ناخالص
- Policy سیاست , تصمیمات در مورد رویه اقتصادی آینده یک شرکت یا بانک
- Position معامله
- Price Predicting پیش بینی قیمت
- Preliminary (Pre) اولیه , مقدماتی . بررسی مقدماتی یک شاخص اقتصادی
- Premium دریافت اضافه بر کمیسیون بعلت حجم بالای سفارش مورد تقاضا معامله گر
- Price قیمت
- Producer تولید کننده
- Product محصول تولیدی
- Production تولید
- Projection پیش بینی قیمت
- Properties (total) مجموع اموال و دارایی ها
- Purchase (r) خرید (خریدار)

(R)

- Range (Price) محدوده نوسان قیمت در یک دوره زمانی مشخص
- Rate نرخ
- Release (s) شاخصهای اقتصادی اعلام شده در تاریخ مشخص (فوندامنتال)
- Relieve تخفیف , کاستن از قیمت
- Repurchase Agreement (Repo) نوعی قرارداد در بازار future که فروشنده تعهد میکند کالا را بعد از فروش دوباره خریداری کند.
- Reserve ذخیره , خزانه داری
- Resistance حد بالایی قیمت در یک سیکل نوسان قیمت
- Retail sales خرده فروشی
- Retired بازنشستگان , از کار افتادگان
- Rumor شایعه , اخبار کذب منتشره توسط شرکتها یا اشخاص

(S)

- Salary حقوق , دستمزد , حقوق ماهیانه ثابت
- Scalper معامله گرانی که در بازار فارکس تنها بدنبال چند پیپ میگردند
- Sell فروش
- Sentiment تمایلات , احساسات
- Settlement Price آخرین قیمت معامله شده یک محصول تجاری در طول روز گذشته
- Short ارز , کالا یا سهام فروخته شده
- Skeptical احساس تردید و شک معامله گر در هنگام معامله
- Slip = swoop = Slide down نزول و کاهش قیمت
- Speculators به معامله گرانی گفته میشود که با مشاهده بازار در پی صید فرصتهای معامله از روند های ایجاد شده میگردند (برخلاف بازارسازها)
- Spend خرج کردن , مربوط به شاخص خرجکرد مصرف کنندگان
- SPOT معامله ای که در کمتر از دو روز کاری تسویه گردد
- Spread اختلاف بین نرخ ASK و BID کارمزد دریافتی کارگزار در فارکس
- Stock market بازار بورس سهام و اوراق بهادار

- Stop order نوعی سفارش خرید یا فروش در هنگام افزایش قیمت از حدود بالا و پایین
- Strengthen تقویت شدن , قدرت گرفتن قیمت , افزایش قیمت یک ارز در مقابل دیگری
- Supply عرضه , مربوط به اصل عرضه و تقاضا (Supply = Demand)
- Support حد پایین سیکل نوسان قیمت
- Survey وضعیت و شرایط عمومی اقتصادی یک کشور یا مجموعه
- SocietyWorldWideInterbankFinancialTelecommunication (SWIFT) شبکه جهانی تبادلات اطلاعات تجاری بین بانکی (شبکه سوئیفت)

(T)

- Tankan موسسه ارائه دهنده شاخصهای وضعیت اقتصادی کشور ژاپن
- Target حد سود , حد مورد نظر قیمت به هدف بسته شدن بر روی سود
- Tax مالیات , ضریب افزوده ای بر قیمت تولید , بازرگانی , خدمات و ...
- Technical analysis مکتب تحلیلی فنی (تکنیکال) که از ابزاری چون نمودارها و اندیکاتورها بهره میبرند

- Trade معامله کردن یک محصول تجاری (ارز , کالا یا سهام)
- Treasury خزانه داری

(U)

- Unemployment rate نرخ بیکاری , درصد تغییرات تعداد بیکاران هر کشور
- U.S Treasury Bill اوراق قرضه منتشره دولت امریکا همراه با تخفیف در فروش مدت اعتبار این اوراق کمتر از یکسال میباشد
- U.S Treasury Note اوراق قرضه منتشره بصورت کوپن بها دار , خریدار در صورت تحویل این کوپن پس از مدتی از یک تا 10 سال سود مشخصی دریافت خواهد کرد.

(V)

- Versus در مقابل , در برابر , اشاره به مقایسه یک ارز در برابر ارز دیگری
- Volatility میزان نوسان و جنبش قیمت یک محصول تجاری در بازه زمانی مشخص
- Volume مجموع حجم معاملات انجام شده در بازه زمانی مشخص

(W)

- Wage دستمزد ساعتی
- Wall street خیابانی مشهور در نیویورک که مرکز تجارت نیویورک نیز میباشد
- Weekly هفتگی
- Wire Transfer انتقال و حواله پول از شعب یک بانک به سایر بانکهای سراسر دنیا

(Y)

- Yield درصد بازدهی سالانه یک سرمایه گذاری
 - Year سالانه
- مقایسه بازارهای مختلف از نظر ریسک و بازده

سؤال : آیا بازارهای مختلف (ارز) (Forex) سهام (CFDs و) کالا (Commodities) از درجه یکسان ریسک و بازده برخوردارند؟

برای جواب سؤال باید مقوله ای را مورد بررسی قرار داد که به آن شخصیت بازار (Market Behavior) گویند که بازاری خاص را از نظر شرایط خاص، درجه ریسک پذیری و شفافیت قیمت و مورد بررسی قرار می دهد.

در این جا لازم است ابتدا موضوعی را خاطر نشان کرد و آن این است که در صورت نداشتن حداقلی از دانش (Knowledge) تئوری و عملی و شناخت مبانی مدیریت ریسک (Risk Management) همراه با آشنایی روانشناسی معامله (Psychology of Trade) که در ذیل بخشی مبانی این پایه ها بصورت تیتروار بیان می گردد ورود به هر کدام از این بازارها مانند رفتن به اقیانوس بدون آشنایی با فن شنا است.

مراحل مختلف کسب دانش جهت حضور در بازارهای الکترونیکی Online

الف: دانش معامله Knowledge of Trade

1- آشنایی با نرم افزار بازار و انواع Order ، حدسود (Limit) حدضرر (Stop) سفارش معامله (Entry Order) و قفل کردن معامله (Hedge Position)

2- آشنایی با فاکتورهای اقتصادی موثر جهت تحلیل قیمت Fundamental Analysis

3- آشنایی با انواع نمودار و کاربرد نمایانگرهای مختلف در روند قیمت

ب: مدیریت ریسک Risk Management

عامل دوم پس از کسب دانش معامله مدیریت ریسک می باشد که به شخص توانایی حضور در بازار و تحمل نوسانات ذاتی بازار را میدهد که بطور کلی اگر افراد 10% از سرمایه خود را در بازار وارد کنند از درجه قابل

قبولی از Risk Management برخوردارند.

ج: روانشناسی معامله

در این مبحث حالات روحی و روانی اشخاص جهت حضور در این بازارها مورد بررسی قرار می گیرد که بطور کلی اولین شرط ورود به این بازارها این است که مبلغ سرمایه وارد شده حد ریسک اشخاص بوده (Risk Capital) و با فرض اینکه اگر تمام آن پول نیز در معامله مورد زیان واقع شد سیستم زندگی شخص (Life Style) تغییر عمده ای نکند.

در اینجا فرض بر این است که شخص با موارد قبل آشنا بوده و با یک حساب آزمایشی (Demo Account) نیز کار کرده است و حال در آستانه انتخاب بازار قرار دارد.

شخصیت بازار (Market Behavior)

در کلیه بازارها عدد مورد معامله را قیمت یا Price گویند که در اینجا مشخصه های ذاتی قیمت که منجر به پایداری هر چه بیشتر بازار می گردد را بیان می کنم.

1- ارزش ذاتی: هر چه قیمت بیانگر مقدار معینی کالا باشد از استحکام بیشتری برخوردار است برای مثال ارزش هر اونس طلا در بازار یک حداقلی دارد (ارزش تمام شده) که هیچگاه از آن پایینتر نمی آید در حالی که نرخ برابری ارزها (برای مثال EUR/USD) رقمی است که هیچگاه نمی توان به توافقی برای نرخ برابری واقعی رسید یعنی بسته به عوامل مختلف و بسیار متعدد می تواند بسیار پایین یا بسیار بالا باشد. از این نظر قیمت های Commodity کالا از استحکام بیشتری نسبت به نرخ برابری ارزها برخوردارند.

2- پیروی از قوانین بازار: کالاهای جهانی (Commodity) بدلیل جهانی بودن نسبت به نرخهای برابری ارزهای مختلف پیروی بیشتری از قوانین عرضه و تقاضا دارند. بنابراین نوسانات کالاها قابل پیش بینی تر و با عوامل عینی بیشتری سروکار دارند.

3- دوری از اعمال نظر دولتها: بازار ارز نبرد بین دولتها می باشد که هر کدام می توانند با چاپ اسکناس و وضع قوانین مالی خاص قواعد بازی را موقتاً بهم زده و باعث ضرر و زیان معامله گران جزء شوند در حالیکه چنین امکانی در بازارهای سهام و کالا کمتر میسر است و هیچکدام از دولت ها نمی توانند با اقدامات ناگهانی تعادل بازار کالایی را بهم بزنند.

4- ارزش ذاتی سهام و کال: در بازارهای سهام و کالا چون قیمت نمایانگر کمیتی مشخص از یک سرمایه معین می باشد تغییرات ناگهانی در ارزش ذاتی یک کمیت فیزیکی بدون تغییرات در کمیت آن کالا بسیار نا محتمل می باشد. در واقع ارزش ذاتی هر اونس طلا بیانگر مقداری معین از دلار می باشد که نوسانات تنها از نوسانات دلار تبعیت می کند ولی نسبت آن یک به یک مانند ارزها نمی باشد برای مثال ارزش برابری یورو به

دلار آمریکا در ماه فوریه 2004 برابر 1.3000 بود در حالیکه طلا هیچگاه با آن برابری از 437 دلار بالاتر نرفته و امروز با نرخ برابری دلار تقریباً یکسان با یورو است ولی طلا به قیمت \$450 رسیده است یعنی ارزش ذاتی طلا سوای 10 ماهه سال 2004 معادل 15-20 دلار در هر اونس افزایش پیدا نموده است.

((جمع بندی))

معاملات در بازارهای کالا (commodity) و سهام (CFD) نسبت به بازارهای ارز از درجه ریسک کمتری برخوردار بوده و می تواند احتمال کسب سود را افزایش دهد .
حضور عملی در بازارهای سهام
باید توجه داشت که بازارهای سهام در دنیا به 2 گروه عمده تقسیم می گردد:

1- سهام مالکیتی Physical Share

با خرید این نوع سهام اشخاص درصدی از مالکیت یک شرکت بخصوص را مالک شده و به نسبت سهم خود در سود یا زیان آن شرکت سهیم می باشند و طبیعی است که از کلاس حقوق مربوط به مالکیت از قبیل حق رأی در مجامع، مدیریت برای سهام بیش از 50% و ... برخوردار می شوند این قبیل معاملات اغلب با تشریفات اداری لازم و بصورت یک به یک (یعنی پرداخت بهای کلیه سهام مورد نظر توسط خریدار صورت می گیرد.

2- قرارداد برای تفاوت CFD (Contracts For Difference)

در این نوع قراردادها افراد تنها شاخص سهام را خریداری نموده و در سود یا زیان آن شریک می باشند. قراردادهای CFD بطور عمده با مشخصات ذیل عرضه می گردد:

1- برای خرید CFD تنها با سپردن \$50 می توان 100 (یکصد) سهم را خریداری نمود (قیمت یک سهم در این بازار مهم نیست) یعنی در واقع یک لات (Lot) سهام برابر یکصد سهم می باشد.

2- قراردادهای CFD دو طرفه است یعنی اگر انتظار کاهش قیمت یک سهم را داریم می توانیم ابتدا اقدام به فروش نماییم و در قیمت پائینتر بخریم و از تفاوت قیمت طبق فرمول ذیل سود کسب نماییم.

3-

($100 \times \text{قیمت خرید} - \text{قیمت فروش}$) تعداد لات = سود / زیان \$

4- قراردادهای CFD در ساعات مشخص بازار (سهام های اروپایی در ساعت لندن و سهام آمریکا در ساعت نیویورک) مورد معامله قرار می گیرد و اشخاص می توانند در طول ساعت بازار کاملاً آن را دنبال

نمایند.

5- قراردادهای CFD بدون تشریفات معمول سهام فیزیکی در کمتر از 5 ثانیه مورد معامله قرار گرفته و امکان خروج سریع از بازار را فراهم می آورد.

6- در بازارهای CFD تشکیل سبد سهام بسرعت فراهم بوده و می توان حتی سبدهای روزانه تدارک دید و مدیریت نمود.

7- بدلیل دو طرفه بودن بازارهای CFD در صورت تمایل می توان یک سهام را در آن واحد خرید و فروخت بدون خروج از بازار (hedging) که این ابزاری جهت مدیریت ریسک و استفاده از نوسانات بازار می باشد. اکنون با توجه به پیش زمینه ای قبلی وارد بازارهای CFD شده از مجموعه سهام برای مثال شرکت IBM را انتخاب نموده و در بازار (NYSE بورس نیویورک) از ساعت 6 الی 12:30 نیمه شب هر روزه دوشنبه الی جمعه شروع به کار می نمائیم. (البته با دمو)

کسب اطلاعات لازم جهت معامله یک سهم خاص

1- وارد سایت <http://www.bigcharts.com> شوید.

2- در مستطیل سفید بالای صفحه نام شرکت مورد نظر را تایپ نمائید (IBM).

3- در این سایت کلیه اطلاعات لازم مربوط به شرکت مورد نظر از قبیل تاریخچه، زمان تقسیم سود، نمودار قیمت (دو ماه تا چند سال)، اخبار مربوط به آن شرکت، تحلیل فعالان بازار و ... وجود دارد.

4- با استفاده از نمودار روزانه و Low, High روزهای قبل و Support و Resistance روزانه هنگام باز شدن بازار با توجه به روند کلی روزانه در بازار Up trend هر گاه قیمت نزدیک خط Trend باز شد اقدام به خرید نمائید و اگر قیمت بالاتر از خط (Trend نسبت به نوسانات بازار) باز شد اقدام به فروش نمائید.

بازارهای 24 ساعته فرصت یا تهدید

شاخصهای عرضه شده در بورسهای جهانی بصورت Online شامل گستره وسیعی از بازارها از قبیل انواع ارز Forex، انواع کالا (Commodity مانند طلا نقره، پلاتین، نفت، گندم، ذرت و محصولات پتروشیمی و ...) و انواع سهام Stocks بصورت سبدهای (Nasdaq, Dow Jones, Nikkei, Dax) و ... یا بصورت شرکت مجزا (IBM, INTEL, MERCK) و ... می باشد.

بعضی از این شاخص ها بصورت 24 ساعته قابل معامله می باشند مانند، ارز، طلا، نقره و نفت و بعضی از شاخص ها (بطور عمده سهام شرکت های مجزا) تنها در ساعات مشخص کاری تابع بورسهای عرضه کننده آن سهام می باشند.

در سالهای اولیه آشنایی با این بازارها مانند تصور عمومی، 24 ساعته بودن ساعات کار بازار ارز را یکی از بهترین امتیازها می دانستم ولی تجربه چندین سال کار و مشاهده بیش از ده ها Trader بصورت فردی یا گروهی و تجربه عملی کار در بازارهای سهام (CFDs) به نتیجه گیری ذیل رسیده ام البته این موضوع تنها شروع یک بحث می باشد و آماده شنیدن نظرات کارشناسی دوستان هستیم.

بازار ارز یک بازار جهانی و 24 ساعته است. در واقع فعالان این بازار باید بصورت تمام وقت و با تمام انرژی در آن درگیر باشند که اغلب یک نفر به تنهایی توان و وقت و امکانات کار تمام وقت را در این بازار با توجه به الگوهای خاص زندگی ایرانیان (مسئولیت های خانوادگی، علائق شخصی، الگوهای انجام فعالیت های روزمره ...) دارا نمی باشد.

یعنی تنها شرکت ها و تیمهای معامله (Trade) توانائی دنبال کردن وقایع و تحلیل های روزمره بازار ارز را دارا بوده و می توانند به موقع عکس العمل نشان دهند ولی اشخاص به تنهایی پس از کار روزانه وارد جریان سیالی می شوند که تابع تحولات قبل از آن بوده و چون اشراف در آن ندارند با نوسانات گاه شدید و غیر قابل انتظار مواجه شده و بدلیل کمبود زمان (بدلیل انجام کارهای متفرقه) با شتابزدگی وارد بازار شده و یا خارج می شوند در نتیجه بازارهای 24 ساعته کار 24 ساعته می طلبد و چون یک شخص فردی Individual نمی تواند 24 ساعته کار کند پس باید یک تیم شکل بگیرد. هر زمان که افراد به تنهایی خواسته اند کار یک گروه (Team) را انجام دهند خود و دیگران را با مشکل مواجه کرده اند.

در نقطه مقابل بازارهای سهام مورد معامله در NYSE (New York Stock Exchange) که به زمان تهران از ساعت 6 بعدازظهر شروع شده و تا 1.5 صبح روز بعد ادامه دارد زمان بسیار مناسبی جهت ایرانیان می باشد که دلایل آن باختصار بیان می شود.

5- 1 روز هفته (دوشنبه الی جمعه چند ساعت اتصال به شبکه برای مثال ساعت 6 الی 11 شب ریتم کلی زندگی افراد را کمتر مورد تأثیر قرار می دهد)

2- ساعت 6 عصر به زمان ما اغلب حدود 1.5 ساعت از اخبار مهم بازار ارز گذشته است و افراد اجباراً دور از بازار بوده و از نوسانات گاهاً شدید آن مصون می باشند یعنی در واقع زمانی شروع به کار می کنند که بازارهای ارز و طلا و نقره در یک حالت سکون نسبی و پایدار قرار دارند که شرایط را پایدارتر می کنند.

3- با توجه به محدود بودن میدان فعالیت (چند شرکت مشخص) زمان کمتری جهت پیگیری اخبار آن شرکت

ها لازم است و شخص سریعتر Update شده و آماده معامله می گردد.

4- با توجه به Online بودن سایر فعالان در یک زمان بخصوص امکان عملی ایجاد بستری جهت همفکری و دریافت Signal خرید یا فروش از طریق اینترنت فراهم می باشد که این کار عملاً ریسک فردی کار کردن را در این بازارها کاهش می دهد.

5- ساعات محدود کار (8 ساعت کار بورس (Nyse) عملاً افراد در ساعات دیگر خارج از بازار بوده و از تنش ها و التهابات بازار دور می باشند و این کار به آرامش و تجدید قوا و انجام سایر امور روزمره که بارفکری برای افراد دارد کمک نموده در نتیجه معامله گران Traders با آرامش بیشتری در بازار حضور پیدا می کنند

نتیجه گیری

بازارهای سهام امریکا که هر روز (دوشنبه الی جمعه) در بازار نیویورک (به زمان تهران 6 عصر الی 1.5 صبح) مورد معامله قرار می گیرد با توجه به اختلاف زمانی ایران و نیویورک زمان مناسبی جهت معامله گران ایرانی فراهم می آورد که با تمرین با حساب های مجازی Demo Account افراد می توانند بدون ریسک مراتب فوق را امتحان نموده و تجربه کسب نمایند
در واقع حضور در بازارهای حقیقی در گرو جواب به سؤالات ذیل می باشد:

1- آیا تسلط کافی نسبت به نرم افزار (Platform) و شناخت دقیق انواع سفارش (Entry. Limit. Stop.) وجود دارد؟

2- آیا در بازار مورد نظر بیشتر تحلیل اخبار (Fundamental Analysis) کاربرد دارد یا تحلیل داده ها (Technical Analysis)؟

3- آیا شناخت کافی نسبت به مدیریت ریسک (Risk Management) و کنترل حد سود یا زیان حاصل شده است؟

4- آیا منابع خبری مهم جهت بازار مورد نظر را مورد شناسایی قرار داده ایم؟

5- آیا شرایط روحی، روانی، خانوادگی و ... جهت ورود به بازارهای حقیقی را داریم؟

جواب کامل به هر یک از سؤالات فوق احتیاج به سالها کار مداوم و تحقیق و بررسی دارد و نمی توان به طور

مثال گفت که پس از چه مدت زمانی (مثلاً 6 ماه) از آشنایی با این بازارها و مفاهیم آن افراد آمادگی ورود به بازارهای حقیقی را کسب می نمایند

مهمترین اندیکاتورها

این اندیکاتور برای نشان دادن حجم بکار میرود و خط ac/ds بر اساس نظریه چایکین میتواند میزان ورود و خروج پول به سهم را نشان دهد

AROON 2

یک نوسان نگار و بیان کننده قدرت ترند و مسیر آن است و به ADX شبیه است

AVERAGE DIRECTORIAL INDEX (ADX) 3

یک نوسان نگار که تعیین کننده قدرت رونداست و میتواند مشخص کننده پتانسیل تغییر بازار از یک روند به روند دیگر باشد

AVERAGE TRUE RANGE (ATR) 4

یک اندیکاتور برای مشخص کردن بی ثباتی بر اساس قیمت و روند

BOLLINGER BAND 5

یک اندیکاتور که اجازه میدهد در یک بازه زمانی بی ثباتی و قیمت نسبی را با یکدیگر مقایسه کرد

BOLLINGER BAND WIDTH 6

برای تحلیل قدرت روند بکار میرود و بر اساس تفاوت بین نوار بالا و پایین بولینگر که معرف بیثباتی است عمل میکند

COMMODITY CHANNEL INDEX 7

یک اندیکاتور برای مشخص کردن نقاط خرید و فروش و تعیین قدرت روند و تغییرات آن

MACD 8

یک اندیکاتور که از ترکیب میانگین های متحرک بدست می آید که از تقدم فاز و تاخر آنها نسبت به یکدیگر مینوان روند را پیش بینی کرد و نقاط خرید و فروش را متوجه شد

MONY FLOW INDEX (MFI) 9

یک اندیکاتور مومنتوم در باره حجم است و بیان گر میزان ورود و خروج پول به بازار است

MOVING AVERAGE 10

یکی از مهمترین و ساده ترین اندیکاتورها که بکمک آن میتوان بازه زمانی روندها را مشخص کرد و از ترکیب 3 تای آن در بازه های زمانی متفاوت میشود زمان خرید و فروش را مشاهده کرد

MOVING AVERAGE ENVELOPS 11

یک جفت خط که در بالا و پایین میانگین متحرک رسم میگردد و در فاصله مشخصی هستند و این امکان را میدهند که بفهمیم تا چه اندازه نسبت به میانگین متحرک سرگردان هستند

ON BALANCE VOLUME (O B V) 12

مهمترین اندیکاتور برای تعیین میزان حجم است وقتی قیمتها رشد نمایند obv هم رشد میکند و با کم شدن قیمتها obv هم کم میگردد ضمناً واگرایی آ» با نیز مهم است

PARABOLIC SAR 13

وقتی قیمتها در یک روند هستند به ما کمک میکند تا زمان شکسته شدن روند را تشخیص بدهیم

PERCENTAGE VOLUME OSILATOR 14

بعنوان وسیله ای برای تشخیص افزایش و کاهش حجم بکار میرود

PRICE CHANNELS

شبهه باند های بولینگر است و در بالا و پایین قیمت رسم میگردد و نشانه بی ثباتی میباشد

PRICE OSILATOR (INCLUDING PPO) 16

یک اندیکاتور که براساس تفاوت بین دو میانگین متحرک تهیه شده است و بیان کننده همدرد و هم میزان حقیقی اختلاف است

PRICE BY VOLUME 17

یک هیستو گرام افقی که نمایشگر جمع حجم در رنج واقعی قیمت است

RATE OF CHANGE 18

ساده ترین اندیکاتور مومنتوم است و مقایسه قیمت در دو بازه زمانی است

RELATIVE STRENGHT INDEX (R S I) 19

یک نوسان نگار مومنتوم و مقایسه بین میزان افزایش و کاهش قیمت است

STANDARD DEVIATION 20

یک اندیکاتور برای نشان دادن بی ثباتی است و نشان میدهد که چگونه قیمت منتشر می شود

STOCHASTIC OSCILATOR 21

یک اندیکاتور مومنتوم که نشان میدهد قیمت بسته شدن و نسبت آن را با قیمت‌های بالا و پایین دوره های گذشته

STOCH RS I 22 یک نوسان نگار که اندازه گیری میکند میزان اختلاف σ را با رنج آن

TRIX 23

یک اندیکاتور مومنتوم که بر اساس درصد σ از بین سه میانگین متحرک نمایی در مورد قیمت بسته شدن به کار میرود

ULTIMAT OSILATOR 24

یک نوسان نگار که توسط سه بازه زمانی مختلف بکار می آید

WILLIAMS %R 25

یک اندیکاتور برای تشخیص شرایط خرید و فروش زیاد

ZIG ZAG 26

یک اندیکاتور واقعی نیست ولی برای فیلتر کردن نمودارها به کار می رود

ICHIMOCO 27

اندیکاتوری برای نگاه اجمالی که با یک نگاه بسیاری از شرایط سهم را دریابیم

مقدمه ای بر نمودارهای شمعی

تاریخچه

ژاپنی ها در قرن 17 میلادی استفاده از تحلیل تکنیکال را برای تجارت برنج آغاز کردند. درحالیکه این دیدگاه

اولیه از تحلیل تکنیکال ممکن است اختلافاتی با دیدگاه آمریکایی که در حدود سال 1900 توسط Charles

Dow آغاز شد داشته باشد، بسیاری از اصول راهنمای آنها خیلی شبیه به هم بود .

«چی» (روند قیمت) بسیار مهمتر است از « برای چی» (اخبار، سود و مانند آن)

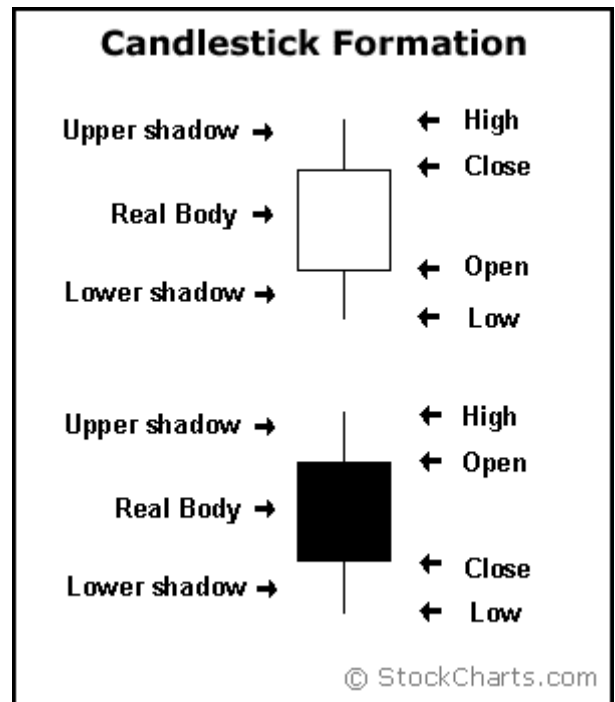
تمام اطلاعات موجود، در قیمت انعکاس می یابد .

خریداران (1) و فروشندگان (2) بازارها را بر اساس انتظارات و هیجانات حرکت می دهند. (ترس و طمع)

نوسان بازارها .

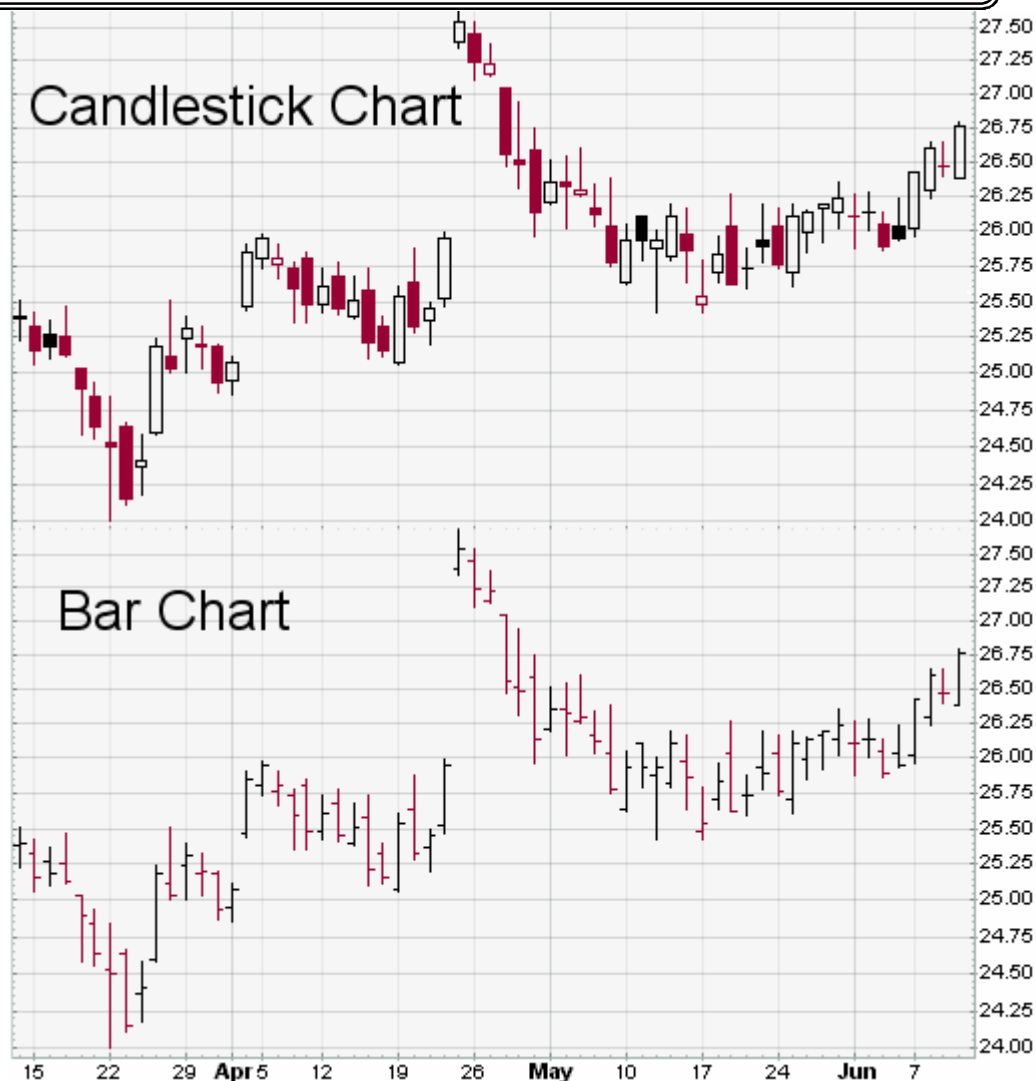
قیمت واقعی یک سهم ممکن است ارزش نهفته آنرا نشان ندهد .

طبق نظر Steve Nison ، نمودار شمعی بعدها آمد و احتمالاً زمانی پس از سال 1850 رواج یافت. مقدار زیادی از اعتبار و گسترش شمع و نمودارها به Homma باز میگردد، یک تاجر افسانه ای برنج از Sakata . علی الرغم نامشخص بودن سازنده شمع ها ، Nison یادآور می شود که آنها احتمالاً نتیجه گسترش یک تلاش همگانی در طی سالها تجارت می باشند .



آرایش

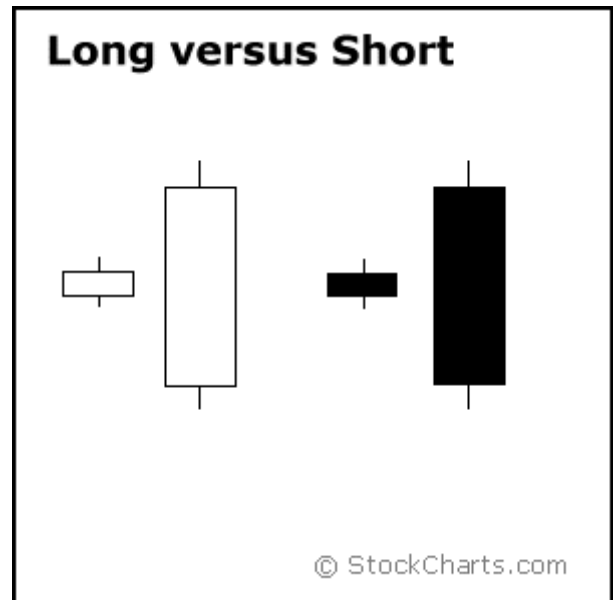
شمع ها از قیمت های باز، بالا، پایین و بسته (3) استفاده می کنند. بدون قیمت های «باز» ترسیم نمودارهای شمعی غیرممکن است. چنانچه قیمت «بسته» در بالای قیمت «باز» قرارگیرد، تشکیل یک شمع توخالی (همیشه بصورت سفید نمایش داده می شود) را می دهد. چنانچه قیمت «بسته» در پایین قیمت «باز» قرارگیرد یک شمع توپر (همیشه بصورت سیاه نمایش داده می شود) را تشکیل میدهد. به بخش توخالی یا تو پر هرشمع، «بدنه» (همچنین بدنه اصلی نیز نام دارد) گفته می شود. {محدوده بین قیمت های باز شدن و بسته شدن در هر دوره بدنه گفته می شود} خطوط باریک و بلند در پایین و بالای بدنه که دامنه قیمت های بالا/ پایین را نشان میدهند «سایه ها» (4) نام دارند. (همچنین به «دنباله ها» (5) و «فتیله ها» (6) نیز معروف میباشند). قیمت بالا به وسیله بالاترین نقطه سایه بالایی نشان داده می شود و قیمت پایین به وسیله پایین ترین نقطه سایه پایینی نشان داده می شود .



در مقایسه با نمودارهای سنتی میله‌ای، بسیاری از سرمایه‌گذاران عقیده دارند که تفسیر نمودارهای شمعی از لحاظ بصری بسیار جذاب و ساده می‌باشد. هر شمع یک تصویر روشن از روند قیمت را نشان می‌دهد. یک سرمایه‌گذار به سرعت می‌تواند نسبت بین قیمت‌های باز و بسته را همانند قیمت‌های بالا و پایین مشاهده کند. ارتباط بین قیمت‌های باز و بسته اطلاعات اساسی فرض شده است که ماهیت شمع را شکل می‌دهد. شمع‌های سفید، در جایی که قیمت بسته بیشتر از قیمت باز است، فشار خرید {بازار صعودی} را نشان می‌دهد. شمع‌های سیاه، در جایی که قیمت بسته از قیمت باز کمتر است، نشانگر فشار فروش {بازار نزولی} است.

بدنه های بلند در مقایسه با بدنه های کوتاه

به صورت کلی، بدنه های بلند نشانگر فشار شدید خرید یا فروش است. بالعکس، شمع های کوتاه بیان کننده حرکت ناچیز قیمت و تثبیت می باشد.



شمع های بلند سفید نشانگر فشار شدید برای خرید می باشند. شمع سفید بلندتر همچنین، نشان دهنده بالاتر بودن قیمت بسته از باز است. این امر بیان کننده ترقی قیمت ها از باز به بسته و خریدارانی فعال است. علی الرغم اینکه شمع های سفید بلند، عموماً نشان دهنده بالا رفتن قیمت (7) هستند، بستگی به موقعیت آنها در نمودار تکنیکال دارد.

بعد از کاهش های ممتد، شمع های سفید بلند میتوانند نشانه یک نقطه چرخش بالقوه یا یک سطح حمایت (8) باشند. اگر بعد از یک دوره افزایش خریداران خیلی فعال شوند می توانند باعث هدایت سهم بسوی رکود شوند.

شمع های بلند سیاه رنگ نشان دهنده فشار شدید فروش هستند. شمع سیاه بلندتر همچنین، نشان دهنده پایین تر بودن قیمت بسته از باز است. این امر تأکید بر کاهش عمده قیمت ها از قیمت باز و همچنین فروشندگان فعال دارد. بعد از یک دوره افزایش، یک شمع سیاه بلند میتواند نقطه چرخش یا نشان خط مقاومت (9) بعدی را پیش بینی کند. پس از یک دوره کاهش قیمت، یک شمع بلند سیاه می تواند بیانگر ترس یا رکود باشد.

Marubozu

White
MarubozuBlack
Marubozu

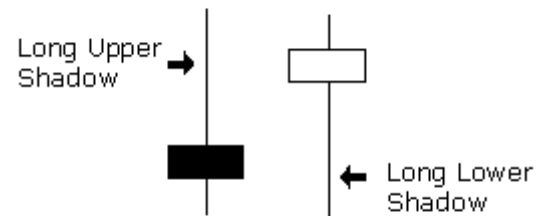
© StockCharts.com

بیشتر شمع‌های قوی سیاه و سفید، **Marubozu brothers** هستند (10) **Marubozu**. سایه‌های بالا یا پایین ندارد و بالا و پایین به وسیله باز یا بسته نشان داده شده‌اند. یک **Marubozu** سفید زمانی شکل می‌گیرد که قیمت باز برابر با قیمت پایین و قیمت بسته برابر قیمت بالا باشد. این امر نشان می‌دهد که خریداران قیمت را از اولین معامله تا آخرین معامله کنترل می‌کرده‌اند. **Marubozu** سیاه زمانی شکل می‌گیرد که قیمت باز برابر قیمت بالا و قیمت بسته برابر با قیمت پایین باشد. این موضوع نشانگر آن است که فروشندگان، قیمت را از اولین معامله تا آخرین معامله کنترل می‌کرده‌اند.

سایه‌های بلند در مقایسه با سایه‌های کوتاه

سایه‌های بالایی و پایینی روی شمع‌ها می‌توانند اطلاعات ارزشمندی در مورد یک دوره معامله ارائه نمایند. سایه‌های بالایی نشان دهنده بالاترین قیمت سهم در یک روز و سایه‌های پایینی نشان دهنده کمترین قیمت سهم در یک روز می‌باشند. شمع‌های با سایه‌های کوتاه، نشان می‌دهند که بیشتر معاملات منحصراً در محدوده قیمت‌های باز و بسته صورت گرفته است. شمع با سایه‌های بلند نشان می‌دهد که معاملات به میزان زیادی از قیمت‌های باز و بسته فاصله گرفته‌اند.

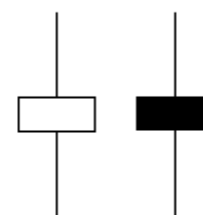
Long Shadows



© StockCharts.com

شمع هایی با سایه بلند بالایی و سایه کوتاه پایینی نشانگر این هستند که خریداران در طی دوره بر بازار حکمفرما بوده و قیمت ها را به بالا هدایت کرده اند . هرچند؛ نیروی فروشندگان بعداً قیمت بالای سهم را به سمت پائین کشاند و یک قیمت بسته ضعیف باعث بوجود آمدن سایه بلند بالایی گردید . بالعکس، شمع هایی با سایه های بلند پایینی و سایه های کوتاه بالایی نشانگر این می باشند که فروشندگان در طی دوره بر بازار حکمفرما بوده اند و قیمت ها را پائین آورده اند . اگرچه؛ خریداران بعداً قیمت ها را در انتهای دوره به سمت بالا هدایت کردند و یک قیمت بسته قوی باعث ایجاد یک سایه بلند پایینی گردیده است .

Spinning Tops



© StockCharts.com

شمع هایی با یک سایه بلند بالایی ، یک سایه بلند پایینی و یک بدنه کوچک اصلی، به نام دوک (11) نامیده می شوند. یک سایه بلند نشان دهنده برگشت در طبقه بندی ها است درحالیکه دوک نشان دهنده تردید می باشد.

بدنه اصلی کوچک (چه توخالی یا توپر) حرکت مختصر قیمت از حالت باز به بسته را نشان می دهد؛ سایه ها نشان می دهند که خریداران و فروشندگان (12) در طی دوره فعال بوده اند. {نشان از بازاری خنثی دارد }
 علی الرغم اینکه معاملات با تغییرات کمی باز و بسته شده بودند؛ قیمت ها به طور مشخصی در همان زمان بالا و پایین می رفتند. هیچکدام از فروشندگان و خریداران نتوانستند بر دیگری غالب شوند .
 بعد از یک دوره افزایش قیمت و یا یک شمع سفید بلند، یک دوک، نشانگر حالت ضعف در میان خریداران و یک تغییر بالقوه یا تعلیق در روند افزایشی قیمت می باشد .
 بعد از یک دوره کاهش قیمت یا یک شمع سیاه بلند، یک دوک، نشانگر ضعف در میان فروشندگان و یک تغییر بالقوه یا تعلیق در روند کاهشی قیمت می باشد .

1-Buyers

2-Sellers

3-Open – High – Low - Close

4-Shadows

5-Tails

6-Wicks

7-Bullish

8-Support level

9-Resistance

10- یک شمعدان بدون سایه های گسترده، تشکیل شده از قیمت های باز، بسته یا هر دو

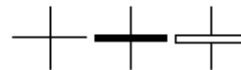
11-Spinning Tops

12-Bulls and Bears

مقدمهای بر نمودارهای شمعی

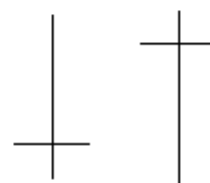
بخش دوم

(1) Doji شمع های با اهمیتی هستند که اطلاعات خودشان را در گروهی از الگوهای مهم نمایان می سازند. وقتی که قیمت یک سهم در هنگام باز و بسته شدن مساوی باشد دوجی شکل می گیرد. طول سایه های بالا و پایین می تواند متفاوت باشد و نتیجتاً شمع به شکل یک صلیب، صلیب وارونه (صلیبی که 90 درجه چرخیده باشد) یا علامت بعلاوه به نظر می رسد. دوجی ها صرفاً الگوهای خنثی هستند. هر تمایل به افزایش قیمت (2) یا کاهش قیمت (3) بر مبنای حرکت پیشین قیمت و ثبات بعدی است. کلمه دوجی هم به صورت مفرد و هم جمع به کار می رود .

Doji

© StockCharts.com

در وضعیتی مطلوب، اما نه الزاماً، قیمت باز و بسته شدن سهم باید مساوی باشد. درک ماهیت شمع هنگامی که یک دوجی با قیمت های باز و بسته مساوی نیرومندی مطرح می شود خیلی مهم است. دوجی بیان کننده یک حس دودلی یا کشمکش میان خریداران و فروشندگان است. در طول یک روز قیمت ها نسبت به قیمت باز شدن بالا و پائین می روند، ولی در قیمت باز شدن، یا نزدیک به آن بسته می شوند. نتیجه یک توقف است، نه فروشندگان (4) و نه خریداران (5) نیز قادر نیستند کنترل را بدست گیرند و این چرخش می تواند گسترش یابد.

Doji

© StockCharts.com

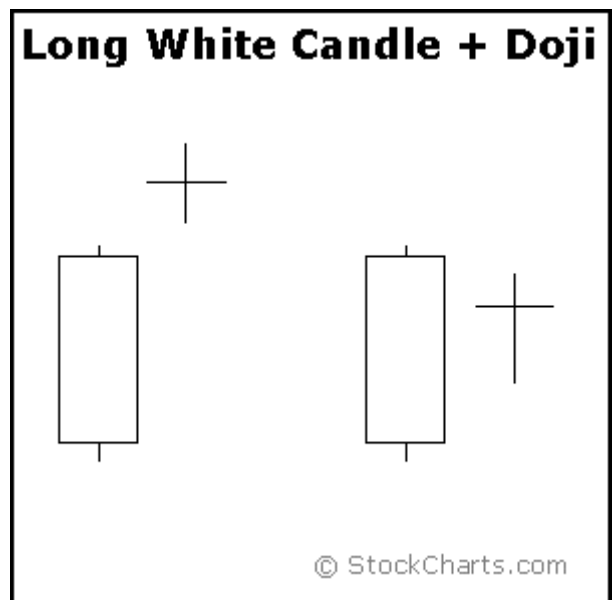
سهم های مختلف معیارهای متفاوتی برای تعیین نیروی یک دوجی دارند. یک سهم 20 دلاری می تواند یک دوجی را با $1/8$ واحد اختلاف بین قیمت باز و بسته تشکیل دهد، در حالیکه یک سهم 200 دلاری ممکن است با $1/4$ واحد اختلاف دوجی را شکل دهد. {منظور پهنای بدنه شمع می باشد }

تعیین نیرومندی دوجی بستگی به قیمت، بی‌ثباتی (6) تغییرات اخیر آن و شمع‌های قبلی دارد. در ارتباط با شمع‌های قبلی، دوجی باید بدنه خیلی کوچکی داشته باشد که به شکل یک خط باریک ظاهر می‌شود.

Nison Steven متوجه شد یک دوجی که در میان شمع‌هایی با یک بدنه کوچک شکل می‌گیرد، نباید مهم انگاشته شود. معذالک تشکیل یک دوجی در میان شمع‌هایی با یک بدنه بلند مهم شمرده می‌شود.

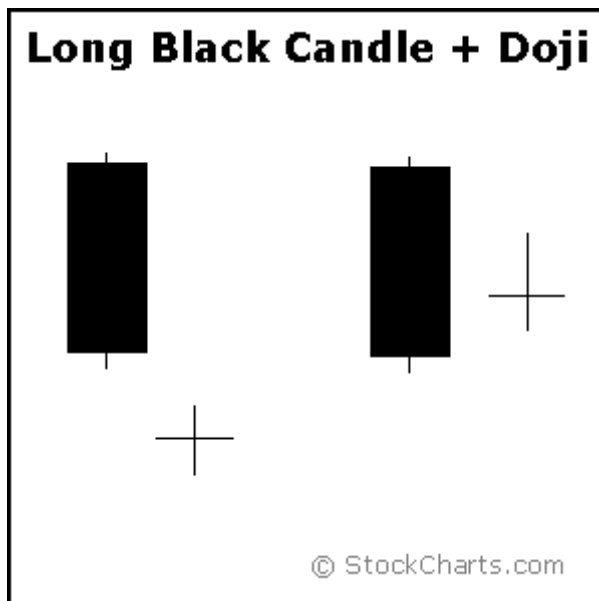
دوجی و روند قیمت (7) Trend

موقعیت دوجی بستگی به روند قبلی یا شمع‌های قبلی دارد. بعد از یک رشد یا شمع سفید بلند، دوجی اخطار می‌دهد که فشار خرید در حال کم شدن است. بعد از کاهش یا شمع سیاه بلند، دوجی اخطار می‌دهد که فشار فروش در حال کاهش است. دوجی دلالت بر هماهنگی بیشتر فشار عرضه و تقاضا دارد و تغییر در این روند ممکن است نزدیک باشد. دوجی به تنهایی نشانه یک برگشت نیست و تأیید بیشتری نیز لازم است.



بعد از یک رشد یا شمع سفید بلند، دوجی اخطار می‌دهد که فشار خرید ممکن است در حال کم شدن باشد و روند صعودی نزدیک به پایان است. از آنجایی که قیمت یک سهم می‌تواند به سادگی در اثر کمبود خریداران کاهش یابد، ادامه فشار خرید برای تقویت روند صعودی لازم است. بنابراین ممکن است بعد از یک روند صعودی یا شمع سفید بلند، دوجی بیشتر معنا پیدا کند. حتی بعد از اینکه دوجی شکل گرفت، رشد منفی بیشتری نیز برای تأیید کاهش قیمت‌ها (8) لازم است. این ممکن است به صورت (9) {شکاف روبه پائین gap down}، شمع سیاه بلند و یا یک کاهش زیرقیمت باز شدن شمع سفید بلند، باشد. در پی تشکیل دوجی و شمع سفید بلند معامله‌گران باید گوش به زنگ افت قیمت‌ها (10) باشند.

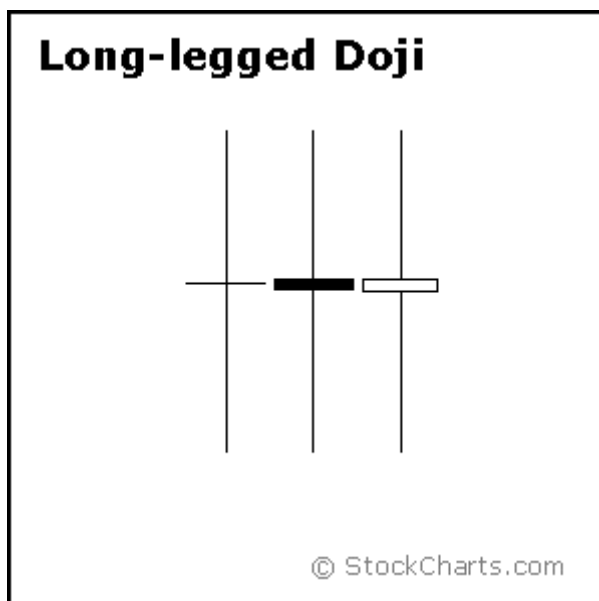
شمع بلند مشکی + دوجی

Long Black Candle + Doji

بعد از یک کاهش یا شمع سیاه بلند ، دوجی اخطار می دهد که فشار فروش ممکن است در حال کم شدن باشد و روند نزولی نزدیک به پایان است . علی الرغم اینکه فکر کنیم فروشندگان کنترل کاهش را از دست می دهند، نیروی بیشتری برای تأیید هر برگشتی لازم است .

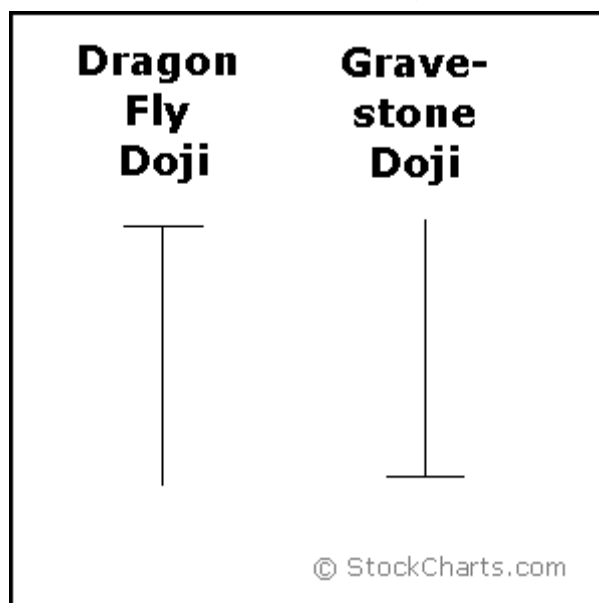
بالارفتن قیمت می تواند نتیجه یک {شکاف روبه بالا} (gap up 11) ، شمع سفید بلند یا افزایش بالای قیمت باز شدن شمع سیاه بلند باشد . بعد از یک شمع سیاه بلند و دوجی معامله گران باید گوش به زنگ افزایش قیمت ها (12) باشند .

دوجی پایه بلند

Long-legged Doji

دوجی پایه بلند سایه های بالا و پایین بلندی دارد که تقریباً در طول مساوی هستند. این ها بازتاب کننده مقدار زیادی عدم اطمینان در بازار هستند. دوجی پایه بلند نشان می دهد که در یک دوره قیمت ها در بالا و پائین قیمت باز شدن به خوبی معامله شده ولی عملاً نزدیک به قیمت باز شدن بسته می شوند. بعد از کلی هیاهو، نتیجه نهائی تغییر کوچکی را از قیمت آغازین باز شدن سهم نشان می دهد.

دوجی اژدهای پرنده (DragonFly Doji 13)



وقتی که قیمت پائین یک سایه بلند پائینی را ایجاد می کند، قیمت باز شدن، قیمت بالا و قیمت بسته شدن مساوی اند، دوجی اژدهای پرنده شکل می گیرد. شمع حاصله با یک سایه بلند پائینی بدون سایه بالائی به شکل یک T به نظر می رسد.

دوجی اژدهای پرنده نشان می دهد که فروشندگان معاملات را در دست داشته و موجب کاهش قیمت در طی دوره شده اند. در انتهای دوره خریداران مجدداً به صحنه آمده و قیمت ها را به قیمت باز شدن سهم و قیمت بالای دوره بر می گردانند.

پیامد برگشت یک دوجی اژدهای پرنده بستگی به حرکت قبلی قیمت و تأیید آتی دارد. سایه بلند پائینی گواه بر فشار خرید است، اما قیمت پائین نشان می دهد که هنوز فروشندگان بسیاری وجود دارند. دوجی اژدهای پرنده می تواند بعد از یک روند نزولی طولانی، شمع سیاه بلند در نقطه حمایت، نشان برگشت نیروی بالقوه افزایش یا کف قیمت باشد. بعد از یک روند صعودی طولانی، شمع سفید بلند یا در نقطه مقاومت، سایه بلند پائینی می تواند حاکی از برگشت نیروی بالقوه کاهش یا سقف قیمت باشد. تأیید کاهش یا افزایش برای هر دو موقعیت لازم است.

دوجی سنگ قبر Gravestone

موقعی که قیمت بالا سایه بالائی بلند را بوجود می آورد و قیمت باز شدن ، قیمت پائین و قیمت بسته شدن مساوی هستند دوجی سنگ قبر شکل می گیرد. شمع تشکیل شده به شکل یک T معکوس با یک سایه بالائی بلند، بدون سایه پائینی به نظر می رسد. دوجی سنگ قبر نشان می دهد که خریداران بر بازار و قیمت های بالائی دوره تسلط داشته اند. معذالک در انتهای دوره فروشندگان مجدداً به صحنه آمده و قیمت ها را به قیمت باز شدن سهم و قیمت پایین دوره بر می گردانند .

همانند دوجی اژدهای پرنده و دیگر شمع ها ، پیامد برگشت دوجی سنگ قبر بستگی به حرکت قبلی قیمت و تأیید بعدی دارد . هر چند سایه بلند بالائی یک افزایش ناموفق را نشان می دهد، بالا رفتن قیمت در خلال دوره گویای فشار خرید است. بعد از یک روند نزولی طولانی ، شمع سیاه بلند یا در نقطه حمایت ، تمرکز به سمت فشار خرید و کم شدن نیروی افزایش قیمت بر می گردد. بعد از یک روند صعودی طولانی، شمع سفید بلند یا در نقطه مقاومت ، تمرکز به سمت یک افزایش ناموفق و برگشت نیروی بالقوه کاهش قیمت بر می گردد. تأیید کاهش قیمت یا افزایش قیمت برای هر دو موقعیت لازم است .

1- Doji = شمعی است با بدنه بسیار کوچک که قیمت باز شدن و قیمت بسته شدن در آن یکی است. این شمع وقتی تشکیل می شود که قیمت باز و بسته شدن در آن روز مساوی یا خیلی نزدیک به هم باشند .

2- Bullish

3- Bearish

4-Bulls

5-Bears

6- volatility= اندازه گیری تغییرات قیمت در طی یک دوره زمانی مشخص

7- Trend = روند- اشاره به جهت قیمت ها دارد. معمولاً به :بیشتر از یکسال ، یک تا شش ماه

و کمتر از یک ماه تقسیم بندی می شود .

8-Bearish

9- gap down =

این حالت وقتی قیمت سهمی پایین قیمت پایین دوره قبل باز می شود و در آن حالت در طی دوره می ماند و

پایین آن بسته می شود، شکل می گیرد. مدت آن می تواند یک نموداریک روزه، هفتگی یا ماهانه باشد

10- Evening Doji Star = الگوی برگشتی سه روزه کاهش قیمت ها - روند صعودی با یک بدنه سفید بزرگ ادامه پیدا می کند، روز بعد بالا باز می شود، معاملات کمی صورت می گیرد و بعد در قیمت باز شدنش بسته می شود (دوجی). روز آخر زیر میانگین قیمت روز اول بسته می شود .

11-Gap Up =

این حالت وقتی قیمت سهمی بالای قیمت بالای دوره قبل باز می شود و در آن حالت در طی دوره مانده و بالای آن بسته می شود، شکل می گیرد. مدت آن می تواند یک نموداریک روزه، هفتگی یا ماهانه باشد .

12- Morning Doji Star =

الگوی برگشتی سه روزه افزایش قیمت ها - روز اول با یک روند نزولی و بدنه سیاه بلند شکل می گیرد. روز بعد پایین باز می شود و یک دوجی با تعداد کمی معامله را تشکیل می دهد. روز آخر بالای میانگین قیمت روز اول بسته می شود .

13- Dragon Fly Doji =

یک دوجی خطی جایی که قیمت باز و بسته در آن روز مساوی هستند

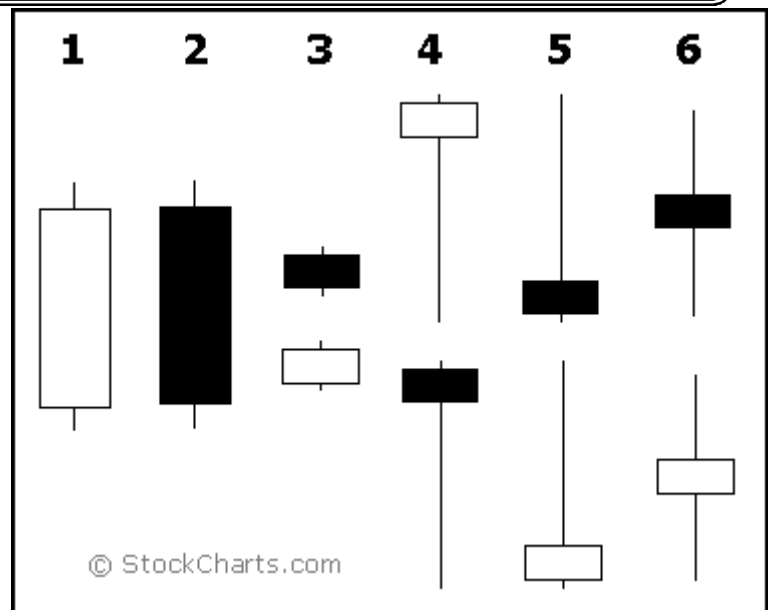
مقدمه ای بر نمودارهای شمعی (بخش سوم)

گاوها و خرسها

یک نمودار شمعی ترسیم کننده یک بطری ما بین گاوها (خریداران) و خرسها (فروشنندگان) در یک دوره زمانی معین می باشد .

یک قیاس دیگر در این مورد میتواند مانند دو تیم فوتبال باشد که ما آنها را نیز دو تیم گاوها و خرسها می نامیم. ناحیه پایین یک شمع نمایانگر نقطه هدف (دروازه حریف) برای خرسها است و ناحیه بالای شمع نقطه هدف (دروازه حریف) برای گاوها می باشد .

هدف گاوها بالا بردن قیمت close و رساندن آن به high می باشد و هدف خرسها پائین بردن قیمت close و رساندن آن به low می باشد. در این بین حالتی مختلفی بوجود می آید که ما به 6 نوع از این بازیها (شمعها) پرداخته ایم :

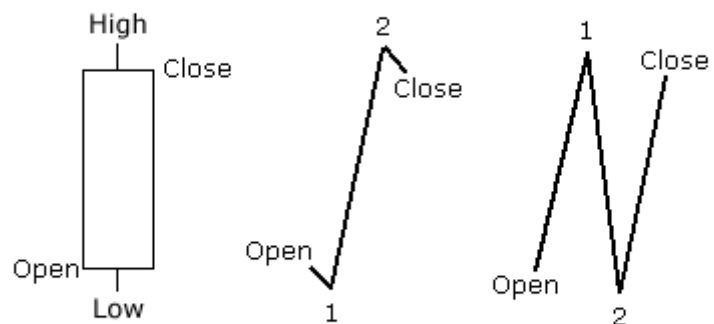


- 1- شمع سفید بلند که نشانگر اینست که گاوها کنترل توپ را (قیمت ها را) در بیشتر مدت بازی در دست داشته اند .
- 2- شمع بلند سیاه که نشانگر اینست که خرسها کنترل توپ را (قیمت ها را) در بیشتر مدت بازی در دست داشته اند .
- 3- شمع کوچک نشانگر اینست که هیچکدام از تیمها نتوانسته اند توپ را به میزان زیادی تا انتهای بازی، از نقطه شروع آن حرکت دهند .
- 4- شمع با سایه بلند پائینی نشانگر آنست که خرسها برای مدتی کنترل بازی را در دست داشته اند ولی در انتها کنترل بازی را از دست داده اند و گاوها یک برگشت موثر داشته اند .
- 5- شمع با سایه بلند بالایی نشانگر آنست که گاوها کنترل بازی را تا مدتی در دست داشته اند ولی در انتهای بازی کنترل را از دست داده اند و خرسها یک برگشت موثر را انجام داده اند .
- 6- شمع با سایه بلند بالایی و پایینی نشانگر اینست که هم خرسها و هم گاوها در مقطعی از بازی کنترل را در دست داشته اند اما هیچ یک نتوانسته اند حریف را از میدان بیرون کنند و نتیجه تقریباً مساوی است .

نمودارهای شمعی چه چیزهایی را نمی توانند به ما بگویند

نمودارهای شمعی نمی توانند توالی وقایع (نوسان قیمتها) را مابین قیمت open و close بازگو کنند و فقط می توانند تفاوت آنها را در نهایت نشان دهند. قیمت های high و low در این نمودارها واضح و بدون تردید هستند اما نمودارهای شمعی (همچنین بار چارتها) نمی توانند به ما بگویند کدامیک زودتر اتفاق افتاده است .

High Low Sequence



© StockCharts.com

با یک شمع سفید بلند فرض بر این است که در بیشتر طول روز قیمت ها رو به افزایش بوده است. هر چند که مبتنی بر توالی قیمت‌های high/low بازار میتواند باشد. نمونه بالا (نمودار) 2 حالت مختلف را برای توالی قیمت‌های high/low که ممکن است یک شمع واحد را ایجاد نمایند نشان میدهد. اولی نشان دهنده 2 حرکت کوچک و یک حرکت بزرگ می باشد: یک افت قیمت کوچک از حالت open قیمت low را بوجود می آورد و یک جهش سریع بوجود آورنده قیمت high می شود و یک کاهش مجدد کوچک، قیمت close را شکل میدهد .

دومین حالت نشان دهنده 3 حرکت نسبتاً جهشی می باشد: ابتدا یک حرکت سریع از قیمت open شروع شده و high را شکل می دهد، یک کاهش قیمت سریع دیگر شکل دهنده قیمت low می باشد و یک برگشت دوباره روبه بالا قیمت close را بوجود می آورد .

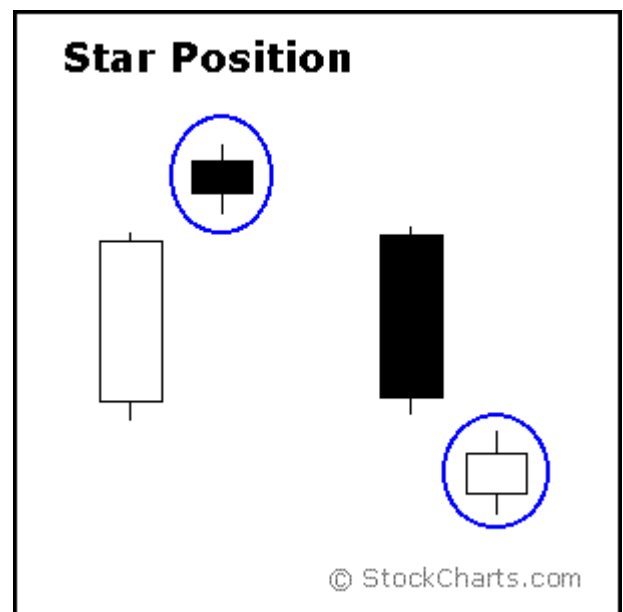
اولین حالت نشان دهنده یک فشار خرید قوی حمایت کننده از قیمت سهم می باشد و به رونق بیشتر آن توجه می دهد. دومین حالت بازگو کننده بعضی از فشارهای فروش بر روی سهم می باشد و تزلزل قیمت بیشتری را نشان میدهد .

اینها فقط 2 نمونه از هزارها نمونه ای بودند که نشان می دهند روالهای مختلف می توانند شمعیهای یکسان بوجود آورند. با وجود این نمودارهای شمعی هنوز اطلاعات گرانبهایی را با نشان دادن موقعیت قیمت‌های open-low-high و close به ما میدهند. هر چند که نیروهای مختلف و متنوعی می توانند یک شمع خاص را بوجود آورند .

در این جزوه، تشریح نمودارهای شمعی، گرگ موریس (Greg Morris) این کتاب را بصورت یک الگوی تخصصی جهت نشان دادن الگوهای وارونگی بازار نوشته است. برای وارونگی روند قیمت، یک سهم نیازمند

تمایل قبلی می باشد. جهت رونق یافتن یافتن سهم نیازمند یک دوره کاهش قیمت قبلی و جهت رکود یافتن یک سهم نیازمند یک دوره رونق کلی آن از قبل می باشد. سمت تمایلات بازار را میتوان با ابزارهای خطوط روند ، میانگین متحرک و یا دیگر ابزار آنالیز تکنیکال مشخص نمود .

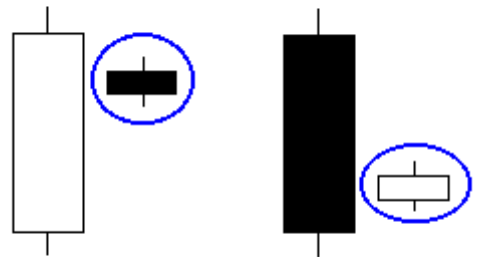
یک تمایل به کاهش قیمت می تواند تا زمانی که سهم در قیمت‌هایی کمتر از خطوط روند پایینی خود و یا پایین تر از میانگین متحرک خود معامله میشود ادامه یابد. مدت زمانی که این حالت ادامه می یابد بستگی خواهد داشت به برتری های خاص هر سهم . هر چند بدلیل اینکه نمودارهای شمعی کلاً ماهیت کوتاه مدتی دارند بهتر است همیشه حرکات 1 تا 4 هفته گذشته قیمت سهم مورد نظر قرار گیرد .



موقعیت ستاره

زمانی رخ میدهد که موقعیت یک شمع نسبت به شمع قبلی خود دارای فاصله باشد. اولین شمع معمولاً دارای بدنه بلندی می باشد، البته نه همیشه، و دومین شمع که در موقعیت ستاره قرار دارد دارای بدنه کوچکی است. بسته به موقعیت شمعی قبلی شمع واقع در موقعیت ستاره می تواند در بالا و یا پائین شمع قبلی خود قرار گیرد و بنظر میرسد که از روند قیمت شمع قبلی بدور می باشد. این دو شمع می توانند هر ترکیبی از سیاه و سفید را داشته باشند. حالت‌های -Doji-Hammers-Shooting stars و Spinning Tops دارای بدنه های کوچکی هستند و می توانند در موقعیت ستاره قرار گیرند. بعداً ما 2 یا 3 نمونه از حالت‌های نمودارهای شمعی را بررسی خواهیم کرد که از موقعیت ستاره بهره می برند .

Harami Position



© StockCharts.com

موقعیت هارامی (Harami)

یک شمع که موقعیت آن در حدود ارتفاع شمع قبل از خود قرار می گیرد را می گویند که در موقعیت هارامی قرار دارد. هارامی در زبان ژاپنی به معنای آبستن می باشد و دومین شمع در داخل (در حدود ارتفاع) شمع اولی لانه کرده است .

اولین شمع همیشه دارای بدنه بزرگی می باشد و دومین شمع دارای بدنه کوچکتری از شمع قبلی . سایه های بالایی و پائینی شمع دوم مجبور نیستند که در حدود شمع قبلی قرار گیرند هر چند بهتر است اگر باشند .

Doji-Spinning Tops بدنه های کوچکی دارند و به خوبی در موقعیت هارامی قرار می گیرند. بعداً ما

نمونه هایی را آزمایش خواهیم کرد که از موقعیت هارامی بهره می برند

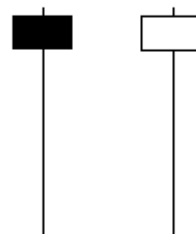
مقدمه ای بر نمودارهای شمعی (بخش چهارم)

برگشت سایه بلند (بخش چهارم)

دو جفت از الگوهای برگشتی شمع تکی وجود دارد که ساخته شده اند از یک بدنه اصلی کوچک، یک سایه بلند و یک سایه کوتاه و یا بدون سایه. عموماً، سایه بلند حداقل دو برابر طول بدنه اصلی است، که می تواند سیاه یا سفید باشد. محل سایه بلند و حرکت قیمت قبلی تعیین کننده طبقه بندی آن می باشد .

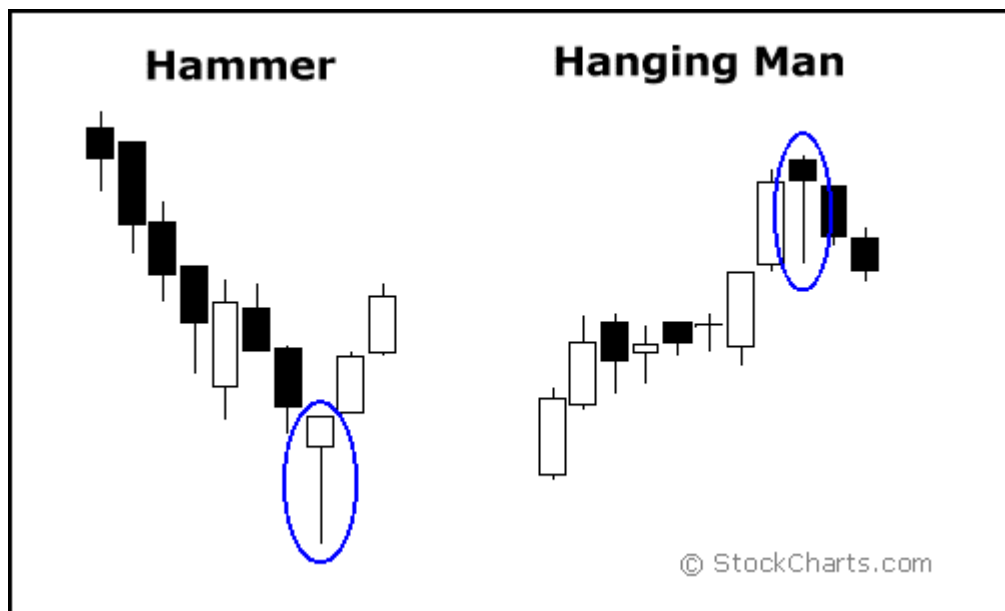
اولین جفت، چکشی و مرد آویزان همانند هم دارای بدنه های کوچک و سایه های بلند تحتانی هستند. دومین جفت، ستاره تیر انداز و چکشی واژگون نیز همانند هم دارای بدنه های کوچک و سایه های بلند فوقانی می باشند. فقط حرکت قبلی قیمت و تایید دوباره آن تعیین کننده نوع افزایش قیمت یا کاهش قیمت این شمع ها می باشد. چکشی و چکشی واژگون بعد از یک افت شکل می گیرند و الگوهای برگشتی افزایش قیمت می باشند، حال آن که ستاره تیر انداز و مرد آویزان بعد از یک رشد شکل می گیرند و الگوهای برگشتی کاهش قیمت هستند .

Hammer Hanging Man



© StockCharts.com

الگوهای چکشی و مرد آویزان کاملاً شبیه به هم به نظر می‌رسند اما مفهوم متفاوتی بر اساس حرکت قبلی قیمت دارند. هر دو دارای بدنه اصلی کوچک (سیاه یا سفید)، سایه‌های بلند تحتانی و سایه‌های کوتاه فوقانی می‌باشند و یا سایه فوقانی ندارند. همانند ساختار اغلب شمع‌های تک و جفت، الگوهای چکشی و مرد آویزان نیازمند تایید قبل از حرکت می‌باشد.



© StockCharts.com

الگوی چکشی یک الگوی برگشتی افزایش است که بعد از یک افت شکل می‌گیرد. علاوه بر یک پتانسیل روند برگشت، الگوهای چکشی می‌توانند مشخص‌کننده کف قیمت‌ها یا سطوح حمایت باشند. بعد از یک افت چکش‌ها نشان‌دهنده یک نیروی تازه خرید هستند. سطح پایین سایه‌های بلند تحتانی دلالت بر این دارد که فروشندگان در طی دوره قیمت‌ها را پایین کشیده‌اند. به هر حال، فرجامی روبه‌رشد نشان می‌دهد که

خریداران به وضعیتی رسیده اند که دوره را با سهامی رو به افزایش قیمت پایان دهند. درحالیکه به نظر می رسد این برای عمل کافی است ، الگوهای چکشی نیازمند تایید دوباره افزایش قیمت می باشند. بخش پایین چکش نشان می دهد که تعداد زیادی فروشنده باقی مانده است. فشار خرید بیشتر، ترجیحا روی حجم معاملات در حال گسترش ، قبل از عمل نیاز است. چنین تاییدی می تواند از یک شکاف رو به بالا یا یک شمع سفید بلند بدست آید. چکش ها مشابه بالارفتن فروش هستند و حجم سنگین معاملات می تواند صحت این برگشت را تقویت کند .

الگوی مرد آویزان یک الگوی برگشتی کاهش قیمت است که همچنین می تواند مشخص کننده سقف قیمت یا سطح مقاومت باشد. این الگو بعد از یک رشد شکل می گیرد و اعلام می کند که فشار فروش شروع به افزایش کرده است .

سطح پایین سایه های بلند تحتانی دلالت بر این دارد که فروشنده ها قیمت ها را در طی دوره پایین تر کشیده اند. حتی اگر خریداران به وضعیت خود برگردند و قیمت ها را در انتها بالا ببرند(بخاطر داشتن تقاضای خرید)، ظهور فشار فروش پرچم زرد را بالابرده است (اخطار). همانند الگوی چکشی الگوی مرد آویزان نیازمند تایید کاهش قبل از عمل می باشد. این تایید میتواند مثل یک شکاف رو به پایین یا یک شمع بلند سیاه در یک حجم سنگین باشد .

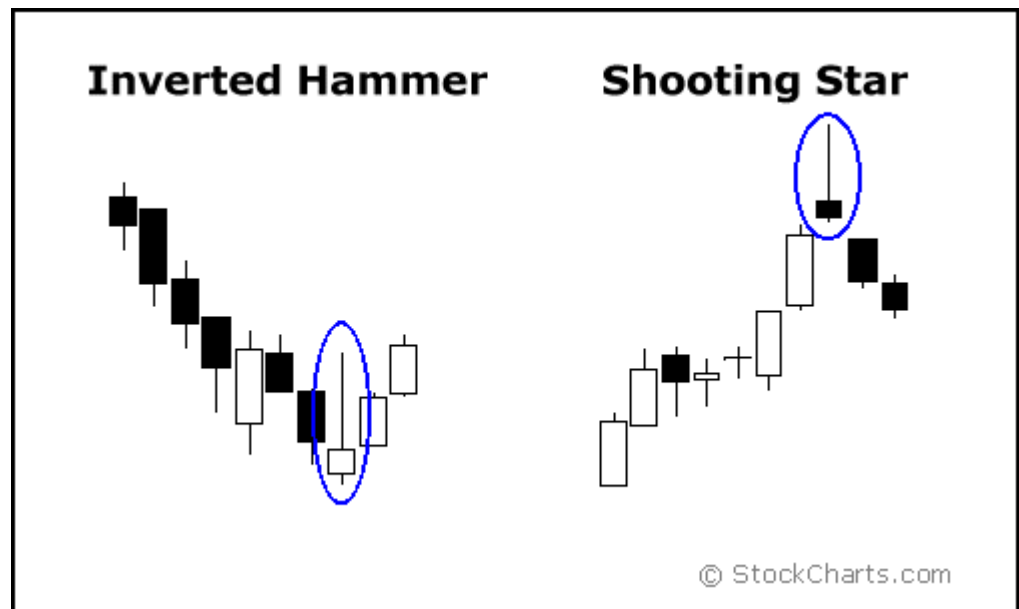
<http://www.stockcharts.com/education/ChartAnalysis/images/candle4-invertedshooting1.gif>

الگوی چکشی واژگون و ستاره تیر انداز کاملا شبیه به هم به نظر می رسند اما مفهوم متفاوتی بر اساس حرکت قیمت قبلی دارند. هر دو شمع ها دارای بدنه اصلی کوچک (سیاه یا سفید)، سایه های بلند فوقانی و کوتاه تحتانی یا بدون سایه های تحتانی می باشند. این شمع ها نشانگر پتانسیل روند برگشت می باشند، ولی قبل از عمل نیازمند تأییدند .

الگوی ستاره تیر انداز یک الگوی برگشتی کاهش قیمت است که بعد از یک رشد و در حالت ستاره شکل می گیرد، به همین خاطر این گونه نام گذاری شده است. الگوی ستاره تیر انداز می تواند مشخص کننده پتانسیل روند برگشت یا سطح مقاومت باشد. شمع هنگامی که شکاف قیمتی بالاتر روی قیمت باز است، در طول دوره رشد می کند و بالا بسته می شود شکل می گیرد. شمع حاصله دارای یک سایه بلند فوقانی و بدنه کوچک سیاه یا سفید می باشد. بعد از یک رشد کلان (سایه فوقانی) توانایی فروشندگان برای پایین کشیدن قیمت ها پرچم زرد را بالا می برد(اخطار). برای نشان دادن یک برگشت مستدل، سایه بالایی باید نسبتا بلند و حداقل دو برابر طول بدنه باشد. تایید کاهش قیمت بعد از الگوی ستاره تیر انداز لازم است و می توان شکل آن را از یک شکاف رو به پایین یا شمع بلند سیاه در یک حجم سنگین بدست آورد .

الگوی چکشی واژگون کاملا شبیه الگوی ستاره تیر انداز به نظر می رسد ، اما بعد از یک افت یا روند نزولی شکل می گیرد. الگوهای چکشی واژگون نشان دهنده یک پتانسیل روند برگشت یا سطوح حمایت هستند . بعد

از یک افت، سایه بلند فوقانی بیان کننده فشار خرید در طی دوره می باشد. هرچند، خریداران قادر نیستند که این فشار خرید را حفظ کنند و قیمت ها به طوری بالا بسته می شود که باعث ایجاد یک سایه بلند فوقانی می گردد. بخاطر این نقص، تایید افزایش قیمت قبل از عمل مورد نیاز است. یک الگوی چکشی واژگون و به دنبالش یک شکاف رو به بالا یا شمع بلند سفید با حجمی سنگین می تواند به عنوان تایید افزایش قیمت عمل کند .



ترکیب شمع ها

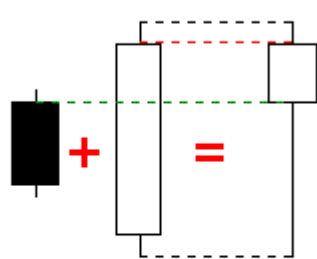
الگوی شمع ها از یک یا تعداد بیشتری شمع تشکیل شده و این شمع ها می توانند برای شکل دادن یک شمع با هم ترکیب شوند. این شمع ترکیبی ماهیت الگو را به خود می گیرد و می تواند به صورت زیر شکل گیرد :

قیمت باز شدن اولین شمع

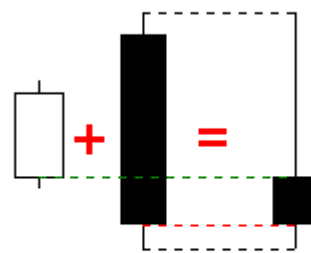
قیمت بسته شدن آخرین شمع

قیمت بالا یا پایین الگو

Blending Candles



Bullish Engulfing Hammer

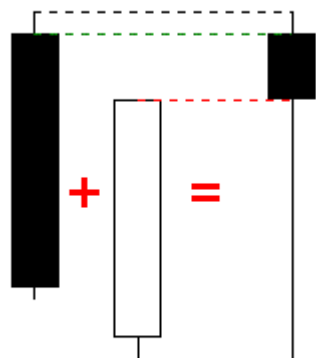


Bearish Engulfing Shooting Star

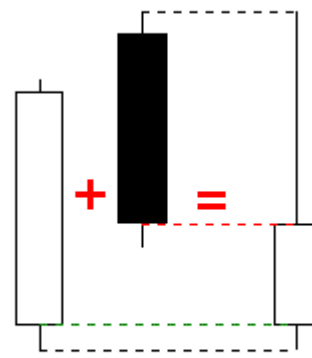
© StockCharts.com

با استفاده از قیمت باز شدن اولین شمع، قیمت بسته شدن دومین شمع و در نظر گرفتن قیمت بالا و پایین الگو، یک Bullish engulfing یا piercing ترکیب و به یک الگوی چکشی تبدیل می شوند. سایه بلند تحتانی چکش اعلام یک پتانسیل برگشت افزایش قیمت را می دهد. همانند الگوی چکشی، هر دو الگوی bullish engulfing و piercing نیازمند تایید افزایش قیمت می باشند .

Blending Candles



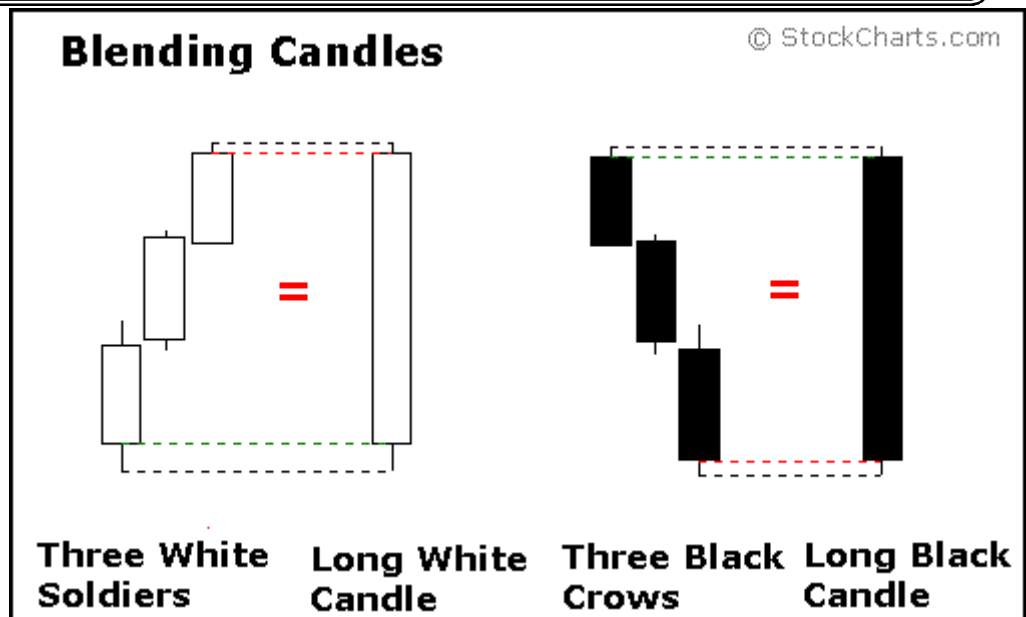
Piercing Pattern Hammer



Dark Cloud Cover Shooting Star

© StockCharts.com

ترکیب شمعی هایی از الگوی Bearish engulfing یا الگوی ابر سیاه ایجاد یک الگوی ستاره تیر انداز می کنند. سایه بلند فوقانی ستاره تیر انداز نشان دهنده پتانسیل برگشت کاهش قیمت است. همانند الگوی ستاره تیر انداز، الگوهای bearish engulfing و الگوی ابر سیاه نیازمند تایید کاهش قیمت می باشند .



بیش از دو شمع با همان دستورالعمل می توانند ترکیب شوند :
 قیمت باز شدن از اولین، و بسته شدن از آخر و بالا و پایین الگو. ترکیب سه شمع سفید ایجاد یک شمع سفید و ترکیب سه شمع سیاه ایجاد یک شمع سیاه بلند می کند .

Hammer 1- چکشی

Hanging man 2- مرد آویزان

Shooting star 3- ستاره تیر انداز

Inverted hammer 4- چکشی واژگون

Dark cloud 5- ابر سیاه

همبستگی ارزها

تعریف همبستگی : بررسی دلایل وابستگی متقابل جفت ارزها خیلی ساده است مثلا اگر شما جفت ارز GBP/JPY را معامله کنید در حقیقت شما یک نوع مشتق از جفت ارزهای USD/JPY و GBP/USD را معامله کرده اید بنابراین اگر هر دوی آنها از جفت ارزهای دیگری نباشند، GBP/JPY تا حدی به یکی از آن دو وابسته است. هر چند مقدار وابستگی تقابلی دنباله دار جفت ارزها از نسبت فاکتور ساده ای که آنها بصورت جفتی (مثلا پوند در برابر ین ژاپن) هستند، بیشتر است. در حالی که بعضی از جفت ارزها، تغییر می کنند، جفت ارزهای دیگر (مقابل) در مسیرهای مخالف ممکن است، جابجا شوند. این در اصل نتیجه نیروهای متضاد و مخالف هم است. همبستگی، در جهان اقتصاد و سرمایه داری، از نظر آماری به نسبت امنیت و آسایش خاطر و تامین اجتماعی و .. میان جفت ارزهای مختلف وابسته است. ضریب همبستگی در فاصله بین +1 و -1 قرار دارد. همبستگی +1 به این موضوع اشاره می کند که این دو جفت ارز در تمام زمانها صدر صد بطور یکسان در یک جهت جابجا خواهد شد و همبستگی -1 به این موضوع اشاره می کند که این دو جفت ارز در تمام زمانها صدر صد بطور یکسان در مسیر مخالف هم (متضاد) جابجا خواهد شد .

همبستگی صفر هم به این موضوع اشاره می کند که روابط و ارتباط بین آن دو جفت ارز بطور کامل تصادفی و رندوم است .

خواندن جدول همبستگی : با فراگیری موضوع همبستگی، اجازه بدیدبه جدول زیر توجه کنیم .
هر کدام از همبستگی هایی که در بین این جفت ارزها ی اصلی نمایش داده شده مربوط به ماه مارس 2005 است

http://www.investopedia.com/images/a...lations0_2.gif

در جدول بالایی نشان می دهد در ماه مارس (طول یک ماه EUR/USD و AUD/USD همبستگی بسیار قوی و مثبت 0.94 بوده است این اشاره می کند با این موضوع که مثلا اگر EUR/USD در حال افزایش قیمت است AUD/USD نیز در 94% درصد زمانها در حال بالا بردن قیمت خود بوده است. در دوره بلندتر (سه ماهه) هر چند همبستگی اندکی ضعیفتر 0.47 شده است .

در مقابل EUR/USD و USD/CHF یک همبستگی تقریبا کامل منفی 0.99 داشته است . این اشاره می کند با این موضوع که در 99% درصد زمانها وقتی که مثلا EUR/USD در حال افزایش قیمت است ، USD/CHF نیز در حال کاهش قیمت بوده است .

این نسبت حتی در دوره طولانی تر (ار نضر زمانی) نسبت همبستگی اش را بطور ثابت حفظ کرده است.

http://www.investopedia.com/images/a...lations1_3.gif

با این حال ، همبستگی ها همیشه ثابت نخواهند ماند. برای مثال USD/CAD و NZD/USD با یک ضریبی از منفی 0.94 - ، یک ضریب همبستگی قوی و قدرتمند در سرتاسر سال قبل داشته است. اما این نسبت همبستگی در کل ماه مارس 2005 بخاطر تعدادی از فاکتورها (سیاسی و اقتصادی) رو به نابودی و زوال گذاشته است. این فاکتورها شامل ذخایر و اندوخته های احتیاطی بانک نیوزلند برای گردش و نرخ بهره و بی ثباتی سیاسی در کانادا بوده است .

همبستگی ها تغییر می کنند : واضح است که همبستگی میان جفت ارزها تغییر می کنند و این تغییرات بطور یکسان میان تمام همبستگی ها بطور یکسان توزیع می شود و نسبت میان جفت ارزها روابط میان آنها راهموار می سازد .

فاکتورهای اقتصادی و احساسات خیلی پویا هستند و می توانند در مقیاسهای روزانه تغییر کنند و آنها را هموار سازند .

همبستگی های قوی امروز با همبستگی دوره طولانی مدت بین دو جفت ارز نمی توانند در یک خط و لاین باشند .

یک نگاه دقیق بر دوره 6 ماهه همبستگی بطوردنباله دار و پشت سر هم ، (که بسیار مهم است) یک زاویه دید شفاف و واضح روی نسبت میانگین 6 ماه بین دو جفت ارز ارائه می کند که همبستگی ها برای دلایل متنوعی

تغییر می کنند - رایجترین آنها شامل اختلاف در سیاست پولی است -- یک جفت ارز مطمئناً به قیمت کالاها و اقتصادی منحصر به فرد و فاکتورهای سیاسی حساسیت نشان می دهد .
در جدول زیر همبستگی دنباله دار 6 ماهه EUR/USD که با دیگر جفت ارزها سهمیم شده است را نمایش می دهد.

http://www.investopedia.com/images/a...lations1_4.gif

چگونه همبستگیها را محاسبه کنیم؟: برای محاسبه یک همبستگی ساده، فقط به یک صفحه گسترده (spreadsheet) مانند مایکروسافت اکسل احتیاج است .
در اکسل ، فقط تابع همبستگی " $\text{correl}(\text{rang1};\text{rang2})$ " است بکار می رود .

اینجا فرآیند محاسبه همبستگی را مرحله به مرحله بررسی می کنیم :

1- برای دو جفت ارز ، داده های (Data) قیمتی شان را بگیرید مثلاً می گویم آن دو جفت ارز GBP/USD و USD/JPY هستند .

2- دو ستون منحصر به فرد ، که هر کدام از آن جفت ارزها با یک بر چسب مشخص شده است ، را بسازید و سپس ستونها را با قیمتهای روز قبل که برای هر کدام از جفت ارزها در تمام دوره زمانی که شما در حال تجزیه و تحلیل کردن ان هستید و اتفاق افتاده است ، پر کنید .

3- در انتهای یکی از ستونها در یک اسلوت (SLOT) خالی ، $\text{CORREL} =$ (را تایپ کنید .

4- رنج ستون اول را تایپ کنید .

5- یک سیمیکالون ";" قرار تایپ کنید .

6- مراحل 3 تا 5 را برای جفت ارز دیگر انجام دهید .

7- فرمول را با یک "(" ببندید بنابراین آن فرمول باید شبیه زیر باشد مثلاً :

$\text{CORREL}(A1:A50 ; B1:B50 =$

8- اعداد و ارقام که تولید شده است همبستگی بین دو جفت ارز را نمایش می دهد .

بهر حال همبستگی تغییر می کند و لازم نیست تا اعدادتان را هر روز بروز کنید. هر چند هفته یکبار یا هر ماه یکبار بروز کردن ، کلاً ایده خیلی خوبی است .

چطور آنها را برای نحوه مدیریت کردن بکار ببریم؟ :

حالا اینو میدانیم که چطور همبستگیها را محاسبه کنیم در این زمان می ریم ببینیم آنها را چطور استفاده کنیم تا برای ما فایده داشته باشد .

اول ، آنها می توانند شما در اجتناب از ورود دو پوزیشن که کنسل هر کدام دیگری را خارج خواهد کرد، کمک خواهد کرد. برای نمونه ، با دانستن اینکه EUR/USD و USD/CHF تقریباً در 100% زمانها در دو سوی مخالف جابجا می شود، شما می توانید ببینید که داریدیک سهام (portfolio) از خرید EUR/USD و خرید USD/CHF ، یکسان است که بطور مجازی هیچ پوزیشنی وجود ندارد . زیرا، نشانگرهای همبستگی

وقتی EUR/USD در حال افزایش قیمت است USD/CHF روبه پایین و در حال کاهش قیمت است. از طرف دیگر نگهداری خرید EUR/USD و خرید USD/CHF شبیه به افزایش دو سویه روی پوزیشن یکسان است که از این رو همبستگی خیلی قوی است .

گو نا گونی (Diversification) فاکتور دیگری برای ملاحظه و بررسی کردن است. چون همبستگی EUR/USD و AUD/USD بطور مر سوم و رایج 100% مثبت نیست. معامله گران می توانند آنها را دو جفتی استفاده کنند تا گوناگونی و تنوع بودن ، ریسک آنها را در طی نگهداری آنها (آن دو جعت ارز) کاهش دهد .

برای مثال در چشم انداز تضعیف ارزش دلار (bearish) معامله گر بجای خرید 2 لات از EUR/USD ، ممکن است یک لات EUR/USD و یک لات از AUD/USD خرید کند .

همبستگی ناقص بین 2 جفت ارز مختلف اجازه تنوع بیشتر و حاشیهء (marginally) ریسک کمتر را به شما می دهد .

بعلاوه ، بانک مر کزی استرالیا و اروپا سیاستهای پولی متفاوت خود را دارند، بنابراین در اتفاق و رویدادی که برای دلار باعث افزایش قیمت است ، دلار استرالیا ممکنه کمتر از یورو تحت تاثیر واقع شود .

یک معامله گر می تواند همچنین از تفاوت ارزش پیپ یا پاینت برای سود دهی خودش استفاده کند. اجازه بدید دوباره یکبار دیگر روی EUR/USD و USD/CHF بررسی کنیم. آنها یک همبستگی تقریباً بطور کامل دارد، اما ارزش یک پیپ جابجایی در EUR/USD ، برای یک لات 100000 واحدی \$10 است در حالی که ارزش یک پیپ جابجایی در USD/CHF برای یک لات 100000 واحدی \$8.34 است . این اشاره می کند به اینکه معامله گران می توانند USD/CHF برای قفل و هدج کردن با EUR/USD بکار ببرید .

در اینجا از هدج و قفل کردن چگونه بتوان استفاده کرد را توضیح می دهیم : می گوید که یک معامله گر یک سهام یک لاتی 100000 واحدی EUR/USD بصورت فروش و یک فروش یک لاتی 100000 واحدی از USD/CHF .

وقتی که EUR/USD ده پیپ یا پوینت افزایش می یابد ، معامله گر خواستار \$100 - روی پوزیشن است . هر چند ، چون USD/CHF در خلاف جهت EUR/USD حرکت کرده است. فروش معامله USD/CHF می تواند سود ده باشد بطور مشابه در 10 پیپ بالاتر که جابجا شد بالای \$ 83.40 سود می کند .

این گردش می تواند در سهام بجای \$ 100 - را به \$ 16.60 - ضرر تبدیل کند البته این هدج یا قفل کردن سود کمتر را نیز در صورت بر عکس بودن جریان خواهد داشت. اما در حالت بد سناریو ، ضرر بطور نسبی کمتر شده است .

صرف نظر از این شما متوجه گوناگونی معاملاتتان یا پیدا کردن جفت های متبادل و متناوب برای لوریج هستید .

صرف نظر از این برای معامله گران حرفه ای ، علم به این موضوع مهم است که در اکانت معاملاتشان بیشتر

از یک جفت ارز نگهداری کنند .

گوناگونی ، قفل یا پوزیشن روی دو جفت ارز برای سوداین علوم به معامله گران در معاملاتشان ، کمک می کند .

خلاصه

یک عامل موثر معامله گر بودن ، مهم است که بفهمد جفت ارز های مختلف چطور در ارتباط با یکدیگر چگونه جابجا می شود. اینطور معامله گران می توانند معاملاتشان را بهتر کنند .

بعضی از جفت ارزها بطور جفتی با دیگر جفت ارزها جابجا می شوند در حالی که دیگران ممکن است متضاد باشد .

آموختن درباره همبستگی ارزها معامله گران را کمک کنند تا بطور خیلی مناسبی پورتو فولیو یا سبد سهامشان را مدیریت کنند .

صرف نظر از استراتژی معاملاتی تان ، توجه به گوناگونی معاملاتتان یا پیدا کردن جفت ارزهای متناوب و همبستگی میان جفت ارزهای مختلف و روند جابجایی آنها را ، خیلی مهم است که در حافظه تان نگه دارید .

جدول همبستگی ها : <http://members.cox.net/dmrc/Markets/...relations.htm>